

کیمهان ۵۸۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۱۰ تا پنجشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و سوم - شماره ۲۰۴۸

محاصره عملیاتی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۸ (۵۸۲)

۱۰ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۵

۲ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



E-mail: pirnia@pirnia.com



کیهان

فهرست مطالب**

۴	 سرمقاله - شکست پروژه «انسجام» / روشنگر آستر کی
۴-۵	 تیر هفته - محاصره عملیاتی ... /
۶-۷	 نتانیاهو در سازمان ملل نیز از مردم ایران دفاع کرد؛ «رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر چیز از ... /
۷	 وال استریت ژورنال: ترامپ پیشنهاد آتش بس هفت روزه رژیم ایران را رد کرد ... /
۸-۹	 ارسال قطعات پهباد و موشک از چین به ایران در روز امضای آتش بس ... /
۹	 حادثه «امنیتی جدی» در نزدیکی پایگاه هوایی آمریکادر بریتانیا؛ چند نفر بازداشت شدند ... /
۱۰-۱۱	 سنگینی جنگ بر انتخابات میان دوره ای آمریکا ... / ولید فارس (ایندیپندنت عربی)
۱۱	 یالتا! ... / اخیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	 گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱۳) ... /
۱۴-۱۵	 «جنگ آخر زمانی»؛ زبان دیپلماسی جمهوری اسلامی برای توافق با واشنگتن ... /
۱۵	 عراق خواستار معافیت از تحریم های آمریکابرای پروازهای ایران شد ... /
۱۶-۱۷	 برگزاری پنجمین دوره «کنفرانس ایران» توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) ... /
۱۷	 تحریم ها و آثارش بر جمهوری اسلامی ... / بهنام محمدی
۱۸-۱۹	 نیویورک بست: علاوه بر محاصره دریایی و هوایی، باید محاصره زمینی جمهوری اسلامی را افزایش داد ... /
۱۹	 وزیر خزانهداری آمریکا: اقدامات برای «طرد اقتصادی» جمهوری اسلامی ایران در حال به ثمر ... /
۲۰-۲۱	 توافق با ملت ایران، راهکار مؤثر پایان تور ریسیم ... / افرید صابری
۲۱	 آسمان ایران در حال بسته شدن است؟ ... / افرید خلیفی
۲۲-۲۳	 عبور از «فتوای حرام» زیر پوشش «بازدارندگی هسته ای» ... /
۲۳	 مجروح شدن هشت تفنگدار دریایی آمریکادر پی اصابت موشک جمهوری اسلامی ... /
۲۴-۲۵	 گزارش میدانی؛ تاوقتی جمهوری اسلامی پابر جاست، قانون حجاب هم خواهد بود ... / افرید نور دستروم
۲۵	 رزمایش هراس در دوران سقوط ... / افرید خلیفی
۲۵	 استراتژی اسرائیل در برابر موج اسلامگرایی و رهبری شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با نبی سبطی ... /
۲۶	 سه روز پس از سفر نتانیاهو به امارات؛ هواپیمای «فالای دویی» به مقصد تل آویو با ۱۰۰ مسافر ... /
۲۶-۲۷	 اتهامات جدید و سنگین «محراب» و «افساد فی الارض» علیه امیر حسین موسوی ... /
۲۷	 جمهوری اسلامی علی همتی سیستمی و مجید نیک اندیش از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ ... /
۲۸	 برتری دریایی آمریکادر تنگه هرمز؛ صادرات نفت در خلیج فارس به ۷۲ درصد رسید ... /
۲۹	 سفر هیئت امنیتی اسرائیل به ابوظبی؛ نتانیاهو و بن زاید باید یکدیگر دیدار کردند ... /
۳۰	 تحریم های تازه بریتانیا علیه جمهوری اسلامی اجرایی شد؛ محدودیت در مسائل انرژی، امور بانکی ... /
۳۱	 نسرین ستوده برندهی «جایزه ی حقوق بشر و اتسلا و هاول» شورای اروپا شد ... /
۳۱	 رد پای بابک زنجانی در تنگه هرمز؛ دزد دیروز، پولشوی امروز! ... / افرید خلیفی
۳۲	 تهدید جان میلیون ها شهروند در اصفهان به علت فرونشست ... /
۳۳	 دستورالعمل هشدار آمیز وزارت علوم؛ پوشش دانشجویان باید «متین، آراسته، ساده» باشد! ... /
۳۴-۳۵	 وزیرای کابینه پز شکبان زیر تیغ استیضاح؛ تشدید شکاف هادربقایی جمهوری اسلامی ... /
۳۵	 عراقچی؛ منتظر پاسخ آمریکاهستیم؛ ترامپ: «من به آنها هیچ پیشنهادی ندادم!» ... /
۳۶-۳۷	 هشدار درباره کاهش سرانه غذا در خانواده های کارگری ... /
۳۷	 تحریم های آمریکاعلیه ۱۰ شرکت و افراد مرتبط با تسلیحات جمهوری اسلامی ... /
۳۸	 شوک تحریم آسمان ایران بر صنعت در آستانه ی ورشکستگی داروسازی ... /
۳۹	 هشدار کارشناسان درباره اقتصادی که دیگر نفت هم راهگشای آن نیست ... /
۴۰-۴۲	 «پروژه ی نخ نمای نجوان»؛ فدرال بسم یا تمرکززدایی برای ایران آینده؟ ... / بهزاد بریان
۴۲-۴۳	 اقتصاد ایران زیر سایه جنگ و تحریم؛ پیش بینی دلار ۳۰۰ هزار تومانی و سکه ۳۶۰ میلیون تومانی ... /
۴۴-۴۵	 ادعای دروغ بانک مرکزی درباره کاهش تورم اقتصاد ایران ... /
۴۵-۴۶	 شبکه «ترستی» هاسه میلیارد دلار از منابع ایران را دزدیده اند ... /
۴۶	 تجمع در لندن به یاد جاوید نامان «جنبش مهسا» و انقلاب ملی شیر و خورشید ... /
۴۷	 کمبود جدی سوخت و انرژی؛ از طرح «دورکاری ترکیبی کارمندان دولت» تا احتمال ... /
۴۸	 فقر، شمار کودکان بازمانده از تحصیل در ایران را افزایش داد ... /
۴۹	 سقوط بی سابقه ارزش پول ملی؛ دلار ۳۳۰ هزار تومانی در راه است! ... /
۵۰-۵۱	 خبرهای کوتاه ... /
۵۲	 پشت جلد - عکس هفته / زنان شجاع ایران



بازنشر
بازنشر

محاصره عملیاتی



● برای آنها که بقای نظام را در خطر دیده‌اند، اصلی‌ترین ماموریت جلوگیری از فروپاشی ساختار نظامی و امنیتی رژیم است؛ بر همین اساس با تمام قوا همه ارگان‌ها، نهادها و سازمان‌ها بسیج شده‌اند تا در خیابان‌ها حضور نظامی شبانه‌روزی داشته باشند. در چنین وضعیتی شهرها شبیه پادگان شده است.

فلسطین» و عوامل گروه تروریستی حماس، در اروپا، آمریکا و استرالیا کارزاری برای مختل کردن امنیت از جمله با هدف قرار دادن یهودی‌ها، آتش زدن کنیسه‌ها و تهدید مخالفان سیاسی خارج کشور به راه انداخت.

مقامات جمهوری اسلامی تمام هشدارهای آژانس، شورای حکام، آمریکا، اتحادیه اروپا، «جی-۷»، «جی-۲۰»، ناتو و هشدارهای پنهانی را که با واسطه‌های عربی-اروپایی به تهران می‌رسید، نادیده گرفتند. اینها مجموعه عواملی بود که سرانجام به جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه و وضعیت امروز منتهی شد. آنهم در حالی که «کارت تنگه هرمز» نیز سوخته شده و انتقال انرژی از خلیج فارس با نظارت آمریکا و همکاری کشورهای منطقه و شرکت‌های کشتیرانی، از راه‌های دیگر جریان دارد و تنگای تنگه هرمز گلوی خود رژیم را می‌فشارد.

شهرهای ایران تبدیل به پادگان شده

اکنون اما اوضاع برای حکومت وخیم‌تر شده است. آمریکا در واکنش به مختل شدن کشتیرانی آزاد در تنگه هرمز و خلیج فارس، راهکار محاصره شدید دریایی، هوایی و زمینی ایران را در پیش گرفته است. برای جمهوری اسلامی که گزینه‌ای برای خروج از این بحران ندارد، بهترین گزینه فعلاً مقاومت و تاب‌آوری است. برای آنها که بقای نظام را در خطر دیده‌اند، اصلی‌ترین ماموریت جلوگیری از فروپاشی ساختار نظامی و امنیتی رژیم است؛ بر همین اساس با تمام قوا همه ارگان‌ها، نهادها و سازمان‌ها بسیج شده‌اند تا در خیابان‌ها حضور نظامی شبانه‌روزی داشته باشند. در چنین وضعیتی شهرها شبیه پادگان شده است.

بعد از جنگ ۴۰ روزه حدود دو ماه آتش‌بس موقت

حاکمان فعلی ایران، فرماندهان و مقاماتی هستند که بعد از دو جنگ تمام‌عیار، از پهبان و حذف‌های هدفمند توسط اسرائیل و آمریکا، جان سالم به در برده‌اند. آنها احساس پیروزی می‌کنند زیرا خیزش بزرگ دی‌ماه ۱۴۰۴ را با سرکوب خونین و قتل عام گسترده موقتاً مهار کردند و بعد از حدود یکسال و نیم حملات نظامی شدید با اینکه رهبرشان علی خامنه‌ای و ده‌ها فرمانده ارشد و چندین مقام سیاسی کشته شدند اما فعلاً نظام را از سقوط نجات داده و همین موضوع و این موضوع را که هنوز سرنگون نشده‌اند، «پیروزی» قلمداد می‌کنند.

بستن تنگه هرمز گریبان خود نظام را گرفت

اگچه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با میانجیگری دولت‌های عربی و اسلامی شامل قطر، عمان، مصر، پاکستان و ترکیه تلاش کرد تا محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و از چهره‌های نظامی را وادار به «توافق» کند اما تلاش‌های وی بی‌نتیجه ماند زیرا با وجود انعطاف نسبی قالیباف و همفکران او، سایر مهره‌های قدرتمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در رأس نظام تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر هستند حاضر به «تسلیم» نشدند.

جمهوری اسلامی تا قبل از جنگ ۱۲ روزه در خردادماه ۱۴۰۴ حاضر نشده بود درباره ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی شفاف‌سازی کند؛ همچنین اجازه دسترسی به بازرسان آژانس برای بازدید از تأسیسات مشکوک را نداد و همزمان دوربین‌های آژانس در تأسیسات کلیدی را خاموش کرد و به پشتیبانی مالی و نظامی از شبه نظامیان نیز ادامه داد. حکومت ایران آزمایش‌های موشکی را نیز متوقف نکرد و با پشتیبانی از حامیان یهودستیزی و به اصطلاح «آرمان

شکست پروژه «انسجام»

دو دیدگاه متضاد «مذاکره و سازش با آمریکا» و «مقاومت حداکثری و جنگ» سال‌هاست سبب بروز اختلاف میان جریان‌های حکومتی شده اما اکنون تنش میان جریان‌های موافق و مخالف هر دیدگاه به اوج رسیده و سبب شکست پروژه «انسجام» شده است که رئیس حکومت تلاش کرده بودند با نمایش از «وحدت» در ماه‌های گذشته پیش ببرند.

در حالی که جمهوری اسلامی زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار دارد و در شکننده‌ترین موقعیت تاریخی خود گرفتار شده، اختلافات و شکاف‌های درون بقایای حکومت نیز بیش از پیش عیان شده است. در روزهای گذشته صدور و اجرای احکام زندان علیه چند چهره حکومتی از جمله عباس عبدی، صادق زیباکلام، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه-سه فعال اصلاح‌طلب- و حمید رسایی- نماینده «بال» تندرو و اصولگرای نظام در مجلس شورای اسلامی- و توقیف روزنامه «بال» اصلاح‌طلب «اعتقاد» نشان از تشدید تنش‌ها در ساختار بحران‌زده جمهوری اسلامی دارد.

انگشت اتهام جناحین حکومتی نیز به سوی یکدیگر دراز است. برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی معتقدند دولت طی کودتایی پس از جنگ، با تعطیل کردن جلسات صحن علنی، در عمل مجلس را از معادلات ساختار قدرت و حکومتداری حذف کرده است. همزمان شماری از نمایندگان مجلس وزرای کابینه پزشکیان را زیر تیغ استیضاح قرار داده‌اند و در مقابل طرفداران دولت نیز نمایندگان منتقد را «گنده‌های توخالی» می‌خوانند.

شکاف‌های درون حکومت بر تجمعات شبانه حکومتی‌ها در میادین شهرهای مختلف نیز اثر گذاشته و دسته‌دسته شدن حامیان جناحین و حتی شعاردادن علیه یکدیگر بجای شعار علیه «دشمن»ی که با حکومت در جنگ نظامی است، در کنار تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی سبب شده پروژه نمایش تجمعات خیابانی با ریزش شدید جمعیت همراه شود.

کشور در جنگ نظامی و اقتصادی توأمان قرار دارد، متحدان یکی پس از دیگری پشت رژیم تهران را خالی می‌کنند، منابع خزانه ته کشیده و شریان‌های درآمدزایی مسدود شده، و مهم‌ترین چالش حکومت یعنی نارضایتی مردمی بطور فزاینده در حال گسترش است؛ در چنین شرایطی اتاق فکرهای جنگ روانی نظام ماه‌ها کوشیده بودند دست‌کم بدنه معیوب حکومت را همگرا و متحد نشان دهند. در حالی که هرگز ندی به جمهوری اسلامی منافع همه جریان‌های حکومتی را به خطر می‌اندازد و سرنوشت ریز تا درشت آنان به حیات جمهوری اسلامی گره خورده اما تشدید دعوای عیان جناحین نشان می‌دهد که تاکتیک «انسجام در برابر تهدید خارجی»، به شدت در برابر رقابت برای سهم‌خواهی و بقا رنگ باخته است.

بخشی از حکومت برای حفظ بقا- تحت هر سناریویی- دست و پا می‌زند و سر دیگری را زیر آب می‌کند تا شاید خود را نجات دهد. در آنسو اما محدودیت سرازیر شدن پول‌های با‌آورد به جیب گشاد حکومتی‌ها و وابستگانشان به علت مسدود شدن شریان‌های مالی رژیم، جنگ میان جریان‌های را که سر دسته‌های ابرمافیاهای اقتصادی هستند نیز تشدید کرده است؛ ریشه برخی اختلافات و تنش‌ها به سهم‌خواهی از منابع ناچیز باقیمانده‌ی کشور می‌رسد.

شواهد نشان می‌دهد که محاصره اقتصادی اگرچه یک گزینه کم‌هزینه برای ترامپ، اما گزینه‌ای به شدت پرهزینه برای جمهوری اسلامی است و سبب شده اختلاف و رقابت در بدنه قدرت به جنگ تمام‌عیار رسانه‌ای- قضایی تبدیل شود.

امروز در حالی «نفوذ» و «ستون پنجم دشمن» نقل دهان چهره‌های حکومتی علیه یکدیگر شده و هر یک به دنبال اثبات «نفوذی‌تر» بودن دیگریست، که اینهمه چیز جز نشانه‌های طبیعی از وضعیت حکومتی نیست که در لبه پرتگاه فروپاشی قرار دارد و همانطور که «خودی»‌هایشان همواره گفته‌اند، با غرق شدن کشتی نظام همه جریان‌ها و وابستگانش نیز با هم غرق خواهند شد.

هیأت اسرائیلی محرمانه به ابوظبی سفر کرده و با حاکمان امارات به تبادل نظر برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی می‌پردازند.

در «کارزار فشار حداکثری» که از دولت نخست ترامپ به اجرا درآمد، آمریکا با اعطای معافیت‌های دوره‌ای، امتیازاتی برای برخی کشورها از جمله هند، عراق و امارات در نظر

برقرار بود. حملات دو هفته‌ای مستقل آمریکا با تمرکز بر مراکز نظامی در نیمه جنوبی ایران، نشان داد تا چه اندازه آتش‌بس شکننده و وضعیت در خاورمیانه ناپایدار است.



در بین کشورهای اروپایی شاید بریتانیا اصلی‌ترین شریک آمریکا در مقابله با تهدیدات رژیم ایران باشد که همواره در مقابله با جمهوری اسلامی محافظه‌کارانه و محتاط عمل کرده و در تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بسیار تعلل به خرج داد. اکنون اما لندن نیز تحریم‌های شدیدی را علیه حکومت ایران اعمال کرده که به ویژه جریان مالی و تجاری برای دلال‌ها را مختل می‌کند. ارتباط احتمالی تروریست‌هایی که قصد پمپ‌گذاری در پایگاه نظامی «فیرفورد» انگلیس را داشتند رهبران بریتانیا را در اقدام علیه جمهوری اسلامی راسخ‌تر کرده است.

حالا آنچه برای جمهوری اسلامی باقی مانده، صرفاً افزایش سطح تهدیدات و اقدامات نمایشی است که در هیچ جنگی به کار نمی‌آید! دار و ندار جمهوری اسلامی، کشاندن سپاهی لشکر «جانفدا» به خیابان و گسترش تروریسم است. هنوز ارتباط ویژه‌ای میان حادثه امنیتی «فلای دوی» با جمهوری اسلامی اعلام نشده اما نهادهای امنیتی اسرائیل در حال بررسی این احتمال هستند. این در حالیست که اندی برنهام نخست‌وزیر بریتانیا روز چهارشنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۶ در گفتگو با بی‌بی‌سی گفت: «نشانه‌های قوی وجود دارد که رژیم ایران در آنچه آخر هفته‌ی گذشته در پایگاه سلطنتی فیرفورد رخ داد نقش داشته است.»

وضعیت رژیم بسیار شکننده است اما اینکه کنترل اوضاع امنیتی چه زمانی از دست بقایای جمهوری اسلامی خارج شود، در گرو اقدامات بعدی هم خود آنها و هم کشورهای دیگر در منطقه و جهان، به ویژه اسرائیل و آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

می‌گرفت. اکنون اما این معافیت‌ها که درواقع راه تنفس رژیم ایران را باز می‌گذاشت، برداشته شده است.

در ایران هیچ روز شبیه روز پیش نیست!
در داخل ایران نیز وضعیت اکنون کاملاً متفاوت است. اعتراض به وضعیت بد اقتصادی آنقدر زیاد است که حتی در تجمعات شبانه‌ی طرفداران نظام درباره آن سخنرانی می‌شود. چندین نماینده طی هفته‌های اخیر در نامه به دولت و مجلس شورای اسلامی خواستار توجه بیشتر به حقوق ماهانه نیروهای مسلح شده‌اند. نارضایتی پرسنل ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و سایر ارگان‌های امنیتی از وضعیت حقوقی برای نظام نگران‌کننده است زیرا می‌تواند زمینه‌ساز لغزش در وفاداری آنها شود، تجربه‌ای که از دلایل اصلی و مؤثر در سرنگونی رژیم بشار اسد در سوریه نیز بود. دونالد ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود، در تشکیل ائتلاف یکپارچه علیه جمهوری اسلامی توفیق نداشت. تمرکز او در آن دوران کشاندن رهبران اروپایی به جدال علیه جمهوری اسلامی بود اما تغییر اساسی که شاید اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاهو بر آن اصرار زیادی داشت، یعنی تغییر استراتژی در سیاست‌های آمریکا و تمایل به تشکیل ائتلاف با دولت‌های منطقه علیه جمهوری اسلامی شکل نگرفت. در رأس این دولت‌ها امارات متحده عربی به عنوان اولین شریک منطقه‌ای حکومت ایران قرار داشت. روابط امارات به عنوان مجرای تنفس اقتصاد کشور، اکنون بعد از ۴۷ سال قطع شده و رهبران آن بیش از هر زمان دیگری به اسرائیل نزدیک شده‌اند، تا جایی که نتانیاهو و

در آمریکا کارزار «طرد اقتصادی» با هدف خفه کردن شریان‌های مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به عنوان مکمل جنگ طراحی شده است. اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا پیش‌بینی کرده که این کارزار به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی منتهی می‌شود. تحریم‌های سنگین، قیمت دلار را به حدود ۲۵۰ هزار تومان رسانده است. افزایش قیمت دلار یعنی افزایش وخامت اوضاع بازار و مردم و همزمان افزایش احتمال شکل گرفتن اعتراضات سراسری.

تفاوت عمده کارزار «فشار حداکثری» و «D-Day اقتصادی»

آنچه تحریم‌های فعلی آمریکا زیر عنوان کارزار «D-Day اقتصادی» را متفاوت از تحریم‌های قبلی می‌کند، پشتوانه نظامی آن است. کارزار «فشار حداکثری» در دولت اول ترامپ شامل تحریم‌های گسترده بود اما پشتوانه نظامی نداشت، به همین دلیل دور زدن آنها برای جمهوری اسلامی سخت نبود. به عنوان مثال نفتکش‌ها با روش‌های مختلف نفت را به چین می‌رساندند و پول آن از کانال‌های مختلف به واسطه دلال‌ها و شرکت‌های صوری بین‌المللی و منطقه‌ای به جمهوری اسلامی می‌رسید. اما اکنون دولت ترامپ «تحریم‌های عملیاتی» را علیه جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته است؛ به این معنا که تلاش‌های رژیم ایران برای دور زدن این تحریم‌ها با مجازات نظامی روبرو می‌شود و دولت‌ها و شرکت‌های خارجی اگر آن را زیرپا بگذارند، مجازات خواهند شد.

نتانیاهو در سازمان ملل نیز از مردم ایران دفاع کرد؛ «رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر چیز از مردم ایران می‌ترسند»



مردم ایران آزاد خواهند شد

بنیامین نتانیاهو در بخش دیگری از سخنان خود، جمهوری اسلامی را «رژیمی قاتل و شرور» خواند و گفت مردم ایران «روزی آزاد خواهند شد». او همچنین حمله به تاسیسات هسته‌ای در ایران را «یکی از آسان‌ترین تصمیم‌ها» در دوران نخست‌وزیری خود توصیف کرد.

همزمان با آغاز سخنرانی نتانیاهو، شماری از نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل مجمع عمومی را ترک کردند. نتانیاهو خطاب به نمایندگانی که سالن را ترک می‌کردند، گفت: «اگر هنوز بزدل اخلاقی دیگری هست که این سالن را ترک نکرده، لطفا همین حالا برود».

نتانیاهو در همین ارتباط یادآوری کرد بسیاری از رهبران کشورهای که نمایندگانشان سالن را ترک کردند، در خفا از اسرائیل بابت از بین بردن توان هسته‌ای رژیم ایران تشکر کرده‌اند. او این اقدام را نه فقط دفاع از اسرائیل، بلکه دفاع از ارزش‌های تمدنی و همین کشورهای دانست که نمایندگانشان سالن را ترک کردند.

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین خطاب به معترضان خارج از مقر سازمان ملل که علیه اسرائیل تظاهرات می‌کردند و نمایندگانی که سالن را ترک گفتند، پرسید چرا هنگام «کشته و مجروح شدن هزاران ایرانی» به دست جمهوری اسلامی، اعتراض مشابهی نکردند: «شما حامیان حقوق بشر کجا بودید وقتی دیکتاتورهای ایران ده‌ها هزار معترض را کشتند، زخمی و ناقص کردند؟ چرا به سرکوب مسیحیان در ایران و منطقه اعتراض نکردید؟»

نتانیاهو این سکوت را نشانه‌ی دورویی دانست و گفت کسانی که مدام اسرائیل را متهم می‌کنند، در برابر سرکوب داخلی در ایران و حمایت این رژیم از تروریسم سکوت کرده‌اند. نتانیاهو در ادامه افزود: «می‌خواهم خبر خوبی به شما بدهم. فقط مسئله بر سر زمان است تا در ایران

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل با نشان دادن یک دستگاه استارلینک به موضوع سرکوب مردم ایران توسط جمهوری اسلامی پرداخت / پنجشنبه ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴
بنیامین نتانیاهو گفت: «قدرت مردم بر صاحبان قدرت غلبه خواهد کرد و جمهوری اسلامی در نهایت در اثر «دروغ‌ها، فساد و بی‌رحمی» خود سقوط می‌کند».

استارلینک نهاد گردش آزاد اطلاعات

او همچنین با نشان دادن یک دستگاه استارلینک گفت جمهوری اسلامی از دسترسی شهروندان به ابزارهای ارتباطی آزاد هراس دارد و به همین دلیل میلیاردها دلار برای سانسور اینترنت هزینه می‌کند. او توضیح داد: «این دستگاه به مردم امکان دسترسی به حقیقت، انتخاب، آزادی اندیشه و آزادی بیان می‌دهد. در حالی که رژیم ایران میلیاردها دلار خرج می‌کند تا دسترسی مردم به اینترنت و ارتباطات آزاد را قطع کند، چون از اینکه ایرانیان بتوانند داستان‌های خود را روایت کنند وحشت دارد».

نتانیاهو خطاب به رئیس مجمع عمومی سازمان ملل نیز گفت که این دستگاه را در اختیار او می‌گذارد تا به هیات اعزامی جمهوری اسلامی بدهد تا وقتی از حکومت جدا می‌شوند، بتوانند «آزادانه روایت‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی بازگو کنند».

پس از پایان سخنرانی نتانیاهو، دنی دانون سفیر اسرائیل در سازمان ملل دستگاه استارلینک را در مقابل یکی از اعضای هیئت اعزامی جمهوری اسلامی گرفت و خطاب به او گفت: «این استارلینک را برای تو آورده‌ام زیرا برای دسترسی مردم به اینترنت آزاد مفید است».

وی سپس از این فرد پرسید آیا می‌خواهد این دستگاه را به تهران ببرد؟ سفیر اسرائیل همچنین گفت: «ما مردم ایران را دوست داریم و برای تغییر رژیم دعا می‌کنیم».

● نخست وزیر اسرائیل پنجشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۵ در سخنرانی خود در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر چیز از مردم ایران می‌ترسند. او افزود: «مردم شجاع ایران مدت‌هاست هزینه زیادی می‌دهند و فداکاری بسیاری کرده‌اند».

● نخست‌وزیر اسرائیل همچنین خطاب به معترضان خارج از مقر سازمان ملل که علیه اسرائیل تظاهرات می‌کردند و نمایندگانی که سالن را ترک گفتند، پرسید چرا هنگام «کشته و مجروح شدن هزاران ایرانی» به دست جمهوری اسلامی، اعتراض مشابهی نکردند: «شما حامیان حقوق بشر کجا بودید وقتی دیکتاتورهای ایران ده‌ها هزار معترض را کشتند، زخمی و ناقص کردند؟ چرا به سرکوب مسیحیان در ایران و منطقه اعتراض نکردید؟»

● او افزود: «می‌خواهم خبر خوبی به شما بدهم. فقط مسئله بر سر زمان است تا در ایران اتفاقی فوق‌العاده رخ دهد. قدرت مردم بر کسانی که در قدرت هستند غلبه خواهد کرد... این رژیم جنایتکار زیر بار دروغ‌هایش، فسادش و بی‌رحمی‌اش سرنگون خواهد شد. این رژیم شرور سقوط خواهد کرد و همه ما آن روز را جشن خواهیم گرفت».

● سخنان بنیامین نتانیاهو درباره‌ی ایران از دو جهت دارای اهمیت است: وی رژیم ایران را منبع تروریسم هسته‌ای و منطقه‌ای معرفی کرد و همزمان با پشتیبانی صریح و کامل از مردم ایران تأکید کرد که آنها قربانی این رژیم هستند و روز آزادی‌شان نزدیک است.

نخست وزیر اسرائیل پنجشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۵ در سخنرانی خود در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت که رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر چیز از مردم ایران می‌ترسند. او افزود: «مردم شجاع ایران مدت‌هاست هزینه زیادی می‌دهند و فداکاری بسیار کرده‌اند».

والاستریت ژورنال: ترامپ پیشنهاد آتش بس هفت روزه رژیم ایران را رد کرد



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

پیشنهاد رژیم ایران شامل بازگشایی تنگه هرمز و از سر گرفتن مذاکرات اتمی در ازای لغو محاصره بنادر ایران توسط آمریکا بود.

به گزارش این روزنامه، محاصره دریایی ارتش آمریکا علیه رژیم ایران آسیب‌های عمیقی به اقتصاد آن وارد کرده است. مقامات مطلع می‌گویند، ترامپ به کارکنان خود گفته است که احتمال از سر گرفتن بمباران وجود دارد. طبق این گزارش، آغاز مجدد بمباران‌ها قطعی نیست و به عوامل مختلف از جمله انتخابات میاندوره‌ای ماه نوامبر بستگی دارد.

ترامپ طی سخنرانی خود در هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت که می‌تواند رژیم ایران را اگر توافق نکند، «ناپود» کند.

یک مقام آمریکایی به وال‌استریت ژورنال گفت که واشنگتن و رژیم ایران همچنان از طریق واسطه‌ها، از جمله در خصوص مسئله هسته‌ای، در حال مذاکره هستند. به گفته این مقام، تلاش‌های تحت رهبری آمریکا برای تضمین عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز با وجود تهدیدهای جمهوری اسلامی، فوریت دستیابی به توافق با رژیم را کاهش داده است.

همزمان وال‌استریت ژورنال گزارش داد، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی اخیراً به مقامات آمریکایی گفته است که ایالات متحده باید محاصره دریایی علیه جمهوری اسلامی ایران را تا زمانی که تهران به امضای توافقی جدید وادار شود، ادامه دهد.

این موضع در حالی مطرح شده است که کشورهایی مانند قطر و عمان تلاش کرده‌اند زمینه برگزاری دور جدید مذاکرات میان تهران و واشنگتن را فراهم سازند.

قطر پیشنهادهایی از جمله یک وقفه هفت‌روزه در درگیری‌ها را پیگیری کرده بود که بر اساس آن، حملات به کشتی‌ها بتواند در ازای لغو محاصره دریایی آمریکا علیه جمهوری اسلامی متوقف شود.

● روزنامه «وال‌استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد رژیم ایران برای برقراری آتش‌بس هفت‌روزه و بازگشایی تنگه هرمز را رد کرده است. براساس همین گزارش ترامپ به دستیاران خود گفت انتظار دارد پس از انتخابات میاندوره‌ای ماه نوامبر، حمله نظامی را از سر بگیرد.

● در این گزارش تأکید شده، ترامپ نسبت به پایبندی جمهوری اسلامی به خواسته‌هایش تردید دارد و گفته احتمال از سر گرفتن بمباران وجود دارد.

● رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به اقدام رژیم ایران در قتل عام مردم طی خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ گفته است که رژیم ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد و او نیز اجازه نخواهد داد که این حکومت به سلاح هسته‌ای دست یابد.

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد رژیم ایران برای برقراری آتش‌بس هفت‌روزه و بازگشایی تنگه هرمز را رد کرده است. بر اساس همین گزارش، ترامپ به دستیاران خود گفت انتظار دارد پس از انتخابات میاندوره‌ای ماه نوامبر، حمله نظامی را از سر بگیرد.

در این گزارش تأکید شده، ترامپ نسبت به پایبندی جمهوری اسلامی به خواسته‌هایش تردید دارد و گفته احتمال از سر گرفتن بمباران وجود دارد.

رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به اقدام زمامداران جمهوری اسلامی در قتل عام مردم ایران طی خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ گفته است که رژیم ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد و او نیز اجازه نخواهد داد که این حکومت به سلاح هسته‌ای دست یابد.

ترامپ بارها هشدار داده است که درباره تأسیسات هسته‌ای «کوه کلنگ گزلا» ممکن است دست به اقدام نظامی بزند.

اتفاقی فوق‌العاده رخ دهد. قدرت مردم بر کسانی که در قدرت هستند غلبه خواهد کرد.»
او گفت: «می‌خواهم به سخنانم با دقت گوش کنید. روزی، و شاید آن روز چندان دور نباشد، مردم ایران آزاد خواهند شد. این رژیم جنایتکار زیر بار دروغ‌هایش، فسادش و بی‌رحمی‌اش سرنگون خواهد شد. این رژیم شرور سقوط خواهد کرد و همه ما آن روز را جشن خواهیم گرفت.» وی تأکید کرد که «دیکتاتورهای تهران بیش از هر چیز از مردم شجاع ایران می‌ترسند.»

ویرانی تأسیسات اتمی در ایران، آسان‌ترین تصمیم نتانیاهو در بخش دیگری از سخنانش به حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران پرداخت و گفت: «ویران کردن تأسیسات هسته‌ای ایران دشوار بود؛ بسیار دشوار. اما برای من، این یکی از آسان‌ترین تصمیم‌هایی بود که در تمام دوران نخست‌وزیری‌ام گرفته‌ام.»

او با تأکید بر اینکه سال‌ها پیش متعهد شده تا مانع دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی شود، گفت: «اسرائیل و آمریکا نه تنها برای حفاظت از خود، بلکه برای نجات تمدن، با یکدیگر اقدام کردند.»

نخست‌وزیر اسرائیل بخشی از سخنان خود را به جنگ‌های سه سال اخیر در منطقه اختصاص داده و گفت که اسرائیل همزمان در هفت جبهه، در برابر حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها، جمهوری اسلامی، گروه‌های شبه‌نظامی در عراق و سوریه و گروه‌های فلسطینی در کرانه باختری جنگیده است.

نتانیاهو گفت، این گروه‌ها برای نابودی اسرائیل با یکدیگر متحد شده بودند، اما در رسیدن به هدف خود ناکام ماندند. او همچنین به کشته شدن علی خامنه‌ای، محمد ضیف، یحیی سنوار، اسماعیل هنیه و حسن نصرالله اشاره کرد و گفت گروه‌های باقیمانده اکنون در تلاش‌اند خود را دوباره سازماندهی کنند.

انتقاد از کشورهای حامی یهودستیزی

نتانیاهو در ادامه قطر و ترکیه را نیز مورد انتقاد قرار داد. او قطر را به تأمین مالی رسانه‌ها و نهادهایی متهم کرد که به گفته او در شکل‌گیری دیدگاه‌های یهودستیزانه نقش دارند و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه را به حمایت از رهبران حماس و تلاش برای گسترش نفوذ ترکیه در سوریه متهم کرد.

نتانیاهو در ادامه دولت ترکیه را «جدیدترین ابردروغگوی یهودستیز» خواند و رجب طیب اردوغان را «دیکتاتور» نامید. او با اشاره به مواضع اردوغان درباره اورشلیم پایتخت اسرائیل گفت: «او می‌گوید قرار است حاکم اورشلیم شود. نه آقا، نخواهی شد! این کشور ماست، این شهر ماست، پایتخت ابدی ماست.»

نخست‌وزیر اسرائیل از دونالد ترامپ به عنوان شریکی بی‌نظیر در این نبرد قدردانی کرد. نتانیاهو بارها در سخنان خود تکرار کرد که اسرائیل چاره‌ای جز پیروزی ندارد.

سخنان بنیامین نتانیاهو درباره ایران از دو جهت دارای اهمیت است: وی رژیم ایران را منبع تروریسم هسته‌ای و منطقه‌ای معرفی کرد و همزمان با پشتیبانی صریح و کامل از مردم ایران تأکید کرد که آنها قربانی این رژیم هستند و روز آزادی‌شان نزدیک است. این موضع بخشی از خط ثابت نتانیاهو در ماه‌های اخیر است که سقوط رژیم را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. بنیامین نتانیاهو در این سخنرانی نیز اگرچه رژیم ایران را تهدیدی وجودی خواند اما در نهایت مردم ایران را نیرویی دانست که سرانجام بر حاکمان شرور کشورشان غلبه خواهند کرد.

ارسال قطعات پهپاد و موشک از چین به ایران در روز امضای آتش‌بس



استقبال ترامپ و همسرش از شی و همسرش در واشنگتن / ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۶

گسترش یافته و شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» که تحت تحریم‌های آمریکاست، پروازهای خود از پکن، شانگهای و گوانگژو به تهران را به شدت افزایش داده است. تعداد این پروازها از حدود چهار پرواز در هفته در اوایل مارس به ۲۷ پرواز در هفته در اواخر آوریل رسید و تا اول سپتامبر به ۳۹ پرواز رسید؛ رقمی حدود دو برابر سطح پیش از جنگ که اکثر این پروازها نه مسافری، بلکه تنها جنبه‌ی باری داشته‌اند.

چین همچنین تنها خریدار عمده‌ی نفت از جمهوری اسلامی باقی مانده است. با وجود تحریم‌های آمریکا، پکن بخش عظیم صادرات نفت خام رژیم ایران را جذب می‌کند و میلیارد‌ها دلار درآمد برای تهران فراهم می‌آورد. برآوردها نشان می‌دهد چین تا حدود ۹۰ درصد صادرات نفت جمهوری اسلامی را خریداری می‌کند. این جریان مالی از طریق شرکت‌های پوششی، شبکه‌های مالی چینی و استفاده از یوان انجام می‌شود تا از نظارت آمریکا دور بماند.

حتی پس از عملیات «طرد اقتصادی» که وزارت خزانه‌داری آمریکا در اواخر ماه اوت برای قطع شبکه‌های رژیم ایران آغاز کرد، حدود چهارمیلیون نفت جمهوری اسلامی به پایانه‌های نفتی چین رسیده است.

بُعد نظامی حمایت چین، فراتر از قطعات تسلیحاتی است. مقامات آمریکایی تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بالا را که که نهادهای چینی در اختیار رژیم ایران قرار داده‌اند، به حمله‌ی هفدهم ژوئیه به پایگاه «موفق سلطی» در اردن مرتبط دانسته‌اند؛ حمله‌ای که سه نظامی آمریکا در آن کشته شدند. رژیم ایران این تصاویر را هم پیش و هم پس از حمله از طریق چین تهیه کرده بود.

دولت ترامپ در ماه مه، سه شرکت چینی فعال در حوزه‌ی تصاویر ماهواره‌ای را به همین دلیل تحریم کرد. مقامات اطلاعاتی آمریکا همچنین معتقدند داده‌های جغرافیایی چینی به جمهوری اسلامی کمک کرده دقت حملات به پایگاه‌های آمریکایی و تهدید کشتی‌ها در تنگه‌ی

بر اساس داده‌های گمرکی جمهوری اسلامی که روزنامه «والاستریت ژورنال» به تحلیل آن پرداخته، در حالی که پکن نقش دیپلماتیک خود را در میانجیگری برای آتش‌بس موقت طی ماه‌های اخیر برجسته می‌کرد، هواپیمایی از چین با محموله‌ای برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی در همان روز امضای آتش‌بس در تهران فرود آمد.

این هواپیما تجهیزاتی شامل قطعات الکترونیک را برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی حمل می‌کرد که به گفته‌ی کارشناسان، قابلیت استفاده در ساخت قطعات پهپاد و سامانه‌های هدایت موشکی را دارند. این تجهیزات تنها یکی از ۱۳۰۰ محموله‌ی قطعات «دومنظوره» بود که از ابتدای سال جاری میلادی تا پایان ژوئن از چین برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی ارسال شده است.

دو روز پس از آن پرواز، ۲۴ محموله‌ی دیگر به ارزش ۶ میلیون دلار وارد ایران شد که شامل قطعات متعدد قابل استفاده در پهپادها می‌شد.

اسناد گمرکی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۲۵ تا ژوئن ۲۰۲۶ نشان می‌دهد هزاران محموله به مقصد وزارت دفاع و شرکت‌های زیرمجموعه در ایران ارسال شده است. این محموله‌ها شامل تجهیزات ردیابی جی‌پی‌اس، موتورهای الکتریک، قطعات موتور هواپیما و مواد شیمیایی پیش‌ساز سوخت جامد موشک‌های بالستیک مانند سدیم پرکلرات بوده است.

بسیاری از این محموله‌ها با استناد به ماده‌ی ۱۱۹ مقررات گمرکی جمهوری اسلامی که معافیت تعرفه‌ای برای واردات دفاعی قائل می‌شود، ثبت شده‌اند. تامین‌کنندگان چینی اغلب شرکت‌های ناشناخته‌ای هستند که با واردکنندگان ایرانی همکاری می‌کنند و برخی از قطعات آنها با اجزای پهپادهای شاهد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطابقت دارد.

همزمان با محاصره‌ی بندر ایران توسط نیروی دریایی ایالات متحده، پل هوایی میان پکن و جمهوری اسلامی

بر اساس داده‌های گمرکی جمهوری اسلامی که روزنامه «والاستریت ژورنال» به تحلیل آن پرداخته، در حالی که پکن نقش دیپلماتیک خود را در میانجیگری برای آتش‌بس موقت طی ماه‌های اخیر برجسته می‌کرد، هواپیمایی از چین با محموله‌ای برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی در همان روز امضای آتش‌بس در تهران فرود آمد.

دو روز پس از آن پرواز، ۲۴ محموله‌ی دیگر به ارزش ۶ میلیون دلار وارد ایران شد که شامل قطعات متعدد قابل استفاده در پهپادها می‌شد.

جمهوری خلق چین همچنین تنها خریدار عمده‌ی نفت از جمهوری اسلامی باقی مانده است. حتی پس از عملیات «طرد اقتصادی» که وزارت خزانه‌داری آمریکا در اواخر ماه اوت برای قطع شبکه‌های رژیم ایران آغاز کرد، حدود چهارمیلیون نفت جمهوری اسلامی به پایانه‌های نفتی چین رسیده است.

می‌خواهد شریک استراتژیک ۲۵ ساله‌ی خود که نفت‌اش را با تخفیف فراوان و با پرداخت توأم با «اما و اگر» معامله می‌کند، از دست بدهد. این دوگانگی باعث شده پکن همزمان هم میانجیگری کند و هم کانال‌های حیاتی را برای رژیم تهران باز نگه دارد.

اطلاعات موجود از روابط جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، تصویری پیچیده و متناقض ارائه می‌دهد؛ تصویری که همزمان با سفر رسمی شی جین‌پینگ به واشنگتن به موضوع مهم مذاکرات دو رهبر تبدیل شد.

آخرین اطلاعات به دست آمده از روابط چین و جمهوری اسلامی، تصویری پیچیده و متناقض در بحبوحه‌ی جنگ جاری میان ایالات متحده و رژیم ایران را نشان می‌دهد؛ تصویری که درست همزمان با سفر رسمی شی جین‌پینگ به واشنگتن و برگزاری نشست سه‌روزی او با دونالد ترامپ، به موضوع پنهان اما تعیین‌کننده‌ی مذاکرات دو رهبر تبدیل شد.

→ هرمز را افزایش دهد.

حادثه «امنیتی جدی» در نزدیکی پایگاه هوایی آمریکا در بریتانیا؛ چند نفر بازداشت شدند

ساختن مواد منفجره در حال بررسی چندین ماشین است. پلیس افزود: «در حال حاضر محدوده‌ای امنیتی ایجاد شده است، اما به مردم اطمینان می‌دهیم که از نظر ما این حادثه تحت کنترل و محدود به همین منطقه است. ما از نزدیک با نهادهای همکار در ارتباط هستیم و طرح‌هایی را که برای چنین شرایطی از پیش آماده و تمرین شده‌اند، اجرا می‌کنیم.»

ولفورد در نزدیکی پایگاه هوایی فیرفورد قرار دارد؛ پایگاهی نظامی که میزبان نیروی هوایی ایالات متحده است.

به گفته نیروی هوایی آمریکا، مقر «بال ۵۰۱ پشتیبانی رزمی» و «اسکادران ۴۲۰ پایگاه هوایی» در این پایگاه قرار دارد و این پایگاه همچنین یکی از مراکز اصلی نیروی هوایی آمریکا برای استقرار و عملیات بمباران‌ها در اروپا به شمار می‌رود.

برخی منابع انگلیسی تصاویری از بازداشتی‌ها منتشر کرده‌اند.

پیشتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بریتانیا درباره

● پلیس بریتانیا ساکنان منطقه ولفورد، در نزدیکی پایگاه نظامی «آر.ای.اف فیرفورد» را که میزبان نیروی هوایی آمریکاست، از این منطقه تخلیه کرد. روز یکشنبه پنجم مهرماه ۱۴۰۵ در نزدیکی یکی از پایگاه‌های نیروی هوایی سلطنتی این کشور وضعیت «حادثه مهم» اعلام شد و پس از بازداشت چند مرد به ظن ارتکاب جرائم مرتبط با مواد منفجره، شماری از اهالی منطقه تخلیه شدند.

● پلیس گلاسترش در بیانیه‌ای اعلام کرد: «پس از اعلام وضعیت حاد، در حال حاضر تعدادی از منازل در منطقه ولفورد تخلیه می‌شوند.»

● پیشتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بریتانیا درباره استفاده آمریکا از پایگاه هوایی فیرفورد برای عملیات بمباران‌ها هشدار داده بود.

● سپاه در بیانیه‌ای که خبرگزاری «تسنیم» یکم امرداد سال جاری منتشر کرد، اعلام نمود: «ارتش متجاوز آمریکا [...] به استفاده از هواپیماهای بی‌ا ۱ پرواز از پایگاه هوایی فیرفورد انگلیس روی آورد.»



پایگاه نظامی «آر.ای.اف فیرفورد» RAF Fairford

استفاده آمریکا از پایگاه هوایی فیرفورد برای عملیات بمباران‌ها هشدار داده بود.

سپاه پاسداران در بیانیه‌ای که خبرگزاری «تسنیم» یکم امرداد سال جاری منتشر کرد، اعلام نمود: «ارتش متجاوز آمریکا [...] به استفاده از هواپیماهای بی‌ا ۱ پرواز از پایگاه هوایی فیرفورد انگلیس روی آورد.»

در این بیانیه همچنین آمده بود: «همانطور که مقامات وزارت خارجه نیز تصریح کردند هر پایگاهی که برای تجاوز به خاک ایران استفاده شود، هدف مشروع ما است.»

سپاه پاسداران در ادامه خطاب به بریتانیا هشدار داده بود: «بیش از این پرونده خود را سنگین نکنند.»

پلیس بریتانیا ساکنان منطقه ولفورد، در نزدیکی پایگاه نظامی «آر.ای.اف فیرفورد» را که میزبان نیروی هوایی آمریکاست، از آن منطقه تخلیه کرد. روز یکشنبه پنجم مهرماه ۱۴۰۵ اعلام شد، در نزدیکی یکی از پایگاه‌های نیروی هوایی سلطنتی این کشور یک «حادثه مهم» روی داده که پس از بازداشت چند مرد به ظن ارتکاب جرائم مرتبط با مواد منفجره، شماری از اهالی منطقه تخلیه شدند.

پلیس گلاسترش در بیانیه‌ای اعلام کرد: «پس از اعلام وضعیت حاد، در حال حاضر تعدادی از منازل در منطقه ولفورد تخلیه می‌شوند.»

این نهاد افزود که یک تیم تخصصی ارتش برای خنثی

این گزارش در حالی منتشر شد که شی جین‌پینگ از ۲۳ تا ۲۵ سپتامبر در واشنگتن حضور داشت. نشست دو رهبر با استقبال تشریفاتی گسترده، گارد نظامی، شام دولتی و بازدید از آرشو ملی همراه بود اما، پیشرفت ملموس چندانی در موضوعات حساس از جمله در رابطه با رژیم ایران اعلام نشد. ترامپ گفت دو طرف درباره‌ی ایران گفتگو کرده‌اند و «فکر می‌کنم کار بزرگی انجام خواهیم داد» ولی جزئیات بیشتری ارائه نداد.

دیوید پردو سفیر آمریکا در چین اعلام کرد ترامپ به شی گفته هرگونه کمک مستقیم یا غیرمستقیم چین به رژیم ایران «کاملاً غیرقابل قبول» است. از سوی دیگر، طبق گزارش «شین‌هوا»، شی جین‌پینگ با ابراز امیدواری هرچه زودتر حل اختلاف میان آمریکا و جمهوری اسلامی از بازگشت به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» حمایت کرد.

در دولت آمریکا اما اختلاف نظر وجود دارد. ترامپ بارها بر حفظ روابط با شی تأکید کرده و گفته به چینی‌ها اعتماد دارد، در حالی که برخی مقامات دفاعی، چین را عامل تداوم توان جنگی جمهوری اسلامی می‌دانند. پکن هرگونه دخالت عمدی در درگیری را رد می‌کند، صادرات تسلیحات حساس نظامی با پوشش نظامی را تحت نظارت سختگیرانه می‌داند و نقش دیپلماتیک خود در کاهش تنش‌ها را برجسته می‌کند. با این حال، منتقدان می‌گویند حمایت اقتصادی از طریق خرید نفت، تأمین قطعات و داده‌های ماهواره‌ای عملاً رژیم ایران را قادر ساخته جنگ را ادامه دهد.

چین که بخش قابل‌توجهی از واردات نفت خود را از مسیر تنگه هرمز و از جمهوری اسلامی تأمین می‌کند، منافع مستقیمی در پایان درگیری‌ها دارد اما در عین حال نمی‌خواهد شریک استراتژیک ۲۵ ساله‌ی خود که نفت‌اش را با تخفیف فراوان و با پرداخت توأم با «اما و اگر» معامله می‌کند، از دست بدهد. این دوگانگی باعث شده پکن همزمان هم میانجیگری کند و هم کانال‌های حیاتی را برای رژیم تهران باز نگه دارد.

نشست واشنگتن تهدید دوماهه‌ی آتش‌بس تجاری آمریکا و چین و توافق برای دیدارهای بعدی در اجلاس‌های آتی را به همراه داشت اما، درباره‌ی وضعیت ایران تعهد مشخص و قابل‌راست‌آزمایی تازه‌ای اعلام نشد.

کارشناسان معتقدند چین به ندرت از اهرم خود در خاورمیانه استفاده می‌کند مگر آنکه مستقیماً به نفع پکن باشد و هرگونه وعده‌ی احتمالی را دنبال نمی‌کند. در نتیجه، حمایت پکن از رژیم ایران همچنان به عنوان یکی از گره‌های اصلی روابط آمریکا و چین باقی مانده است؛ گره‌ای که نه در بیانیه‌های رسمی کاملاً گشوده شد و نه از صحنه‌ی ژئوپلیتیک منطقه حذف گردید.

این معادله‌ی پیچیده در حالیست که دونالد ترامپ پیشنهاد بازگشایی فوری تنگه‌ی هرمز از سوی جمهوری اسلامی را رد کرده آنهم با اینکه رژیم ایران خواست‌های چهارده بندی خود را به سه مورد کاهش داده بود. این امر نشان از دست بالای آمریکا در تنگه هرمز دارد. ولی حتی حمایت‌های چین از رژیم تهران در مقابل فشارهای اقتصادی نیز راهگشا نبوده است.

با اینهمه، آمریکا در حالی دایره‌ی تحریم‌ها را از دریا، زمین و آسمان بر جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد که نمی‌خواهد روابط خود با پکن را بطور کامل قربانی کند. در دیپلماسی قدرت‌های بزرگ، آنچه در پشت صحنه جریان دارد اغلب مهمتر از آنچه بیست که در مقابل دوربین‌ها گفته می‌شود.

سنگینی جنگ بر انتخابات میاندوره‌ای آمریکا؛ جمهوری اسلامی می‌بایست پیش از تابستان ۲۰۲۶ سرنگون می‌شد



دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا / واشنگتن / ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶

نظام منجر شود. اما رئیس جمهور در سازمان ملل اعلام کرد که ممکن است پس از انتخابات نوامبر با نظام ایران به توافق برسد؛ این موضوع نشان می‌دهد که وضعیت موجود ممکن است تا پس از انتخابات نیز ادامه پیدا کند. به نظر می‌رسد کارزار جمهوریخواهان به این نتیجه رسیده که موضوع ایران نباید در نوامبر به یکی از گزینه‌های اصلی رأی‌دهندگان تبدیل شود؛ صرفاً به این دلیل که واشنگتن در حال حاضر ظاهراً قادر نیست پاسخ روشنی برای رأی‌دهندگان ارائه کند. از نظر نظامی، آمریکا دستاوردهای بزرگی در برابر جمهوری اسلامی به دست آورده، اما از نظر سیاسی تا کنون نتیجه دیپلماتیک واقعی حاصل نشده است. مخالفان، به رهبری اوپاما، معتقدند که اگرچه این ادعا درست است که قدرت نظامی آمریکا به مراتب بر نیروهای مسلح رژیم ایران برتری دارد، اما نبود یک برنامه جامع و مورد قبول و امضاشده از سوی دو طرف، نشان‌دهنده وضعیت عدم اطمینان است. اما آیا چنین ابهامی می‌تواند بر نتایج انتخابات تأثیر بگذارد؟ نخست اینکه این انتخابات، انتخابات قانونگذاری است و نه ریاست جمهوری. بنابراین سیاست خارجی ممکن است عامل تعیین‌کننده نتایج نباشد، در حالی که مسائل داخلی همچنان اهمیت زیادی برای رأی‌دهندگان دارند. با این حال، درگیری‌های خارجی بر رأی‌دهندگان تأثیر مشخصی دارند، به ویژه بر برخی جوامع بیش از دیگران؛ از جمله جوامع یهودی، عرب، مسلمان و ایرانی. به این ترتیب، نحوه‌ای که مخالفان وضعیت خلیج فارس و دریای سرخ مطرح می‌کنند، عامل مهمی در تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان خواهد بود. حتی اگر حوزه‌های انتخاباتی‌ای که توجه بیشتری به جنگ‌های خاورمیانه دارند اندک باشند، تعداد کرسی‌هایی که دو حزب را از یکدیگر جدا می‌کند نیز محدود است. این بدان معناست که بسته به توازن نیروها در منطقه، ممکن است برخی حوزه‌ها تحت تأثیر قرار گیرند و همین کرسی‌ها بتوانند توازن قدرت میان دو حزب را تغییر دهند. پرسش همچنان اینست که در هر سناریویی، این

فرماندهان و مقامات ارشد نظامی، موجی از ترس را در میان حاکمان رژیم خمینی ایجاد کرد؛ آنها دریافتند که اگر توافقی ارائه نکنند، ممکن است کل رهبری نظام نابود شود. در مقابل، سپاه پاسداران می‌دانست که پس از کشته شدن ده‌ها هزار غیرنظامی ایرانی، سرنوشت نهادها و واحدهای امنیتی مستقر در سراسر ایران به دست مردم خواهد افتاد و بسیاری از آنها ممکن است با اقدامات تلافی‌جویانه روبرو شوند. پس دیگر گزینه‌ای جز ارائه پیشنهادهایی به طرف آمریکایی ندارند، اما بدون تسلیم شدن. اساس بازی این بود که پیشنهادی ارائه شود، سپس توافق امضا شود، بعد توافق رد شود و جبهه‌های جدیدی برای جنگ گشوده شود؛ مانند تنگه هرمز و سرانجام باب‌المندب. درواقع، این طرح موفق شد. طی هفت ماه، آمریکا عملیات نظامی برای تضعیف نظام ایران انجام داد، اما همزمان هرگاه سطح تنش به حدی می‌رسید که نیروهای نظام ایران را با خطر مواجه می‌کرد، پیشنهاد توقف حملات را نیز مطرح می‌کرد. این سناریو از فوریه تا سپتامبر تکرار شد. از نظر نظامی، آمریکا موفق شد ماشین نظامی رژیم ایران را درهم بشکند، اما آن را بطور کامل از بین نبرد. به این ترتیب، برگه‌ای که سپاه پاسداران همچنان در دست داشت و دارد، «انتخابات میاندوره‌ای» است. ایده این بود که به نظام ایران اجازه داده شود تا زمان انتخابات دوام بیاورد و روی پیروزی مخالفان در یکی از دو مجلس کنگره، یعنی سنا یا مجلس نمایندگان، حساب کند. اگر مخالفان، یعنی حزب دموکرات و جریان سوسیال‌دموکرات، بتوانند در یکی از دو مجلس اکثریت به دست آورند، فشارهای قانونی و سیاسی بر کاخ سفید برای خروج از جنگ بسیار شدید خواهد شد. محاسبات تهران این است که دولت آمریکا از عملیات خود عقب‌نشینی خواهد کرد یا دست‌کم توافقی را مشابه توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام که در دولت باراک اوپاما منعقد شد، خواهد پذیرفت. رفت و برگشت میان تهران و واشنگتن طی هشت ماه، وضعیتی موجود و متحرک ایجاد کرده که تغییر نخواهد کرد، مگر آنکه رئیس جمهور ترامپ استراتژی «شوک و بهت» را در قبال جمهوری اسلامی به کار گیرد و این امر به فروپاشی

● من بارها نوشتم و گفتم که اگر نظام حاکم در تهران پیش از تابستان ۲۰۲۶ سرنگون نشود، این مسئله بر انتخابات پاییز و رقابت بر سر کنترل کنگره تأثیر خواهد گذاشت. در ابتدا تنها شمار اندکی از رسانه‌های آمریکایی این هشدار را جدی گرفتند، اما چند ماه بعد، شبکه‌های تلویزیونی محافظه‌کار و مفسران جمهوریخواه نیز این دیدگاه را مطرح کردند که نظام تهران عملاً در صدد است پاسخ‌های خود به واشنگتن را به تأخیر بیندازد تا مذاکرات را ناکام بگذارد و همزمان در برابر ماشین نظامی آمریکا مقاومت کند. ● پس از کشتار مخالفان در ایران توسط جمهوری اسلامی در ماه ژانویه ۲۰۲۶، هدف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این بود که همزمان با در نظر گرفتن پیامدهای کشتارهای گسترده، گزینه مذاکره را مطرح کند. ● درواقع، این طرح موفق شد. طی هفت ماه، آمریکا عملیات نظامی برای تضعیف نظام ایران انجام داد، اما همزمان هرگاه سطح تنش به حدی می‌رسید که نیروهای نظام ایران را با خطر مواجه می‌کرد، پیشنهاد توقف حملات را نیز مطرح می‌کرد. این سناریو از فوریه تا سپتامبر تکرار شد. از نظر نظامی، آمریکا موفق شد ماشین نظامی رژیم ایران را درهم بشکند، اما آن را بطور کامل از بین نبرد. به این ترتیب، برگه‌ای که سپاه پاسداران همچنان در دست داشت و دارد، «انتخابات میاندوره‌ای» است. ایده این بود که به نظام ایران اجازه داده شود تا زمان انتخابات دوام بیاورد و روی پیروزی مخالفان در یکی از دو مجلس کنگره، یعنی سنا یا مجلس نمایندگان، حساب کند. ● ولید فارس (ایندیپندنت عربی) - بیشتر ناظران بر این باورند جنگی که دولت دونالد ترامپ از سال ۲۰۲۵ علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته، تأثیر مستقیمی بر انتخابات آمریکا به ویژه انتخابات میاندوره‌ای نوامبر خواهد داشت. این ارزیابی‌ها از ماه‌ها پیش مطرح شده بود و من نیز از نخستین صداهایی بودم که دست‌کم از اواخر ژانویه و اوایل فوریه نسبت به این تحول هشدار دادم. من در این ستون‌ها در «ایندیپندنت عربی» نوشتم و در شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی و بین‌المللی نیز تأکید کردم که اگر نظام حاکم در تهران پیش از تابستان ۲۰۲۶ سرنگون نشود، این مسئله بر انتخابات پاییز و رقابت بر سر کنترل کنگره تأثیر خواهد گذاشت. در ابتدا تنها شمار اندکی از رسانه‌های آمریکایی این هشدار را جدی گرفتند، اما چند ماه بعد، شبکه‌های تلویزیونی محافظه‌کار و مفسران جمهوریخواه نیز این دیدگاه را مطرح کردند که نظام تهران عملاً در صدد است پاسخ‌های خود به واشنگتن را به تأخیر بیندازد تا مذاکرات را ناکام بگذارد و همزمان در برابر ماشین نظامی آمریکا مقاومت کند. ● پس از کشتار مخالفان در ایران توسط جمهوری اسلامی در ماه ژانویه ۲۰۲۶، هدف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این بود که همزمان با در نظر گرفتن پیامدهای کشتارهای گسترده، گزینه مذاکره را مطرح کند. دولت ترامپ نیز حمله به اهدافی در داخل ایران را آغاز کرد و شروطی را برای مشارکت دیپلماتیک تعیین نمود. در ابتدا، کشته شدن رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، و شمار زیادی از

بازنش

یالتا!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۴۵ - اسفند ماه ۱۳۸۷)



امروز، یازدهم فوریه، مصادف است با شصت و چهارمین سال امضای بیانیه نهائی و اسناد کنفرانس یالتا در چنین روزی، توسط رهبران سه کشور بزرگ فاتح جنگ جهانی دوم: فرانکلین دولانو روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، ژوزف ویسارونیوچ جوگاشویلی استالین رئیس شورای عالی کمیسرهای خلق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و وینستون اسپنسر چرچیل نخست وزیر انگلستان.

تقسیم جهان بین فاتحان جنگ، از تصمیمات مهم این کنفرانس بود. همچنان که تأسیس سازمان ملل متحد و تفویض حق «وتو» به هر یک از پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت: انگلستان، آمریکا، روسیه، فرانسه و چین.

چرچیل گفته است هرگز سرنوشت ساکنان کره زمین به تصمیمات چنین کنفرانس و چنین گروه کوچکی بستگی نداشته است. کنفرانس هشت روز طول کشید. محل کنفرانس، کاخ تابستانی تزار نیکلای دوم در ساحل دریای سیاه بود. استالین میزبان کنفرانس بود. در پذیرایی‌ها، که به وسیله گارسون‌های روس با کت سیاه و پاپیون مشکی انجام می‌گرفت، خاویار سیاه و خاویار قرمز، همراه با ودکای روسی و شراب قفقازی، به فراوانی «سرو» می‌شد. به همین ملاحظه نیز کنفرانس یالتا به کنفرانس خاویار مشهور شده بود. در راهروهای قصر شایع بود که چرچیل هر شب پس از صرف شام مقداری خاویار به اتاق خوابش می‌برد تا روز بعد، همراه صبحانه مفصل خود با گیلای کنيك روانه معده کند.

چرچیل و استالین، هر دو می‌گسارن قهاری بودند. گفته‌اند در جریان کنفرانس یالتا، استالین شبی چرچیل را به اقامتگاه خصوصی خود برای مذاکرات دونفری دعوت کرد. غیر از آن دو، فقط مترجم استالین در جلسه حضور داشت، دو مرد نامی تاریخ، که هر دو میخواره و شب‌زنده‌دار بودند تا نزدیک صبح جام زدند و گپ زدند و در حال مستی از هم جدا شدند.

اوایل صبح، چرچیل ناگهان از خواب پرید و با خود اندیشید که «خدای من! دیشب در حالت مستی چیزهایی گفتم که نمی‌بایستی گفته باشم». منشی خود را طلبید و متن فشرده‌ای را، با این مقدمه به او دیکته کرد «مارشال استالین عزیز... دیشب از مصاحبت شما بسیار لذت بردم. درباره مسائل مختلفی صحبت کردیم و به توافق رسیدیم.

اگر درست فهمیده باشم، اینها موضوعاتی است که باید بین خودمان محفوظ بماند و به خارج درز نکنند...»

این نامه را فوراً توسط پیک مخصوص نزد استالین فرستاد. ساعتی بعد، از استالین پاسخی دریافت کرد به این مضمون: «آقای نخست‌وزیر عزیز... بابت آنچه دیشب گفته‌اید اصلاً ناراحت نباشید. من هم مثل شما مست بودم!» و ذیل نامه، آمده بود: «ضمناً مترجم نیز سیده‌دم امروز تیرباران شد!»

از زمان برگزاری کنفرانس تهران مرسوم شده بود که در نخستین نشست، رهبران سه کشور هرکدام ضمن بلند کردن جام خود یک آرزو را به صورت شعار بر زبان می‌آوردند. در کنفرانس یالتا، اولین جام را چرچیل بلند کرد و گفت «به امید یک صلح صدساله».

استالین جام خود را بلند کرد و در پاسخ چرچیل گفت «من هم می‌نوشم به امید یک صلح پایدار، اما صلیبی که سه کشور ما بر آن نظارت داشته باشند» و بعد، افزود «آیا مسخره نیست که در سازمان ملل متحد، کشور کوچکی مثل آلبانی از حق رأی برابر با روسیه شوروی برخوردار باشد؟! روزولت، به هنگام نوشیدن جام خود اظهار داشت «با تأیید نظر استالین که دولت‌های ما، همان طور که بار مسئولیت جنگ را بر دوش کشیده‌اند باید شرایط صلح را نیز تعیین کنند، ترجیح می‌دهم جام خود را با شعار احترام به حقوق ملت‌های کوچک بلند کنم».

استالین غریه که «آیا شما قبول می‌کنید که آلبانی از حقوق مساوی با آمریکا در مجامع بین‌المللی برخوردار باشد؟ من حاضرم همراه با آمریکا و انگلستان از حق کشورهای کوچک دفاع کنم ولی نمی‌توانم قبول کنم که آنها حق نظارت بر تصمیمات و اقدامات ما را داشته باشند... عقاب می‌تواند به پرندگان دیگر اجازه خواندن بدهد ولی نمی‌تواند از آنها تبعیت کند!»

از رویدادهای گفتنی در حاشیه مذاکرات و تصمیمات کنفرانس یالتا، این بود که در یکی از جلسات وقتی رهبران سه کشور می‌خواستند پشت میز بنشینند سِر الکساندر کادوگان معاون دائمی وزارت امور خارجه انگلستان متوجه شد که چرچیل دگمه شلوارش را نیسته است. یادداشتی برای او نوشت که: «توجه! در قفس را نیسته‌اید»

چرچیل در جواب نوشت «نگران نباشید، پرنده قدرت پرواز ندارد!»

→ تحولات چه تأثیری بر سیاست خارجی آمریکا در سال ۲۰۲۷ خواهند گذاشت؟

اگر جمهوریخواهان اکثریت خود را به واسطه یک اقدام گسترده از سوی دولت در آخرین لحظه حفظ کنند، رئیس جمهور ترامپ همچنان در جایگاه رهبری خواهد بود و پس از انتخابات باید درباره ایران تصمیم بگیرد.

اما اگر دموکرات‌ها کنترل یکی از دو مجلس یا هر دو را به دست آورند، این مسئله تأثیر زیادی بر سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا خواهد داشت. در آنصورت، اگر جمهوریخواهان یکی از دو مجلس کنگره را از دست بدهند، می‌توان گفت محاسبه نظام ایران به هدف خود رسیده است. رئیس جمهور گفته است که دولتش حتی در صورت کنترل مجلس نمایندگان توسط مخالفان، همچنان بیش از دو سال برای حل این مسئله فرصت دارد. در این زمینه بحث گسترده‌ای در جریان است زیرا شرایط با سال ۲۰۱۹ تفاوت کرده است.

استدلال این است که وقتی ترامپ در آن دوره به قدرت رسید، بخش‌های گسترده‌ای از بوروکراسی آمریکا تحت کنترل مخالفانی مرتبط با دولت اوباما بود؛ در حالی که ترامپ امروز، در اصل، توانسته رؤسای نهادهای و سازمان‌های اصلی را منصوب کند. بنابراین اقدامات مجلس نمایندگان یا سنا تحت رهبری دموکرات‌ها ممکن است به همان اندازه بر سیاست خارجی رئیس جمهور تأثیر نگذارد.

اما بحث درباره اینکه سیاست آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۲۵ و دو جنگی که دولت علیه رژیم ایران انجام داده است، چگونه بر تصمیم رأی‌دهندگان در نوامبر تأثیر خواهد گذاشت، حول سه محور خواهد بود:

محور نخست، جنگ واقعی میان آمریکا و رژیم ایران: این جنگ چگونه مدیریت شد، چه کسی در آن برتری پیدا کرد و چشم‌انداز آینده چیست؟

محور دوم، تلاش‌های دیپلماتیک: در نهایت چه کسی دست بالا را در مذاکرات داشت؟

محور سوم: آینده رابطه با نظام ایران پس از انتخابات؛ چه گزینه‌هایی روی میز خواهد بود؟

اما فوری‌ترین پرسش در پاییز به سناریوی مخالفان در صورت از دست دادن یکی از دو مجلس توسط جمهوریخواهان مربوط خواهد بود. اگر مخالفان پیروز شوند، چه خواهند کرد و چگونه بر دولت ترامپ فشار خواهند آورد تا جنگ را بدون دستیابی به یک پیروزی سیاسی در داخل پایان دهد؟

برخی تحلیلگران معتقدند دموکرات‌ها از تمام ابزارهای در دسترس خود برای وادار کردن دولت به خروج از جنگ استفاده خواهند کرد. برخی دیگر نیز این دیدگاه را مطرح می‌کنند که مخالفان خواستار مشارکت در مذاکرات با نظام ایران و همچنین مشارکت در مدیریت یک توافق هسته‌ای جدید با جمهوری اسلامی خواهند شد.

اما جمع‌بندی همچنان اینست: اگر جمهوریخواهان کنترل کنگره را حفظ کنند، فضای سیاسی گسترده‌ای در اختیار رئیس جمهور قرار خواهد گرفت و این دوره برای نظام ایران دشوار خواهد بود. اما اگر دموکرات‌ها در «کاپیتول هیل» پیروز شوند، دولت ترامپ به شدت از سیاست خود دفاع خواهد کرد، ولی پیشرفت چندانی حاصل نخواهد شد؛ مگر آنکه واقع‌گرایان در میان دموکرات‌ها مسئول نظارت بر سیاست خارجی شوند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: ولید فارس مشاور سابق ترامپ در امور خاورمیانه

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

داستان فرار رهبران حزب توده از زندان قصر

طرح عملیات در یکی از خانه‌های کوچه «رشت» ریخته شد و مجریان برنامه مجهز به هفت تیرهای پلاستیکی بودند!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۱۳)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید. گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

خواستم خاطراتتان را از آن دوران بفرمایید.

— معمولاً شبها بعد از شام، آنهایی که بیشتر با هم اُخت بودند، در یک سلول دور هم جمع می‌شدند، گپ می‌زدند و تفریح داشتند و بعد از آن، برای مطالعه هر کس به سلول خودش می‌رفت. من آن شب فرار اعضای رهبری حزب و خسرو روزبه که در جمعه شب ۲۴ آذر ۱۳۳۹ به اجرا درآمده بود، از بند ۳ به سلول خودم به بند ۱ می‌رفتم. وقتی وارد کریدور بند ۱ شدم، دیدم بقراتی با پوستین و دکتر جودت با کت و شلوار به سمت هشت زندان می‌روند. سؤال کردم، این وقت شب کجا؟ جودت گفت، دادرسی ارتش احضارمان کرده است. رفتم به سلول و خوابیدم. صبح آن روز، آمدند و ریختند توی زندان که سرشماری کنند. دیدم وضع زندان غیر عادی است و مسئولین بعدی حزب در زندان، در حال داد و بیداد با مدیر و رئیس زندان هستند که رفقای ما را دزدیدند. من به رفیقمان اکبر شهابی گفتم، دکتر جودت دیشب خودش به من گفت که آنها را به دادرسی ارتش می‌برند. شهابی گفت می‌دانم ولی تا کنون برنگشتند. با یادداشت و یا قرار می‌گذاشته بودند، او می‌دانست که آنها را فراری داده‌اند، اما صحنه‌سازی می‌کرد. مدیران زندان می‌خواستند بدانند که چند نفر فرار کرده‌اند و آماری به‌دست بیاورند. بالاخره فهمیدند که فراریان ۱۰ نفر بوده‌اند. ما از فرار رهبران حزب از زندان خیلی خوشحال شدیم. فکر می‌کردیم، حالا که آنها آزادند، می‌توانند سر رشته امور حزب را به دست بگیرند و جنبش را متحول کنند. قبل از این که ماجرای فرار آنها را شرح بدهم، یک توضیح کوتاه درباره زندگی بعدی آنهایی که از زندان فرار کردند و آنهایی که در طرح‌ریزی و اجرای آن عملیات فرار نقش داشتند، بدهم.

از ۱۰ نفر فراریان، خسرو روزبه و مهندس علی علوی چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد در رژیم شاهنشاهی تیرباران شدند. دکتر حسین جودت بعد از انقلاب در رژیم جمهوری اسلامی اعدام شد. محمود بقراتی، اکبر شاندمنی و احمد قاسمی، عبدالحسین نوشین، صمد حکیمی در خارج از ایران و دکتر مرتضی یزدی در ایران به مرگ طبیعی فوت کردند. تنها فرد باقیمانده، نورالدین کیانوری است که تحت

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسین تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

زربخت: وقتی که به ما حکم محکومیت را اعلام کردند، من به احمد قاسمی که تا حدودی اطلاع حقوقی داشت و اغلب نامه‌هایی را که زندانیان برای دادخواهی و احقاق حقوق خود می‌نوشتند، کار او بود، مراجعه کردم و به او گفتم ما سه سال در عراق زندانی بودیم و دادرسی ارتش، این مدت از دوره زندان ما را به حساب نیاورده است. اگر این مدت را محاسبه کنند، به جای ۱۲ سال، ۹ سال دیگر در زندان خواهیم ماند.

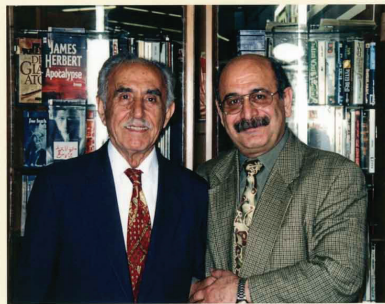
قاسمی در پاسخ گفت، مگر این حکومت تا دوازده سال دیگر پایدار است که شما توی زندان بمانید؟! تا آن موقع، انقلاب می‌کنیم و شما هم آزاد می‌شوید. گفتم، یعنی چه رفیق قاسمی؟ این که دلیل نشد. ممکن است دری به تخته بخورد و این دوره سه سال زندانی بودنمان به حساب بیاید و سه سال زودتر رفتیم بیرون و فعالیت کردیم، چرا توی زندان بپوسیم. قاسمی گفت، حالا ضرر ندارد، اعتراض بنویسید.

بعد از گفتگو، نامه‌ای به دادرسی ارتش نوشتیم و توضیح دادیم که ما سه سال در زندان عراق بودیم و شما این دوره از زندان ما را به حساب نیاورده‌اید. از طریق مکاتبات اداری، نامه‌ای از وزارت امور خارجه ایران به وزارت خارجه عراق نوشته شد و از آنها استفسار کردند. دولت عراق به وزارت امور خارجه ایران نامه‌ای نوشت که این ۶ نفر از تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۲۶ به مدت سه سال در عراق زندانی بوده‌اند.

● بعد از آن، دادرسی ارتش این مدت را به‌عنوان دوره زندانی شما پذیرفت؟

— بله. به همین خاطر ما سه سال کمتر از مدت حکم صادره در زندان ایران ماندیم. در دوره نخست وزیری دکتر مصدق، قانون تعلیق مجازات از اختیارات نخست وزیر به تصویب رسید و مطابق این مصوبه، کسانی که دو سوم مدت محکومیت خود را در زندان می‌گذرانند، قانون تعلیق مجازات شامل حال آنها می‌شد و از زندان آزاد می‌شدند. این موضوع شامل رئیس دانا شد و قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از زندان آزاد شد. یعنی دو سوم زندانی‌اش را کشیده بود و از زندان آزاد شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، مصوبه

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

مربوط به تعلیق از اختیارات نخست وزیر را عملاً اجرا نکردند. سبهد آرموده دادستان ارتش وقت شده بود و آن را قبول نداشت. بنابراین، با کودتای ۲۸ مرداد، قانون تعلیق شامل ما نشد و ۱۲ سال زندانی کشیدیم. به‌علاوه در عمل ثابت شد که ادعای ما درباره ۳ سال حبس زندان عراق در آن مقطع زمانی که جنبش ملی شدن نفت به پیش می‌رفت کار بجایی بود که منجر به محاسبه آن دوره از زندان گردید. در غیر این صورت چنانکه کار به بعداز کودتای ۲۸ مرداد می‌کشید دادستان ارتش، آزموده، به خواست قانونی ما ترتیب اثری نمی‌داد و باید ۱۵ سال حبس می‌کشیدیم.

فرار رهبران حزب توده از زندان

● اگر موافق باشید، بعضی از مسایل مربوط به حوادث زندان قصر در آن دوران را بیان بفرمایید. در همان سال اول ورودتان به زندان شماره ۲ قصر یعنی حدود ۹ ماه بعد، طرح فرار عده‌ای از اعضای رهبری حزب توده به‌اجرا درآمد.

وقتی کامیون داخل زندان گردید، قبادی در کنار سرهنگ دوم فرمانده (وائق) نشست و راننده را به طرف زندان سیاسی هدایت کرد. کامیون نزدیک درب آهنی زندان شماره ۲ توقف کرد. راننده جلو و عقب کرد و عقب کامیون را در چند قدمی پله‌های ورودی زندان متوقف کرد. همگی آنها پیاده شدند. ستوان یکم قبادی به پاسبان کلیددار دستور داد درب آهنی زندان را بگشاید و به داخل رفت. محافظین به دستور سرهنگ دوم فرمانده (وائق) در دو صف از پلکان تا عقب کامیون به حال آماده‌باش ایستادند. بعد از چند دقیقه رهبران حزب را آوردند. سرهنگ دوم فرمانده (وائق) اسامی آنها را یکی یکی خواند و دستور داد سوار کامیون شوند. راننده هم کمک کرد تا زندانیان از کامیون بالا روند. پس از سوار شدن همه آنان، محافظین هم پشت کامیون نشستند. سرهنگ دوم فرمانده (وائق) و ستوان قبادی کنار راننده نشستند. ستوان یکم محمدزاده هم روی رکاب ایستاد. ماشین در تاریکی محوطه زندان ترمز کرد. ستوان محمدزاده از روی رکاب پایین پرید و در عقب ماشین به زندانیان پیوست. کامیون راه افتاد و مقابل درب خروجی متوقف شد و ستوان قبادی پیاده گردید و به پاسبان کلیددار دستور داد تا درب را بگشاید. خودش داخل اتاق افسر نگهبان شد و کلاه خود را روی میز گذاشت و به پاسبان گفت، من تا چند دقیقه دیگر مراجعت می‌کنم. مواظب باش. او هم سوار کامیون شد و کامیون به‌راه افتاد و در سه نقطه تهران توقف

۱ - فریدون وائق که نقش «سرهنگ دوم پیاده» و فرمانده گروه را بازی می‌کرد. اگر خاطراتان باشد، درباره او قبلاً در رابطه با جریان هشتم شهریور ۱۳۲۰ صحبت کردم که در درجه ستوان دوم هوایی در قیام پادگان قلعه مرغی نقش فعال داشت و اولین گلوله قیام را هم او شلیک کرد که سرتیپ خسروانی خلع سلاح شد و دستهای خود را به عنوان تسلیم بالا برد. او بعد از آن قیام، مدتی متواری شد و سپس از ارتش اخراج گردید.

او آدمی بود جسور و نقش خود را در این مأموریت خطرناک هم به خوبی ایفا کرد. افسران سازمان نظامی حزب که در لباس گروهبانی در این عملیات شرکت داشتند، عبارت بودند از: ستوان یکم خلبان حسین مرزوان، سروان هوایی اسماعیل محقق‌زاده، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری، ستوان یکم پزشک محمد حسن خیر محمدی، ستوان یکم پزشک عبدالکریم انواری.

این پنج نفر لباس نظامی با درجه گروهبان دژبان به تن کردند و ستوان یکم خلبان خسرو پوریا در لباس مبدل ستوان یکمی دژبان درآمد. راننده کامیون در لباس سربازی زاون آدمیان عضو حزب توده بوده است. برای آنکه اگر احتمالاً درگیری پیش آمد و جنبه اقدام مسلحانه پیدا نکند، سلاح همگی آنان از اسلحه پلاستیکی اسباب بازی بود. شب هنگام، این افراد سوار کامیون شدند و به سمت زندان قصر به‌راه افتادند و کامیون طبق برنامه جلو زندان توقف کرد.

➔ نظر دادستانی انقلاب جمهوری اسلامی بسر می‌برد (در سال ۱۳۷۸ فوت کرد)

از افراد فعال در فراری دادن آن ده نفر عبارت بودند از: سرهنگ مبشری، سروان محقق‌زاده، ستوان یکم مختاری، ستوان یکم مرزوان که بعد از کودتای ۲۸ مرداد در رژیم شاهنشاهی اعدام شدند. ستوان یکم محمدزاده با نام مستعار اخگر در جمهوری اسلامی اعدام شد. ستوان یکم حسین قبادی پس از برگشت از مهاجرت شوروی به ایران، در رژیم شاه تیرباران شد. فریدون وائق، در اواخر دهه ۳۰ به بیماری سرطان درگذشت، ستوان یکم خسرو پوریا، دکتر خیر محمدی و دکتر انواری در قید حیات هستند. دکتر غلامحسین فروتن مقیم آلمان و در قید حیات است (در سال ۱۳۷۸ در آلمان فوت کرد).

درباره فرار رهبری حزب توده، انور خامه‌ای در کتاب خاطراتش معتقد است، فرار رهبران حزب توده در ارتباط با بند و بست با رزم‌آرا نخست وزیر وقت بوده است که او می‌خواسته امتیازی به شوروی بدهد. من نظرم را در گفتگو با آقای خامه‌ای هم گفته‌ام که این فرار در دوره نخست وزیری رزم‌آرا يك ضربه‌ای به حکومت خود او بود. به هر حال، او که‌ماکان روی حدس و گمان خود اصرار داشت. *

● تا کنون درباره طرح فرار رهبری حزب توده روایت‌هایی شده است و از جمله دکتر غلامحسین فروتن - که در آن موقع



ستوان یکم محمدزاده (سمت راست) و ستوان یکم حسین قبادی افسران نگهبان زندان قصر که نقشه فرار با دستگیری آنها صورت گرفت.



خسرو روزبه رئیس سازمان نظامی حزب توده

کرد و سرنشینان به خانه‌هایی که قبلاً تعیین شده بود وارد شدند. آرسن و دیگران هم در بیرون زندان آماده بودند تا چنانچه رئیس زندان برای سرکشی آمد يك تصادف عمدی با اتومبیل او اجرا کنند تا گروه عملیات بتوانند نقشه خود را انجام دهند.

افسر فرمانده یعنی فریدون وائق به اصطلاح حکم دادستانی ارتش را به افسر نگهبان ارائه داد. ستوان یکم قبادی افسر کشیک خارج زندان و ستوان یکم شهربانی محمدزاده عضو سازمان نظامی حزب توده افسر کشیک داخل زندان، مسؤول تحویل ۱۰ نفر زندانیان سیاسی بود.

او و محمد بهرامی تنها اعضای کمیته مرکزی حزب توده بودند که در ایران و در تهران اقامت داشتند و فروتن از مسئولین اجرای آن طرح بود - که در خاطراتش به آن پرداخته است. آیا شما بعدها خودتان واقعیت آن عملیات فرار رهبری حزب را از زبان یکی از دست اندرکاران شنیده‌اید؟

- من طی يك گفتگو، این جریان را از زبان ستوان یکم خلبان خسرو پوریا که در اجرای عملیات آن روز در لباس نظامی ستوان یکم دژبان درآمده بود، شنیدم. به نقل از او، سازماندهی و اجرای آن جریان چنین بوده: در یکی از روزهای آذرماه ۱۳۲۹ به او اطلاع داده شد که برای مأموریت خطرناکی داوطلب می‌خواهند. عصر يك روز - ۲۴ آذر ۱۳۲۹ - در خانه‌ای واقع در کوچه رشت که موازی خیابان تخت جمشید و در جنوب آن واقع است، با لباس شخصی حاضر شد. کسانی که آن روز در آن خانه برای اجرای آن عملیات حضور پیدا کردند، اینان بودند:

* غلامحسین فروتن که یکی از افراد مؤثر در اجرای طرح فرار رهبری حزب توده بود، اظهار نظر آقای خامه‌ای را تأیید می‌کند.

وی درباره شکل‌گیری اولیه این طرح می‌نویسد: «من یگانه کسی هستم که در فرار رهبران حزب از زندان، از آغاز تا واپسین لحظات پیروزمندانه آن از نزدیک شرکت داشته‌ام. دو انسان واقعی دیگر که با من همراه بودند، سرهنگ مبشری عضو سازمان نظامی حزب توده و سروان حسین قبادی افسر شهربانی عضو سازمان نظامی حزب توده. برای مطالعه و بررسی آن، کمیسیون مرکب از ما سه نفر تشکیل شد. در همان جلسات اول طرحی از جانب سروان قبادی این افسر پاکدامن، با ایمان و دوست‌داشتنی ارائه شد که مورد قبول قرار گرفت. بنیاد این طرح بر این استوار بود که عده‌ای با لباس سربازی همراه با يك افسر ارشد سوار بر کامیون ارتشی و با در دست داشتن حکمی از ستاد ارتش به زندان قصر مراجعه خواهند کرد و زندانیان را تحویل خواهند گرفت.» (غلامحسین فروتن، «حزب توده در صحنه ایران»، چاپ آلمان، ۱۳۷۱، ص ۱۵۲)

«جنگ آخر زمانی»؛ زبان دیپلماسی جمهوری اسلامی برای توافق با واشنگتن

● بر اساس گزارش «نیویورک پست»، عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه در مصاحبه‌ای با شبکه‌ی «ان‌بی‌سی» گفت که رژیم ایران برای یک «جنگ آخر زمانی» نیز آماده است اما دیپلماسی را ترجیح می‌دهد. او گفت که آمریکا مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی را هم در جنگ و هم در دیپلماسی آزموده و «ما به خودمان اعتماد داریم».

● تحولات اخیر نشان‌دهنده‌ی موضع قدرت واشنگتن در برابر رژیمی است که پس از ماه‌ها فشار اقتصادی و نظامی در موقعیت ضعف قرار گرفته و اکنون می‌کوشد امتیازات فوری بگیرد؛ بدون آنکه تضمین معتبری درباره‌ی برنامه هسته‌ای و رفتار منطقه‌ای خود ارائه دهد.

● پیشنهاد جدید جمهوری اسلامی شامل این موارد است: آتش‌بس گسترده در تمام جبهه‌ها از جمله لبنان؛ لغو تحریم‌های فروش نفت و رفع محاصره دریایی بنادر ایران؛ آزادسازی حدود ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده!

● مقامات آمریکایی این پیشنهاد جمهوری اسلامی را «دریافت همه‌چیز از پیش» در برابر صرفا وعده گفتگو ارزیابی کرده‌اند. مایک والتز نماینده آمریکا در سازمان ملل تصریح کرد رژیم تهران خواستار امتیازات فوریست در حالی که تنها قول مذاکره می‌دهد.

● مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند شب جمعه‌ی گذشته حدود ۲۲ میلیون بشکه نفت از تنگه عبور کرده و واشنگتن «کنترل کامل» بر آن دارد. پذیرش شروط تازه رژیم ایران برای بازگشایی فوری، این اهرم را از دست آمریکا خارج می‌کرد و به جمهوری اسلامی امکان می‌داد که دوباره از مسیر حیاتی انرژی جهان به عنوان ابزار باج‌خواهی استفاده کند.

● اقتصاد جمهوری اسلامی تحت فشار شدید عملیات «طرد اقتصادی» قرار دارد. محاصره دریایی بنادر، محدودیت فروش نفت و انزوای مالی، رژیم را وادار به ارائه‌ی پیشنهاد هفت روز آتش‌بس کرده است. پذیرش این پیشنهاد توسط آمریکا، چنین فشاری را پیش از کسب امتیازات ملموس از بین می‌برد.

رئیس جمهور آمریکا در حالی پیشنهاد مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی برای آتش‌بس و بازگشایی تنگه هرمز را رد کرده که هم جنگ با رژیم ایران بدون نتیجه قطعی همچنان ادامه دارد و هم انتظار می‌رود «مذاکرات غیرمستقیم» ادامه می‌یابد.

در شرایطی که جنگ هشت‌ماهه میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی همچنان بدون نتیجه‌ای قطعی ادامه دارد، دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده پیشنهاد تازه‌ی مذاکره‌کنندگان تهران برای بازگشایی تنگه هرمز و آتش‌بس موقت را رد کرده ولی همزمان اعلام نموده است که انتظار دارد مذاکرات «غیرمستقیم» در همین هفته ادامه یابد.

بر اساس گزارش «نیویورک پست»، عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه در مصاحبه‌ای با شبکه‌ی «ان‌بی‌سی» گفت که رژیم ایران برای یک «جنگ آخر زمانی» نیز آماده است اما دیپلماسی را ترجیح می‌دهد. عراقچی در این مصاحبه ادعا کرد پیشنهاد جمهوری اسلامی «بسیار معقول» است و اگر واشنگتن جدی باشد، امکان بازگشایی تنگه هرمز وجود دارد. او گفت که آمریکا مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی را هم در جنگ و هم در



تصویر قاسم سلیمانی روی میز نمایندگان جمهوری اسلامی در هشاد و یکمین مجمع سازمان ملل متحد / نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۶

حدود شش روز بازگشایی کند و در روز هفتم نیز مذاکرات درباره‌ی «توافق نهایی» از سر گرفته شود.

مقامات آمریکایی این پیشنهاد جمهوری اسلامی را «دریافت همه‌چیز از پیش» در برابر صرفا وعده گفتگو ارزیابی کرده‌اند. مایک والتز نماینده آمریکا در سازمان ملل تصریح کرد رژیم تهران خواستار امتیازات فوریست در حالی که تنها قول مذاکره می‌دهد.

منابع منطقه‌ای تأیید کرده‌اند دور تازه‌ای از گفتگوهای غیرمستقیم ممکن است از روز دوشنبه ۲۸ سپتامبر آغاز شود. با این حال، واشنگتن تأکید دارد هر توافقی باید شامل امتیازات هسته‌ای واقعی از سوی رژیم ایران باشد. موضع ثابت ترامپ این است که جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.

مسئله هسته‌ای اولویت استراتژیک دونالد ترامپ هرگونه تسکین اقتصادی پیش از محدودیت‌های راست‌آزمایی‌شده بر غنی‌سازی و برنامه‌ی موشکی، خطر تکرار تجربه‌ی توافق برجام را دارد؛ توافقی که ترامپ در دوره‌ی اول ریاست جمهوری خود روز هشتم ماه مه ۲۰۱۸ از آن خارج شد زیرا معتقد بود این توافق رژیم ایران را به اندازه‌ی کافی محدود نمی‌کند.

واشنگتن نمی‌تواند اجازه دهد رژیم تهران با فروش نفت و دسترسی به دارایی‌های مسدودشده نفس تازه کند و سپس مذاکرات هسته‌ای را به تأخیر بیندازد یا شروط خود را دیکته کند.

دست بالای آمریکا در کنترل تنگه هرمز مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند شب جمعه‌ی گذشته حدود ۲۲ میلیون بشکه نفت از تنگه عبور کرده و واشنگتن «کنترل کامل» بر آن دارد. پذیرش شروط تازه رژیم ایران برای بازگشایی فوری، این اهرم را از دست آمریکا خارج می‌کرد و به جمهوری اسلامی امکان می‌داد که دوباره از مسیر حیاتی انرژی جهان به عنوان ابزار باج‌خواهی استفاده کند.

دیپلماسی آزموده و «ما به خودمان اعتماد داریم». لحن ترکیبی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی شامل تهدید و آمادگی مذاکره، الگوی آشنای رژیم ایران است: نمایش قدرت برای حفظ وجهه‌ی داخلی در حالی که فشار اقتصادی جمهوری اسلامی را مجبور به تحرک دیپلماتیک کرده است.

به گزارش نیویورک پست، سفر عباس عراقچی که به همراه مسعود پزشکیان برای شرکت در سخنرانی سالیانه‌ی سازمان ملل در نیویورک حضور یافته بود، هنوز ادامه دارد تا شاید بتواند از طریق «تهدید و تطمیع» بر تصمیم دونالد ترامپ برای بازگشت به «تفاهم‌نامه اسلام آباد» تأثیر بگذارد. این تحولات نشان‌دهنده‌ی موضع قدرت واشنگتن در برابر رژیمی است که پس از ماه‌ها فشار اقتصادی و نظامی در موقعیت ضعف قرار گرفته و اکنون می‌کوشد امتیازات فوری بگیرد؛ بدون آنکه تضمین معتبری درباره‌ی برنامه هسته‌ای و رفتار منطقه‌ای خود ارائه دهد.

دونالد ترامپ در گفتگوی تلفنی روز یکشنبه با اکسیوس گفت: «انتظار دارم مذاکرات بیشتری با جمهوری اسلامی ایران [در این هفته] انجام شود. آنها می‌خواهند معامله کنند اما این معامله‌ای نیست که من بخواهم. این همان چیز است که شاید یک سال پیش می‌پذیرفتم. آنها دست خود را بیش از حد بازی کرده‌اند». رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به پرسش درباره‌ی از سر گرفتن حملات هوایی افزود: «همیشه به آن فکر می‌کنم».

پیشنهاد جمهوری اسلامی برای هفت روز آتش‌بس که از طریق میانجی قطری در حاشیه‌ی هشاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل به هیئت آمریکایی، استیو ویتکاف و جرد کوشنر، منتقل شد، شامل موارد زیر است:

- آتش‌بس گسترده در تمام جبهه‌ها از جمله لبنان
- لغو تحریم‌های فروش نفت و رفع محاصره دریایی بنادر ایران
- آزادسازی حدود ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده در مقابل، رژیم ایران متعهد می‌شود تنگه هرمز را ظرف

عراق خواستار معافیت از تحریم‌های آمریکا برای پروازهای ایران شد



هواپیمایی «ماهان ایر»

خواهد کرد. خبرگزاری فرانسه به نقل از چند شهروند عراقی گزارش داد، اجرای تحریم‌های آمریکا آنها را برای یافتن راه‌های جایگزین با مشکل روبرو کرده است. برخی نگران‌اند امکان ادامه درمان در ایران را از دست بدهند و شماری دیگر که به ایران سفر کرده‌اند، گزینه‌ای جز مسیر زمینی بیش از ۱۲ ساعته برای بازگشت به عراق ندارند.

برخی منابع گزارش دادند که جمهوری اسلامی به دنبال تحریک شبه‌نظامیان عراق برای شورش به بهانه توقف پروازها است. به گزارش العربیه، «گروه نجباء» از شبه‌نظامیان نزدیک به حکومت ایران در عراق، در اعتراض به توقف پروازها و همکاری با فرودگاه‌های ایران برای ارائه خدمات، تهدید کرد در فرودگاه‌های عراق تحصن خواهد کرد چرا که این تصمیم چیزی جز «سلطه‌جویی آمریکا» نیست.

اکرم الکعبی دبیرکل گروه نجباء، جمعه سوم مهر با انتشار بیانیه‌ای در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد، این گروه برای رسیدگی به وضعیت موجود «مدت زیادی منتظر نخواهد ماند» و در صورت از سر گرفته نشدن پروازها به ایران و برعکس، خواستار تحصن در فرودگاه‌های عراق خواهد شد. الکعبی همچنین آمریکا را متهم کرد از طریق تحریم‌ها، مردم ایران را تحت محاصره قرار می‌دهد.

فرودگاه بین‌المللی نجف اعلام کرد، تمامی پروازهای ورودی و خروجی از مبدأ و به مقصد ایران را متوقف کرده است. فرودگاه‌های اربیل و سلیمانیه نیز پس از اقدامی مشابه فرودگاه بین‌المللی بغداد، پروازهای ایران را متوقف کردند. این تصمیم‌ها از تازه‌ترین پیامدهای تحریم‌های جدید آمریکا علیه بخش هوانوردی ایران به شمار می‌روند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا تهدید کرده بود ارائه‌دهندگان خدمات هوایی که با شرکت‌های ایرانی همکاری کنند نیز در معرض تحریم‌های ثانویه قرار خواهند گرفت.

● دولت عراق اعلام کرد که در حال مذاکره با آمریکا برای دریافت معافیت از ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هواپیمایی ایران است. این ادعا مطرح شده که محدودیت پروازها بر اثر تحریم، سفر بیماران و دانشجویان و زائران را با اختلال روبرو کرده است.

● تمام فرودگاه‌های عراق اجرای ممنوعیت‌ها را آغاز کرده‌اند؛ اقدامی که به ویژه در فرودگاه نجف، مقصد اصلی پروازهای ایران به عراق، اختلال گسترده‌ای ایجاد کرده است. ● دفتر رسانه‌ای نخست‌وزیر عراق اعلام کرد: «دولت عراق در حال مذاکره مستقیم با طرف آمریکایی است تا برخی فرودگاه‌های عراق از این محدودیت‌ها معاف شوند.» ● به گفته این دفتر، دریافت چنین معافیتی امکان انجام پروازها را «به دلایل بشردوستانه، از جمله درمان پزشکی، تحصیل و زیارت و در راستای منافع غیرنظامیان» فراهم خواهد کرد.

دولت عراق اعلام کرد که در حال مذاکره با آمریکا برای دریافت معافیت از ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هواپیمایی ایران است. این ادعا مطرح شده که محدودیت پروازها بر اثر تحریم، سفر بیماران و دانشجویان و زائران را با اختلال روبرو کرده است.

تمام فرودگاه‌های عراق اجرای ممنوعیت‌ها را آغاز کرده‌اند؛ اقدامی که به ویژه در فرودگاه نجف، مقصد اصلی پروازهای ایران به عراق، اختلال گسترده‌ای ایجاد کرده است. دفتر رسانه‌ای نخست‌وزیر عراق اعلام کرد: «دولت عراق در حال مذاکره مستقیم با طرف آمریکایی است تا برخی فرودگاه‌های عراق از این محدودیت‌ها معاف شوند.»

به گفته این دفتر، دریافت چنین معافیتی امکان انجام پروازها را «به دلایل بشردوستانه، از جمله درمان پزشکی، تحصیل و زیارت و در راستای منافع غیرنظامیان» فراهم

ابعاد منطقه‌ای پیشنهاد جمهوری اسلامی

در این میان، درخواست آتش‌بس شامل لبنان عملاً به معنای وادار کردن اسرائیل به توقف عملیات علیه حزب‌الله است؛ نیرویی که سال‌ها از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تجهیز و هدایت شده و امنیت اسرائیل و نیروهای آمریکایی در منطقه را تهدید می‌کند.

منافع آمریکا ایجاب می‌کند که اسرائیل به عنوان متحد اصلی آن در خاورمیانه تضعیف نشود و شبکه‌ی مزدوران نیابتی جمهوری اسلامی بدون هزینه باقی نماند؛ چنانکه حوثی‌های وابسته به رژیم ایران در یمن همچنان فعال هستند. هر توافقی که این جبهه‌ها را نادیده بگیرد، از نظر واشنگتن می‌تواند ناقص و ناپایدار محسوب گردد.

زمان‌بندی سیاسی و نظامی

انتخابات میاندوره‌ای ایالات متحده در اوایل نوامبر نزدیک است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ترامپ به مشاورانش گفته احتمال از سر گرفتن حملات هوایی پس از انتخابات را در نظر دارد، هرچند موضع او می‌تواند تغییر کند. حفظ گزینه‌ی نظامی، رژیم ایران را در وضعیت عدم قطعیت نگه می‌دارد و از امتیازدهی عجولانه مانند تفاهم‌نامه اسلام‌آباد جلوگیری می‌کند.

همزمان، ادامه‌ی گفتگوهای غیرمستقیم از طریق قطر نشان می‌دهد واشنگتن در دیپلماسی را نبسته، اما از شروط خود نیز کوتاه نیامده است. این تعادل- فشار حداکثری همراه با کانال مذاکره- منطبق با رویکرد ترامپ در دوره‌ی اول ریاست جمهوری وی در ارتباط با کره شمالی است.

اقتصاد جمهوری اسلامی تحت فشار شدید عملیات «طرد اقتصادی» قرار دارد. محاصره‌ی بنادر، محدودیت فروش نفت و انزوای مالی، رژیم را وادار به ارائه‌ی پیشنهاد هفت روز آتش‌بس کرده است. پذیرش این پیشنهاد توسط آمریکا، چنین فشاری را پیش از کسب امتیازات ملموس از بین می‌برد.

وزیر خزانه‌داری ایالات متحده اسکات بسنت تأکید کرده کارزار اقتصادی علیه بقایای جمهوری اسلامی در حال نتیجه دادن است. برای آمریکا، هدف نهایی نه صرفاً بازگشایی تنگه هرمز، بلکه تغییر رفتار رژیم ایران در سه حوزه‌ی هسته‌ای، موشکی و حمایت از گروه‌های مزدور نیابتی است.

اکنون میانجیگری با چانه‌زنی قطری‌ها ادامه دارد و دو طرف از نظر فاصله‌ی مواضع هنوز از یکدیگر بسیار دور هستند. جمهوری اسلامی همچنان اصرار دارد بدون تحقق شروط خود درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای صحبت نکند.

در آمریکا نیز هر توافقی باید از آزمون کنگره و افکار عمومی بگذرد، به ویژه اگر به نظر برسد که امتیازات یکطرفه داده شده است. احتمال تشدید حملات نظامی پس از انتخابات میاندوره‌ای نیز وجود دارد و عراقی صراحتاً گفته رژیم ایران تاکتیک‌های خود را تغییر داده و آماده‌ی از سر گرفتن جنگ است.

با این حال، موقعیت کنونی آمریکا حتی قوی‌تر از ماه‌های ابتدایی جنگ است. عبور نفت از تنگه هرمز تحت نظارت آمریکا ادامه دارد. دونالد ترامپ به درستی تشخیص داده پیشنهاد فعلی مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی، همان چیز است که «یک سال پیش شاید پذیرفته می‌شد»، اما امروز واشنگتن در موقعیت بالاتر و تعیین شروط بیشتری قرار دارد.

برگزاری پنجمین دوره «کنفرانس ایران» توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی)



باقی مانده، چه چیزی بازسازی شده و چه چیزی مفقود است؟» بود. مجری این پنل دنیل کوهن سردبیر بخش ایالات متحده جوییش اینسایدر (Jewish Insider) و اعضای پنل آندریا استریکر معاون مدیر برنامه خلع سلاح در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، فرد فلاپتز از مقامات سابق اطلاعاتی و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا و نایب‌رئیس «مؤسسه سیاست اول آمریکا» (AFPI)، و آری سیکورل مدیر سیاست خارجی در اندیشکده «چینسا» بودند.

پنل دوم با عنوان «مذاکره و فشار: واشنگتن در عمل چه دستاوردی می‌تواند داشته باشد؟» با مدیریت آرون لوبل بنیانگذار و رئیس مؤسسه رسانه‌های America Abroad (Media) برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این پنل بهنام بن‌طالب‌لو مدیر ارشد برنامه ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، کری فیلیپتی مدیر اجرایی The Vandenberg Coalition و از چهره‌های فعال در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، و الکس وینستون دبیر بخش اخبار اورشلیم پست بودند.

«چه کسی واقعاً ایران را اداره می‌کند؟» عنوان پنل دیگری در روز نخست «کنفرانس ایران» بود که توسط الکس وینستون دبیر بخش اخبار اورشلیم پست اجرا شد و مهمانان پنل هم خسرو اصفهانی مدیر پژوهش «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی)، ایلان برمن معاون ارشد اندیشکده سیاست خارجی آمریکا، و دنیل پلتکا پژوهشگر ارشد مؤسسه انترپرایز آمریکا (American Enterprise Institute - AEI) بودند.

آخرین پنل روز نخست این کنفرانس با عنوان «

این کنفرانس با حضور با حضور چهره‌هایی از حوزه ضدتروریسم، امنیت ملی سیاست خارجی، تحریم و کنگره آمریکا و همچنین شماری از پژوهشگران، تحلیلگران سیاسی و فعالان حقوق بشر برگزار شد.

در این کنفرانس طی ۱۱ پنل، موضوعات مختلف در زمینه سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی، آینده مذاکرات، برنامه هسته‌ای و توان نظامی رژیم ایران و تحریم‌ها و همچنین سرکوب شهروندان ایران توسط جمهوری اسلامی مورد بررسی و تأکید قرار گرفت.

یکی از اهداف اصلی برگزاری این کنفرانس، که امسال پنجمین دوره آن برگزار شد، ارائه تصویر دقیق و بدون سانسور و دستکاری و قابل درک از ایران و عملکرد جمهوری اسلامی به سیاست‌گذاران آمریکایی عنوان شده است.

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) اعلام کرده این کنفرانس با بهره‌گیری از ارائه‌های آگاهی‌بخش، میزگردهای جذاب و فرصت‌های شبکه‌سازی، می‌کوشد تا شرکت‌کنندگان را به دانش و بینش‌های کاربردی مجهز سازد. در روز نخست این کنفرانس بررسی ایران دیروز و امروز، شرایط کنونی ایران و شهروندان، و همچنین سیاست‌ها و نقش آمریکا و جامعه جهانی در مسیر گذار تاریخی از جمهوری اسلامی به دوره‌ای جدید در ایران، مورد بحث و گفتگوی کارشناسان قرار گرفت.

محدودیت دسترسی به اینترنت و نبود شناخت کافی از شرایط دشوار مردم ایران در کشورهای غربی نیز از جمله محورهای مورد بحث در دومین روز این نشست بود.

عنوان نخستین پنل این کنفرانس، «ارتش و مپ: چه چیزی

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) روزهای ۲۴ و ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۶ برابر با دوم و سوم مهرماه میزبان پنجمین دوره «کنفرانس ایران» بود.

در روز نخست این کنفرانس بررسی ایران دیروز و امروز، شرایط کنونی ایران و شهروندان، و همچنین سیاست‌ها و نقش آمریکا و جامعه جهانی در مسیر گذار تاریخی از جمهوری اسلامی به دوره‌ای جدید در ایران، مورد بحث و گفتگوی کارشناسان قرار گرفت.

دومین روز این کنفرانس با سخنرانی اندرو قلیلی مدیر سیاست‌گذاری در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) آغاز شد و پنل «اعدام‌ها، زندان‌ها و ساز و کار هراس‌آفرینی» با مدیریت نازنین انصاری مدیر مسئول «کیهان لندن» و «کیهان لایف» نخستین پنل روز دوم کنفرانس ایران» بود.

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) اعلام کرده این کنفرانس با بهره‌گیری از ارائه‌های آگاهی‌بخش، میزگردهای جذاب و فرصت‌های شبکه‌سازی، می‌کوشد تا شرکت‌کنندگان را به دانش و بینش‌های کاربردی مجهز سازد.

پنجمین دوره «کنفرانس ایران» توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن دی‌سی و با حضور جمعی از تحلیلگران، سیاست‌گذاران، کارشناسان و فعالان سیاسی برگزار شد.

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) روزهای ۲۴ و ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۶ برابر با دوم و سوم مهرماه میزبان پنجمین دوره «کنفرانس ایران» بود.

تحریم‌ها و آثارش بر جمهوری اسلامی



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

همچنین در این کنفرانس گزارشی پژوهشی با عنوان «شبه نفوذ جمهوری اسلامی» توسط تایماز توماج تحلیلگر ارشد سیاست‌گذاری در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) و نادر صادقی تحلیلگر سیاست‌گذاری در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) ارائه شد. ویدئوهای هدر دو روز «کنفرانس ایران» در کانال یوتیوب نوفدی در دسترس است.

مدیر سیاست‌گذاری و حمایت‌گری در سازمان خانه آزادی (Freedom House) بودند. گفتگوی شلی زمردی با مورگان اورتگاس معاون پیشین فرستاده ویژه ریاست جمهوری آمریکا در امور صلح «خاورمیانه» و کیرون اسکینر مدیر پیشین برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری وزارت امور خارجه ایالات متحده از دیگر بخش‌های برنامه روز دوم «کنفرانس ایران» بود.

پول و راه‌های حیاتی بقا: تحریم‌ها، نفت و حامیان رژیم» با اجرای شلی زمردی مجری اخبار صبحگاهی شبکه فاکس بود. مهمانان این پنل پاتریک کلاوسون مدیر برنامه ویتربی (Viterbi) درباره ایران در انستیتو واشنگتن، میعاد ملکی پژوهشگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و مقام ارشد پیشین وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، و ناتان سیلز هماهنگ‌کننده پیشین مبارزه با تروریسم در وزارت خارجه آمریکا بودند.

همچنین در روز نخست کنفرانس پیام ویدئویی از دریاسالار رابرت هاروارد معاون فرمانده پیشین قرارگاه مرکزی ارتش آمریکا و مشاور پروژه سیاست ایران در اندیشکده «جینسا» پخش شد.

سخنرانی جو ویلسون نماینده جمهوریخواه کنگره از کارولینای جنوبی نیز یکی دیگر از بخش‌های روز نخست «کنفرانس ایران» بود.

دومین روز این کنفرانس با سخنرانی اندرو قلبلی مدیر سیاست‌گذاری در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) آغاز شد.

پنل «اعدام‌ها، زندان‌ها و ساز و کار هراس‌آفرینی» با مدیریت نازنین انصاری مدیر مسئول «کیهان لندن» و «کیهان لایف» نخستین پنل روز دوم «کنفرانس ایران» بود. احمد باطبی پژوهشگر ارشد در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی)، مرجان کی‌پور بنیانگذار و مدیر «ائتلاف برای حقوق همه اقلیت‌ها» (ARAM)، و پاتریشیا کرم معاون رئیس در امور سیاست‌گذاری و ارتباطات در «گروه ویژه آمریکایی برای لبنان» (ATFL) مهمانان این پنل بودند. پنل دیگر با موضوع «جنگ اطلاعاتی: قطع اینترنت، پخش برنامه‌ها و اینکه رسانه‌ها چگونه درباره ایران دچار اشتباه شدند» با اجرای نگار مجتهدی مجری شبکه «ایران اینترنت‌شال» و با حضور جاناناتان سایه تحلیلگر پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، و جاناناتان هارونوف نویسنده و سخنگوی پیشین اسرائیل در سازمان ملل متحد برگزار شد. «دست دراز: سرکوب فرامرزی و شبکه‌های نفوذ رژیم در آمریکا و اروپا» پنل آخر «کنفرانس ایران» بود که توسط تایماز توماج تحلیلگر ارشد سیاست‌گذاری در «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) برگزار شد. مهمانان این پنل غزاله شارمهد فعال حقوق بشر ایرانی- آلمانی- آمریکایی، دالیا زیادا پژوهشگر ارشد در مؤسسه مطالعات آنتی‌سمیتیسم و سیاست جهانی (ISGAP)، و کیتی لاروک

ویدئوی روز دوم «کنفرانس ایران»:

ویدئوی روز نخست:

JOIN US FOR THE CONVERSATION

THE IRAN CONFERENCE

WASHINGTON, D.C. / SEPTEMBER 24-25, 2026

JOIN US FOR THE CONVERSATION

THE IRAN CONFERENCE

WASHINGTON, D.C. / SEPTEMBER 24-25, 2026

ویدئو

ویدئو

نیویورک پست: علاوه بر محاصره دریایی و هوایی، باید محاصره زمینی جمهوری اسلامی را افزایش داد



صف کامیون‌ها در مرز افغانستان و ایران

در کشور باقی مانده است. بطور کلی، تولید ناخالص داخلی ایران ظرف چند هفته بیش از ۱۰ درصد کاهش یافته و طی یکسال گذشته، ارزش پول ملی، ریال، نصف شده است. به همین دلیل است که در مرزهای ایران ترافیک و صف‌های طولانی شکل گرفته و اکنون ورود و خروج کالا بسیار کندتر، پرهزینه‌تر و به شدت ناکارآمد شده است. انتقال یک کانتینر از مسیر زمینی حدود چهار برابر انتقال آن از طریق دریا هزینه دارد.

در ادامه این مقاله آمده، بدتر از همه برای حکومت اینست که کامیونداران، راه‌آهن‌ها و شرکت‌های حمل و نقل که این محموله‌ها را جابجا می‌کنند، خواهان دریافت پول با ارزش‌های معتبر و قابل تبدیل- ترجیحاً دلار- هستند، نه ریال ایران که سقوط کرده است!

در عین حال، به دلیل موانع بوروکراتیک، حداکثر ۵۰۰ کامیون در روز می‌توانند از مرز ترکیه عبور کنند؛ در حالی که برای جایگزین کردن حجم حمل و نقل دریایی ایران پیش از جنگ، به ۲۰ هزار کامیون در روز نیاز است. حکومت اما برای آنچه اکنون با آن روبروست آمادگی لازم را ندارد.

جمهوری اسلامی طی ۴۷ سال درآمدهای نفتی کشور را صرف توسعه برنامه هسته‌ای و مسلح کردن نیروهای نیابتی تروریستی‌اش کرده و این کار را به قیمت نادیده گرفتن زیرساخت‌های حیاتی کشور انجام داده است.

ایالات متحده بجای پرداخت به مذاکرات بی‌حاصل بیشتر، اکنون باید بر محاصره زمینی در کنار محاصره دریایی و هوایی تمرکز کند. این اقدام، جمهوری اسلامی ایران را پیش از پیش از تجارت بین‌المللی که حکومت برای بقای خود به آن وابسته است، طرد خواهد کرد.

برای محاصره زمینی نیازی به اعزام نیروهای نظامی نیست. وزارت خزانه‌داری آمریکا پیشتر بخش‌های هوانوردی، کشتیرانی و طلا در ایران را برای فعالان

تحریم‌های وزارت خزانه‌داری ایالات متحده «برای درک ابعاد ویرانی اقتصادی که جمهوری اسلامی ایران اکنون با آن روبروست» به این نکته اشاره می‌کنند که «کافیست به کامیون‌هایی نگاه کنید که در مرزها قفل شده‌اند. هزاران کامیون در گذرگاه‌های زمینی منتهی به ترکیه و افغانستان صف کشیده‌اند و بسیاری از رانندگان هفته‌ها بیکار و منتظر مانده‌اند.»

علت این مشکل این است که مسیرهای زمینی تنها راهی هستند که رژیم ایران می‌تواند از طریق آنها محاصره سخت هوایی و دریایی اعمال‌شده از سوی ایالات متحده را دور بزند؛ اما حکومت نمی‌تواند از تشریفات سنگین گمرکی و بازرسی‌های امنیتی که موجب صف‌های بی‌پایان در مرزها می‌شود، فرار کند. با این حال، اگر به سخنان رهبران جمهوری اسلامی گوش دهید، طوری حرف می‌زنند که گویی آنها تمام برگ‌های برنده را در اختیار دارند!

مقامات جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، خواسته خود را برای دستیابی به توافق اعلام کردند: رفع محاصره، آزاد ساختن دارایی‌های مسدودشده و پایان دادن به «جنگ اقتصادی». در مقابل، آنها متعهد می‌شوند حملات خود به کشتی‌هایی را که از تنگه هرمز عبور می‌کنند متوقف کنند؛ آبراهی که جمهوری اسلامی اساساً حق بستن آن را ندارد.

کارزار «خشم اقتصادی» به شدت به جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می‌کند. اعمال دوباره محاصره دریایی باعث شده بارگیری نفت ایران ۸۵ درصد کاهش یابد؛ این در حالیست که نیروهای آمریکایی از عبور بیش از یک میلیارد بشکه نفت خام از تنگه هرمز حمایت کرده و به عبور بیش از ۲ هزار کشتی تجاری کمک کرده‌اند.

کمبود واردات، عرضه داخلی خود ایران را تحت فشار شدید قرار داده و بنا بر گزارش‌ها، تنها دو ماه ذخیره سوخت

روزنامه «نیویورک پست» در مقاله‌ای به قلم مارک دوبویتر و میعاد مالکی که ۲۴ سپتامبر (۲ مهرماه) منتشر شده، با اشاره به محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد، ایالات متحده بجای پرداخت به مذاکرات بی‌حاصل، اکنون باید بر محاصره زمینی همزمان با محاصره دریایی و هوایی تمرکز کند. این اقدام، جمهوری اسلامی را پیش از پیش از تجارت بین‌المللی که حکومت برای بقای خود به آن وابسته است، طرد خواهد کرد.

نویسندگان این مقاله «برای درک ابعاد ویرانی اقتصادی که جمهوری اسلامی ایران اکنون با آن روبروست» به این نکته اشاره می‌کنند که «کافیست به کامیون‌هایی نگاه کنید که در مرزها قفل شده‌اند. هزاران کامیون در گذرگاه‌های زمینی منتهی به ترکیه و افغانستان صف کشیده‌اند و بسیاری از رانندگان هفته‌ها بیکار و منتظر مانده‌اند.»

مسیرهای زمینی تنها راه‌هایی هستند که رژیم ایران می‌تواند از طریق آنها محاصره سخت هوایی و دریایی اعمال‌شده از سوی ایالات متحده را دور بزند؛ اما حکومت نمی‌تواند از تشریفات سنگین گمرکی و بازرسی‌های امنیتی که موجب صف‌های بی‌پایان در مرزها می‌شود، فرار کند.

روزنامه «نیویورک پست» در مقاله‌ای به قلم مارک دوبویتر و میعاد ملک که ۲۴ سپتامبر (۲ مهرماه) منتشر شده، با اشاره به محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد، ایالات متحده بجای پرداخت به مذاکرات بی‌حاصل، اکنون باید بر محاصره زمینی همزمان با محاصره دریایی و هوایی تمرکز کند. این اقدام، جمهوری اسلامی را پیش از پیش از تجارت بین‌المللی که حکومت برای بقای خود به آن وابسته است، طرد خواهد کرد.

مارک دوبویتر مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و میعاد ملک رئیس پیشین دفتر هدف‌گذاری

وزیر خزانه‌داری آمریکا: اقدامات برای «طرد اقتصادی» جمهوری اسلامی ایران در حال به ثمر نشستن است



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا

پیامی در «ایکس» با به اشتراک گذاشتن مقاله‌ای از روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت: «به دستور من تیم‌هایی به سراسر جهان فرستاده شدند تا با دولت‌ها مذاکره کنند و خواستار اقدام علیه رژیم ایران شوند. این تلاش‌ها در حال به ثمر نشستن هستند.»

بسنت افزود، ترکیه و عمان از توقف پروازهای شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» به کشورهای خود خبر داده‌اند و امارات متحده عربی نیز تمامی پروازهای شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را متوقف کرده است. او در ادامه نوشت که بانک‌های تجاری بزرگ در ترکیه و امارات نیز انجام هرگونه تراکنش مالی با ایران را متوقف ساخته‌اند.

به گفته وزیر خزانه‌داری آمریکا، پیامدهای اقتصادی جنگ برای جمهوری اسلامی به حدی بوده که رهبرانش نیز به آن اذعان کرده‌اند و ارزش ریال به پایین‌ترین حد در تاریخ خود سقوط کرده است.

بسنت در پایان پیام خود از دولت‌های بریتانیا، ترکیه، عمان و امارات متحده عربی قدردانی کرد و افزود: «برای جلوگیری از پیشبرد دستور کار تروریستی تهران هنوز باید اقدامات بیشتری انجام شود.»

در مقاله «وال استریت ژورنال» که بسنت در شبکه ایکس به اشتراک گذاشته، آمده است که جان برک معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تأمین مالی تروریسم طی دو هفته به کشورهای مختلف در خاورمیانه و اروپا سفر کرده تا برای اجرای طرحی تلاش کند که بسنت آن را «D-Day اقتصادی» علیه حکومت ایران نامیده است.

طبق گزارش این روزنامه، وزارت خزانه‌داری آمریکا در همین ارتباط با دولت‌های از ۵۰ کشور گفتگو کرده است.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد از زمان آغاز عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی، ایالات متحده نمایندگانی را به سراسر جهان اعزام کرده تا دولت‌ها را تحت فشار قرار دهند که اقتصاد رژیم ایران را منزوی کنند. این مقام آمریکایی همچنین از محدودیت‌های جدید که شرکت‌های هواپیمایی و بانک‌های ایرانی را هدف قرار داده‌اند، استقبال کرد.

● وزیر خزانه‌داری آمریکا شنبه چهارم مهرماه ۱۴۰۵ در پیامی در «ایکس» با به اشتراک گذاشتن مقاله‌ای از روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت: «به دستور من تیم‌هایی به سراسر جهان فرستاده شدند تا با دولت‌ها مذاکره کنند و خواستار اقدام علیه رژیم ایران شوند. این تلاش‌ها در حال به ثمر نشستن هستند.»

● بسنت افزود، ترکیه و عمان از توقف پروازهای شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» به کشورهای خود خبر داده‌اند و امارات متحده عربی نیز تمامی پروازهای شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را متوقف کرده است. او در ادامه نوشت که بانک‌های تجاری بزرگ در ترکیه و امارات نیز انجام هرگونه تراکنش مالی با ایران را متوقف ساخته‌اند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، اعلام کرد از زمان آغاز عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی، ایالات متحده نمایندگانی را به سراسر جهان اعزام کرده تا دولت‌ها را تحت فشار قرار دهند که اقتصاد رژیم ایران را منزوی کنند. این مقام آمریکایی همچنین از محدودیت‌های جدید که شرکت‌های هواپیمایی و بانک‌های ایرانی را هدف قرار داده‌اند، استقبال کرد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا، شنبه چهارم مهرماه ۱۴۰۵ در

➔ بین‌المللی ممنوعه اعلام کرده است.

اکنون باید بخش حمل و نقل و لجستیک را نیز به این فهرست اضافه کند و هر شرکت حمل و نقل و باربری که در خشکی محموله‌های ایرانی را در جابجا می‌کند، در معرض خطر از دست دادن دسترسی به دلار قرار گیرد.

قانونی که در سال ۲۰۱۰ تصویب شده، از قبل اعمال تحریم علیه هر فرد یا شرکتی را که به ایران بنزین می‌فروشد یا در تحویل آن کمک می‌کند، الزامی کرده است. اگر این قانون علیه تمام پالایشگاه‌ها، معامله‌گران و شرکت‌های باربری که سوخت مورد نیاز دستگاه حمل و نقل ایران را جابجا می‌کنند، اجرا شود، کامیون‌های ایران متوقف خواهند شد.

واشنگتن همچنین می‌تواند بر کشورهای همسایه ایران برای قطع خدمات بانکی فشار وارد کند. در نتیجه فشار آمریکا، ترکیه مجوز فعالیت «بانک ملت» را لغو کرد و امارات متحده عربی نیز فعالیت «بانک ملی ایران» را ممنوع کرده است.

عراق نیز می‌تواند با تسویه میلیاردها دلاری که بابت واردات گاز و برق به ایران بدهکار است، به این تلاش برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران کمک کند؛ به اینصورت که بدهی‌ها را تنها با دارو و مواد غذایی، و نه پول نقد، تسویه نماید.

مجموع این اقدامات تأثیر عمیقی بر آنچه از نیروهای مسلح ایران باقی مانده خواهد داشت؛ نیروهایی که سال گذشته ۵۱ درصد از درآمد نفتی کشور را به خود اختصاص دادند.

در جاهایی هم که تحریم‌ها نمی‌توانند دسترسی داشته باشند، عملیات سایبری می‌تواند وارد عمل شود. سال گذشته هک‌هایی که گمان می‌رود اسرائیلی بوده‌اند، اطلاعات «بانک سپه» متعلق به نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران را هک کرده و ۹۰ میلیون دلار را در بزرگترین صرافی رمزارز ایران از بین بردند.

نیروهای سایبری آمریکا و اسرائیل باید ساز و کارهای بانکی و مؤسسات مالی مورد استفاده حکومت برای پرداخت حقوق نیروهای امنیتی خود را هدف قرار دهند. با توجه به تمام این عوامل، توافق آمریکا در شرایط کنونی همان شاه‌رگ حیاتی را در اختیار حاکمان ایران قرار خواهد داد که یک محاصره ترکیبی هوایی، زمینی و دریایی می‌تواند از دسترس آنها خارج کند. چنین توافقی احتمالی رفتار حکومت را تغییر نخواهد داد؛ همانطور که تجربه اخیر نشان می‌دهد: تنها هشت روز پس از امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» با ایالات متحده در ماه ژوئن، جمهوری اسلامی بار دیگر به کشتی‌ها حمله کرد.

نویسندگان این مقاله در ادامه می‌نویسند، در عوض، دولت ترامپ باید به شکل گفت یک خیزش مردمی جدید در داخل ایران کمک کند. حکومت آخرین اعتراضات مردم را در دی‌ماه با خشونت سرکوب کرد؛ همانگونه که طی بیش از ۱۵ سال گذشته نیز اعتراضات دوره‌ای را سرکوب کرده است؛ با هزینه‌ای که ۴۳ هزار کشته در پی داشته است.

اینبار اما باید متفاوت باشد. واشنگتن باید بر همین اساس آماده شود؛ با تأمین دسترسی به اینترنت، فراهم کردن منابع مالی برای اعتصاب کارگران و بازاریان، و هدف قرار دادن هر فرماندهی که به نیروهای خود دستور تیراندازی علیه معترضان می‌دهد.

در پایان این مقاله آمده، مرحله بعدی به خود ایرانیان مربوط می‌شود که نام آن را می‌توان «خشم مردم» (Peo's Fury) گذاشت. وظیفه آمریکا این است که اطمینان حاصل کند حکومت نمی‌تواند هزینه نیروهایی را که برای مقابله با موج فزاینده نارضایتی به میدان خواهد فرستاد، تأمین کند، به آنها سوخت برساند یا آنها را جابجا کند.

توافق با ملت ایران، راهکار مؤثر پایان تروریسم



بنابراین، بستن تنگه‌ی هرمز فقط تاکتیک میدان نبرد نبود، بلکه نوعی دعوت بود. دولتی که شریان نفت جهانی را گروگان می‌گیرد، آمریکا را دعوت می‌کند که کنترل آن شریان را بر عهده بگیرد. اگر آمریکا و شرکایش به محافظت و کنترل تنگه بپردازند، تنها تهران را مجازات نکرده‌اند، بلکه دست خودشان را بر شاهرگی گذاشته‌اند که چین نمی‌تواند نادیده‌اش بگیرد.

کارخانه‌ها، نفتکش‌ها و ذخایر راهبردی پکن هنوز قابلیت جایگزینی انرژی خلیج فارس را ندارند. حتی اگر چین از بسیاری کشورهای دیگر ذخایر بیشتری داشته باشد و در زمینه انرژی پاک و منابع تولید برق نیز تنوع بیشتری ایجاد کرده باشد، باز هم نمی‌تواند تنگه‌ی هرمز را نادیده بگیرد. چنگال پایدار آمریکا بر هرمز به‌تنهایی از بحران تایوان جلوگیری نمی‌کند، اما هزینه‌ی چنین بحرانی را بالا می‌برد؛ به‌گونه‌ای که چین نمی‌تواند سرسری جبهه‌ی دومی در تایوان بگشاید، در حالی که انرژی و مواد شیمیایی صنعتی‌اش از زیر دست آمریکا و از مسیر تنگه‌ی هرمز عبور می‌کند.

از این نظر، تلاش تهران برای ناامن کردن این آبراه، نزاع منطقه‌ای را به نزاع جنگ سرد بدل کرد. رقابت جنگ سرد، تروریسم و نفت دیگر پرونده‌های جدا نیستند، بلکه به جنگی با ستون فقرات نفتی تبدیل شده‌اند.

به همین دلیل است که نتیجه‌ی نیمه‌کاره‌ی جنگ خطرناک‌تر از تبعات ادامه و سختی‌های ناشی از آن است. دلایل متفاوتی را نیز می‌توان بیان کرد: نخست، اورانیوم غنی‌شده از ایران خارج نشده است. ماده‌ای که تا نزدیکی درجه‌ی تسلیحاتی پیش رفته، اگر رژیم بتواند آن را بیشتر غنی کند و مواد ذخیره‌شده را از تأسیسات زیرزمینی خارج کند، می‌تواند زمینه‌ی ساخت بمب را فراهم آورد.

برآورد ظرفیت بالقوه‌ای در حدود یازده سلاح اتمی صرفاً یک شعار نیست؛ بلکه محاسبه‌ای بر مبنای ذخایری است که بازرسان دیگر کاملاً بر آنها اشراف ندارند.

دوم، مسئله‌ی حل‌نشده‌ی سانتر فیزیوهای زیرزمینی و این سوءظن است که سانترفیزوها یا تجهیزات مرتبط ممکن است در مجموعه‌های کوهستانی مانند کوه کلنگ و

صنعتی همچنان نیز بر آن استوار است.

پس از ۱۱ سپتامبر، مقابله با «تروریسم» به فهرست دلایل جنگی آمریکا پیوست. این سه انگیزه بندرت در یک جنگ با هم ظاهر شده‌اند؛ رویارویی با جمهوری اسلامی در ایران همان مورد نادری است که هر سه مورد را در برمی‌گیرد.

موضوع ویتنام صرفاً درباره‌ی روستاهای ویتنام نبود، بلکه مهار بلوک کمونیستی بود که واشنگتن باور داشت اگر متوقف نشود، به پیشروی خود ادامه خواهد داد. جنگ اول خلیج فارس فقط درباره‌ی حاکمیت ملی کویت نبود؛ تصمیمی بود برای اینکه صدام حسین اجازه نداشته باشد کنترل ذخایر انرژی جهان را در دست بگیرد. جنگ‌های دوران بوش دلیل تازه‌ای افزودند: این ادعا که شبکه‌ها، ایدئولوژی‌ها و حامیان دولتی ترور را نمی‌توان همچون مسائل دیپلماتیک عادی مدیریت کرد.

می‌توان درباره‌ی نحوه‌ی اجرا، هزینه‌ها و دلایل این جنگ‌ها بحث کرد. الگوی انگیزشی اما روشن‌تر از شعار تبلیغاتی‌های ضدآمریکایی است که می‌گویند آمریکا همه‌جایی دلیل می‌جنگد.

کارزار علیه جمهوری اسلامی هر سه دلیل را یک‌جا گرد می‌آورد. رقابت جنگ سرد احیاء شده‌ی قدرت‌های بزرگ، که می‌توان آن را «جنگ سرد دوم» نامید، از روابط تهران با روسیه و چین می‌گذرد؛ از نقشش بعنوان اخلاک‌گر و از سودمندی‌اش برای هر ائتلافی که بخواهد آمریکا را دچار خونریزی کند.

دلیل امنیت انرژی نیز در جنگ کنونی آشکار است: خلیج فارس همچنان مخزن راهبردی است و تنگه‌ی هرمز درباریکی است که بخش بزرگی از نفت دریایی هنوز باید از آن بگذرد. تروریسم در این مورد شعار نیست، بلکه یک روش است؛ نیابتی‌ها، شبه‌نظامیان، حملات پهلپادی و راکتی، قرار داشتن در آستانه‌ی هسته‌ای شدن، و آمیختن ایدئولوژی با تروریسم، از جمله مواد مخدر و بازار سیاه انرژی، همه از مصادیق تروریسم دولتی رژیم هستند.

وقتی این سه دلیل به هم می‌رسند، درگیری دیگر حاشیه‌ای نیست؛ به جنگی تبدیل می‌شود که نظام را تعریف می‌کند.

● لشکرکشی‌های آمریکا به‌عنوان قدرت خیر بطور معمول به دو دلیل بوده‌اند: رقابت جنگ سرد و تلاش برای ایجاد امنیت در مسیر انرژی بین‌المللی، که اساس حفظ تمدن‌ها بوده است. تنها در دوران جورج دبلیو بوش بود که منطق سومی اضافه شد: جنگ با تروریسم.

● تنگه‌ی هرمز صرفاً یک آبراه منطقه‌ای نیست؛ بلکه شاهرگی برای اقتصاد جهانی و بویژه تأمین انرژی آسیاست. هرگونه کنترل پایدار آمریکا بر این مسیر می‌تواند علاوه بر تهران، بر محاسبات راهبردی چین نیز تأثیر بگذارد.

● برنامه‌ی هسته‌ای ایران از دیگر محورهای اصلی این بحران است. باقی ماندن ذخایر غنی‌شده، تجهیزات زیرزمینی و ظرفیت بازسازی تأسیسات می‌تواند هر توافق یا آتش‌بس ناتمام را به فرصتی برای احیای برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی تبدیل کند.

● یکی از خطرهای ادامه‌ی وضعیت موجود، افزایش انگیزه‌ی دیگر کشورهای منطقه برای دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای است؛ زیرا موفقیت جمهوری اسلامی در عبور از آستانه‌ی هسته‌ای می‌تواند محاسبات امنیتی دولت‌های دیگر را نیز تغییر دهد.

● سیاست خرید زمان، مذاکرات فرسایشی و اتکا به واسطه‌های منطقه‌ای تاکنون نتوانسته‌اند به راه‌حلی پایدار منتهی شوند و وقفه‌های دیپلماتیک می‌تواند فرصتی برای کاهش فشار و بازسازی ظرفیت‌های جمهوری اسلامی فراهم کنند.

فرد صابری - لشکرکشی‌های آمریکا به‌عنوان قدرت خیر بطور معمول به دو دلیل بوده‌اند: رقابت جنگ سرد و تلاش برای ایجاد امنیت در مسیر انرژی بین‌المللی، که اساس حفظ تمدن‌ها بوده است. تنها در دوران جورج دبلیو بوش بود که منطق سومی اضافه شد: جنگ با تروریسم.

دو نمونه‌ی بارز ورود ایالات متحده به این جنگ‌ها وجود دارد: از جنگ سرد ویتنام در شالیزارها و جنگ‌ها تا جنگ اول خلیج فارس که برای امنیت انرژی بود. تصرف کویت توسط صدام حسین، معماری نفتی را تهدید می‌کرد که تمدن

آسمان ایران در حال بسته شدن است؟



مسیر تهران-مسقط نیز از ۱۷ سپتامبر لغو شده. خود شرکت می‌گوید این تصمیم‌ها بر اساس اعلام مراجع هوانوردی کشورهای مقصد اتخاذ شده. اما ظاهراً ماجرای بزرگتری در راه است!

فرید خلیفی - آخرین پروازهای ماهان میان ایران و ترکیه یکشنبه ۲۰ سپتامبر انجام شد و پروازهای این شرکت به استانبول و آنکارا تا اطلاع ثانوی متوقف خواهد شد.

➡ دیگر برنامه‌های هسته‌ای که زیر زمین و سنگ پنهان می‌شود، برنامه‌ای است که امکان احیای دوباره دارد. سوم اینکه، جمهوری اسلامی یک دولت عادی نیست که پس از آتش‌بس روش‌های مخربش را رها کند. اهرم هسته‌ای، جنگ نیابتی، باج‌گیری انرژی، بازارهای سیاه و کشتن ده‌ها هزار ایرانی داستان‌های پلیسی نیستند؛ بلکه کارتهای بازی رژیم برای حفظ و پیشبرد اهدافش هستند. اگر دولت ترامپ در واشنگتن دچار اشتباه محاسباتی شود و زمان بیشتری از دست بدهد، رژیم تهران از این مکث برای بازسازی تمام موارد یادشده استفاده خواهد کرد. رئیس‌جمهور ترامپ «توافق خوب» را به اقدام نظامی ترجیح می‌دهد. این ترجیح اما نتایج مخرب کار ناتمام جنگ را از بین نمی‌برد. اگر ملاها بیست ماه دیگر دوام بیاورند، دیگر منتظر اجازه‌ی آمریکا برای عبور از آستانه‌ی هسته‌ای نخواهند ماند. آنها بقای خود را چون پیروزی در جنگ قلمداد کرده و با ساخت بمب اتمی، یا حتی با جهشی بزرگ بسوی ساخت آن، می‌توانند دوباره تنگه‌ی هرمز را گروگان بگیرند و قیمت انرژی را چند برابر کنند. سلاح هسته‌ای در دست یک حکومت اسلام‌گرای انقلابی، تابویی را نیز در هم می‌شکند که می‌تواند اشاعه‌ی سلاح هسته‌ای در میان کشورهای مسلمان، با الگوبرداری از پاکستان، را عادی‌تر کند.

پایتخت‌های کشورهای مسلمان درس را فوری یاد می‌گیرند: بمب تنها زبانی است که هژمونی آمریکا و، به روایت آنان، قدرت اسرائیل را متوقف می‌کند. نوعی تقیه که سال‌هاست دنبال می‌کنند: بگذارید جمهوری اسلامی اول بمب را بسازد؛ ما پشت سرش می‌سازیم. به همین دلیل بود که اعتماد به پاکستان، ترکیه یا قطر یک اشتباه استراتژیک بود؛ و دقیقاً به همین دلیل «یادداشت تفاهم» به سبک جی‌دی ونس با تحقیر علنی وی فرو ریخت. واسطه‌هایی با استانداردهای دوگانه نمی‌توانند رژیم را مدیریت کنند که با روش‌های تأخیر، خرید زمان، انکار و بازسازی عمل می‌کنند.

ترامپ تجربه‌ی شخصی نیز در این زمینه دارد. در دوره‌ی نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، پیام تهران این بود: در انتخابات دوره‌ی دوم پیروز شو، آنگاه توافق می‌کنیم. اما ترامپ برنده نشد و آخوندها معامله نکردند؛ فقط وقت را تلف کردند. حال نیز بازی همان است: انتخابات میان‌دوره‌ای را برنده شو، آنگاه معامله می‌کنیم.

هیچ‌کس نتیجه‌ی انتخابات میان‌دوره‌ای را نمی‌داند، ولی نیت رژیم ایران مشخص است. با امید به خرید زمان و کسب مشروعیت، تحریم را دور می‌زند و به کشتار مردم ادامه می‌دهد، اما برنامه‌ی هسته‌ای دست‌نخورده باقی می‌ماند و می‌خواهد در صورت توقف جنگ از سوی واشنگتن، با دمیدن در سرنا از سمت گشاد آن، مانند همیشه خود را پیروز و آمریکا را تسلیم‌شده بخواند؛ و همین عامل موجب سرکوب شدیدتر مردم نیز می‌شود.

با این همه، غرب باید از ادامه‌ی پیمودن مسیرهای شکست‌خورده اجتناب ورزد و برای حل مشکل به قدرت مردم ایران رجوع کند. هیچ راهی بسوی یک خاورمیانه‌ی پایدار وجود ندارد، مگر توافق با خواست مردم ایران که امروز متشکل و یک‌صدا به رهبری شاهزاده رضا پهلوی بعنوان یگانة آلترناتیو دموکراتیک، بزرگ‌ترین نیروی بالفعل در مقابل تروریسم جمهوری اسلامی است. چهل‌وهفت سال است که رویکرد نادیده گرفتن ملت ایران شکست خورده است و عدم تغییر این ذهنیت از سوی غربی‌ها، هزینه‌های مالی آنها را در مقابله با تروریسم پیوسته چند برابر و خسارت‌های جانی مردم ایران را نیز بیشتر خواهد کرد.

آسیب شناسی پنج دهه مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در گفتگو با پژمان گلچین



پژمان گلچین - پژوهشگر فلسفه

آفسان قاسم پور

آسیب‌شناسی پنج دهه مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی

مسیر تکرار شده پرداخته و به این پرسش پاسخ داده که «چرا بعد از نزدیک به پنج دهه مبارزه، جمهوری اسلامی هنوز سر پاست؟»

پژمان گلچین، پژوهشگر فلسفه، در گفتگو با «کیهان لندن» این پرسش به آسیب‌شناسی پنج دهه مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، و خطاهایی که بارها در این

عبور از «فتوای حرام» زیر پوشش «بازدارندگی هسته‌ای»



بازدید علی خامنه‌ای از ماشین‌های سانتریفیوژ / خرداد ۱۴۰۲

موانع سیاسی و مذهبی در برابر تسلیحاتی شدن را برداشت. در این فضا، کارتهای بازدارندگی رژیم ایران از موشک‌های بالستیک و پهپادها تا مزدوران نیابتی مانند حزب‌الله نتوانسته از حملات مستقیم به جمهوری اسلامی جلوگیری کند. بقایای رژیم این شکست را دلیلی برای تغییر دکترین بقا دانسته و می‌گویند جمهوری اسلامی «هزینه کافی» پرداخت کرده و اکنون باید پروژه‌ی بازدارندگی هسته‌ای (ساخت مپ اتمی) را تکمیل کند.

اظهارات حامیان رژیم و رسانه‌های وابسته به سپاه
رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند «فارس» و «تسنیم» مقالاتی منتشر کردند که فقط در انتظار حلال‌شدن یک‌شبه‌ی فتوای علی خامنه‌ای بود. در یکی از مقالات «فارس» با عنوان «چاره‌ای جز ساخت مپ اتم نیست» آمده که جمهوری اسلامی برای دستیابی به صلح و آرامش باید بازدارندگی هسته‌ای کسب کند تا بتواند از موضع قدرت مذاکره کند. مقاله وضعیت رژیم ایران را با چین دهی ۱۹۷۰ مقایسه کرده: آمریکا دو بار چین را به حمله‌ی هسته‌ای تهدید کرد اما هزری کیسینجر تنها پس از ساخت مپ اتم توسط چین به پکن رفت.

محتوای کلی این مقاله بعداً از وبسایت «فارس» حذف شد و آژانس انرژی اتمی در ایران اعلام کرد که نظر یک کاربر خصوصی بوده اما اصل پیام در فضای رسانه‌ای باقی ماند. محمدجواد لاریجانی خواستار تعلیق عضویت در NPT شد و گفت باید کمیته‌ای تشکیل شود تا ببیند این معاهده به درد ایران می‌خورد یا نه.

ناصر ترابی از تحلیلگران جمهوری اسلامی نیز در تلویزیون دولتی ادعا کرد که مردم می‌خواهند «اقدام کنیم تا سلاح هسته‌ای بسازیم. یا خودمان بسازیم یا تهیه کنیم».

همچنین احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی اعلام کرد، زمان ساخت مپ فرا رسیده چون نظام بهای آن را پرداخته است. ۷۱ نماینده

انقلاب اسلامی، اظهارات نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تحلیلگران مدافع بقای نظام، روزانه مطرح می‌گردد.

زمینه‌ی تاریخی: فتوا، استراتژی آستانه‌ی هسته‌ای (هدجینگ)
وال استریت ژورنال می‌نویسد، اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ علی خامنه‌ای فتوایی صادر کرد که ساخت و استفاده از سلاح کشتار جمعی را «حرام» می‌دانست. این فتوا هرگز به صورت مکتوب منتشر نشد اما، بارها تکرار گردید و مبنای سیاست رسمی رژیم تهران قرار گرفت.

جمهوری اسلامی پس از افشای برنامه‌ی مخفی «آماد» در سال ۲۰۰۳، کار تسلیحاتی سازمانیافته را متوقف کرد و به استراتژی «آستانه هسته‌ای» یا هدجینگ روی آورد که در آن غنی‌سازی اورانیوم تا سطح نزدیک به تسلیحاتی، حفظ دانش فنی و زیرساخت‌ها بدون عبور از خط قرمز ساخت سلاح، کاملاً حفظ می‌شد.

هدف از این سیاست، ایجاد «بازدارندگی» بدون تحمل هزینه‌های کامل یک قدرت هسته‌ای بود. رژیم تهران بارها اعلام کرده برنامه‌ی هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و عضویت در معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را حفظ خواهد کرد.

با این حال، غنی‌سازی تا ۶۰ درصد، پنهانکاری در برابر بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تحقیقات مرتبط با سلاح، تردیدهای غرب را افزایش داد. این در حالیست که خود علی خامنه‌ای استدلال می‌کرد که سلاح هسته‌ای حتی اتحاد جماهیر شوروی را نجات نداد و مجاهدین افغان بدون آن شوروی را شکست دادند.

جنگ، کشته‌شدن خامنه‌ای و تغییر موازنه‌ی قدرت
به نوشته‌ی وال استریت ژورنال، جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ و حملات بعدی آمریکا و اسرائیل در اوایل ۲۰۲۶، تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار داد. کشته‌شدن خامنه‌ای در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ در آغاز درگیری‌ها، یکی از مهم‌ترین

● وال استریت ژورنال در گزارشی به علنی شدن بحث بر سر ساخت مپ اتمی در داخل حکومت ایران و استدلال نحیفی پرداخته که جمهوری اسلامی سال‌ها بر اساس فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن سلاح‌های کشتار جمعی، به مجامع جهانی به ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک تعهد شرعی تحویل می‌داد.

● کارتهای بازدارندگی رژیم ایران از موشک‌های بالستیک و پهپادها تا مزدوران نیابتی مانند حزب‌الله نتوانست از حملات مستقیم به جمهوری اسلامی جلوگیری کند. بقایای رژیم این شکست را دلیلی برای تغییر دکترین بقا دانسته و می‌گویند جمهوری اسلامی «هزینه کافی» پرداخت کرده و اکنون باید پروژه‌ی بازدارندگی هسته‌ای (ساخت مپ اتمی) را تکمیل کند.

● استدلال حامیان جمهوری اسلامی این است که بازدارندگی هسته‌ای جنگ را منتفی نمی‌کند اما دامنه‌ی آن را قابل کنترل کرده و گزینه‌ی «اشغال» ایران، و درواقع سقوط نظام، را از روی میز برمی‌دارد.

● کارت هسته‌ای جمهوری اسلامی از حالت حرام پنهان به حلال علنی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای اتفاقات اخیر است. اینکه این بحث به تصمیم عملی تبدیل شود یا صرفاً ابزاری برای تهدید و باج‌گیری باقی بماند، به محاسبات، توان بازسازی برنامه و واکنش قدرت‌های خارجی بستگی دارد. آنچه مسلم است، موضوع ساخت مپ هسته‌ای از «فتوای حرام» عبور کرده است.

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد که نه برنامه هسته‌ای را کنار می‌گذارند و نه سلاح هسته‌ای می‌سازند. ولی معلوم نیست چرا مرتب تهدید خروج از «ان پی تی» را مطرح می‌کنند تا در پوشش «بازدارندگی هسته‌ای» به سلاح اتمی دست پیدا کنند!

مسعود پزشکیان رئیس چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی در هشاد و یکمین مجمع سازمان ملل متحد (۲۲ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۶) اعلام کرد که رژیم ایران نه برنامه‌ی هسته‌ای خود را کنار می‌گذارد و نه سلاح هسته‌ای می‌سازد و این تکرار همان حرف همیشگی تهران است. با این حال، در داخل حکومت، بحث فزاینده‌ای در جریان است که باید از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) خارج شد و سراغ ساخت سلاح اتمی با هدف بازدارندگی هسته‌ای رفت!

بخش‌های بزرگی از برنامه هسته‌ای رژیم ایران پس از حملات سال گذشته آمریکا و اسرائیل به شدت آسیب دیده است. پیش از این حملات، کارشناسان و مقامات معتقد بودند که جمهوری اسلامی با توجه به در اختیار داشتن اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا، دانش فنی و سایر امکانات مورد نیاز، می‌تواند ظرف چند ماه به سلاح هسته‌ای دست یابد.

روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی با عنوان «در ایران، بحث بر سر ساخت مپ هسته‌ای علنی شده» به این تحول مهم در گفتمان داخلی جمهوری اسلامی پرداخته است. استدلال نحیفی که جمهوری اسلامی سال‌ها بر اساس فتوای علی خامنه‌ای رهبر کشته‌شده‌ی نظام مبنی بر حرام بودن سلاح‌های کشتار جمعی، به مجامع جهانی به ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک تعهد شرعی تحویل می‌داد. دستیابی به سلاح هسته‌ای، اکنون بعد از علی خامنه‌ای زیر نظر رهبری شورایی جمهوری اسلامی (شعاع) به صورت علنی در رسانه‌های حکومتی وابسته به سپاه پاسداران

در پی اصابت موشک کروز جمهوری اسلامی ایران به یک کشتی در تنگه هرمز، هشت تفنگدار دریایی آمریکا مجروح شدند. این حمله روز ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور) رخ داد و پنتاگون تا زمان انتشار این گزارش حتی وقوع آن را اعلام نکرد.

به گفته مقامات آمریکایی، این تفنگداران هنگام حمله در حال انجام عملیات روی کشتی بودند. جراحات آنها جدی نبود، اما دود استنشاق کردند و احتمالاً دچار آسیب ناشی از ضربه نیز شدند. با این حال، مدت کوتاهی پس از حمله به خدمت بازگشتند.

مقامات آمریکایی از اعلام نوع کشتی خودداری کردند و آن را تنها «شناور دریایی» توصیف کردند.

پنتاگون ۲۳ شهریور از هیچ حمله‌ای به نیروهای آمریکایی در منطقه خبر نداد. این حمله و جزئیات جراحات تفنگداران دریایی نیز پیشتر گزارش نشده بود.

روزنامه واشنگتن‌پست پیش از این گزارش داده بود، پنتاگون بی‌سروصدا ۳۷ نفر را به آمار نیروهای آمریکایی زخمی‌شده در درگیری با جمهوری اسلامی اضافه کرده است. بر اساس این گزارش، این افراد شامل ۲۹ ملوان نیروی دریایی

مجروح شدن هشت تفنگدار دریایی آمریکا در پی اصابت موشک جمهوری اسلامی؛ ان‌بی‌سی: پنتاگون حتی وقوع حمله را اعلام نکرد!



عرشه ناو «آبراهام لینکلن»

و هشت تفنگدار دریایی آمریکا می‌شوند. واشنگتن‌پست اعلام کرد که این تغییر آمار را در «سامانه تحلیل تلفات دفاعی» (DCAS) پنتاگون مشاهده کرده است.

برآورد پنتاگون از هزینه ۴۳/۶ میلیارد دلاری جنگ؛ چند نظامی آمریکایی کشته شدند؟

این سامانه اما اطلاعات اولیه درباره هشت تفنگدار دریایی، از جمله محل، زمان و چگونگی زخمی شدن آنها را ارائه نمی‌کند.

بیش از ۵۰ هزار نیروی نظامی آمریکا در حوزه عملیاتی فرماندهی مرکزی این کشور (سنتکام) مستقرند. این نیروها شامل دو گروه ضربت ناو هواپیمابر «یواس جرج واشنگتن» و «یواس جرج ایچ. دبلیو. بوش» می‌شوند.

آمریکا همچنان به اجرای محاصره دریایی علیه جمهوری اسلامی ایران و کمک به عبور امن کشتی‌ها از مسیرهای کشتیرانی تنگه هرمز ادامه می‌دهد.

● به گزارش ان‌بی‌سی نیوز به نقل از سه مقام آمریکایی، در پی اصابت موشک کروز جمهوری اسلامی ایران به یک کشتی در تنگه هرمز، هشت تفنگدار دریایی آمریکا مجروح شدند. این حمله ۲۳ شهریورماه ۱۴۰۵ رخ داد و پنتاگون تا زمان انتشار گزارش حتی وقوع آن را اعلام نکرد.

● به گفته مقامات آمریکایی، این تفنگداران هنگام حمله در حال انجام عملیات روی کشتی بودند. جراحات آنها جدی نبود، اما دود استنشاق کردند و احتمالاً دچار آسیب ناشی از ضربه نیز شدند. با این حال، مدت کوتاهی پس از حمله به خدمت بازگشتند.

● مقامات آمریکایی از اعلام نوع کشتی خودداری کردند و آن را تنها «شناور دریایی» توصیف کردند.

به گزارش ان‌بی‌سی نیوز به نقل از سه مقام آمریکایی،

➔ مجلس اسلامی در سپتامبر ۲۰۲۵ خواستار تغییر دکترین دفاعی شدند و محسن رضایی دبیر کنونی شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی نیز گزینه‌ی خروج از NPT را مطرح کرده است. استدلال حامیان جمهوری اسلامی این است که بازدارندگی هسته‌ای جنگ را منتفی نمی‌کند اما دامنه‌ی آن را قابل کنترل کرده و گزینه‌ی «اشغال» ایران، و درواقع سقوط نظام، را از روی میز برمی‌دارد.

موضع دولت و رهبر غایب: نمی‌خواهیم ولی می‌خواهیم!

رئیس دولت چهاردهم رژیم ایران، مسعود پزشکیان، بارها تکرار کرده جمهوری اسلامی به دنبال سلاح هسته‌ای نیست ولی از حق غنی‌سازی اورانیوم کوتاه نمی‌آید. عباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز پس از مرگ خامنه‌ای با تکرار همین مواضع اشاره کرده است که مخالفت جمهوری اسلامی با ساخت سلاح هسته‌ای بعید است تغییر کند اما برنامه‌ی هسته‌ای تعطیل نخواهد شد.

رهبر نامرئی حکومت، مجتبی خامنه‌ای، طبق ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا بیش از پدرش تمایل به پیگیری سلاح هسته‌ای دارد. هرچند هنوز تصمیم رسمی اعلام نشده است. با وجود این، بعضی از رسانه‌های غربی افرادی مانند مسعود پزشکیان و عباس عراقچی یا محمدباقر قالیباف و حتی محمدجواد ظریف را با عنوان مخالفان تسلیحات اتمی به عنوان «میان‌رو» نشان می‌دهند.

وضعیت فنی و ارزیابی‌های بین‌المللی

جمهوری اسلامی پیش از جنگ ذخیره‌ای از اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد داشت که طبق معیار آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای برای ساخت چندین سلاح (ده تا یازده کلاهک اتمی) کافی بود. بخشی از این ذخیره پس از حملات اسرائیل و آمریکا زیر آوار مدفون شد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده برنامه‌ی سازمانیافته‌ی ساخت سلاح در حال حاضر مشاهده نمی‌شود اما رژیم ایران فعالیت‌هایی انجام داده که در صورت اتخاذ تصمیم سیاسی، به راه انداختن چرخه‌ی هسته‌ای را تسهیل می‌کند.

ساخت یک سلاح ابتدایی ممکن است چند ماه طول بکشد و تبدیل آن به کلاهک قابل نصب روی موشک زمان بیشتری نیاز دارد. تأسیسات زیرزمینی و سانتریفیوژهای پیشرفته هنوز ظرفیت غنی‌سازی را حفظ کرده‌اند.

ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد تحقیقات متالورژی، مدل‌سازی رایانه‌ای و مواد منفجره مرتبط با تسلیحات ادامه داشته است. پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی گشوده‌شدن بحث دست یافتن به سلاح اتمی بطور علنی و زیر پوشش «بازدارندگی»، نگرانی غرب را افزایش داده است.

اگر جمهوری اسلامی از NPT خارج شود و به سمت داشتن سلاح اتمی حرکت کند، احتمال حملات پیشگیرانه‌ی تازه بالا می‌رود. از سوی دیگر، برخی تحلیلگران معتقدند عدم قطعیت در مورد هزینه‌ها و فایده‌های تسلیحاتی شدن هنوز اهرم فشار دیپلماتیک را در دست آمریکا باقی گذاشته است. در حال حاضر دوباره دور دیگری از مذاکرات غیرمستقیم میان واشنگتن و رژیم تهران آغاز شده اما سطح اعتماد در آن بسیار پایین و ناامیدکننده است.

با این حال، کارت هسته‌ای جمهوری اسلامی از حالت حرام پنهان به حلال علنی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای اتفاقات اخیر است. اینکه این بحث به تصمیم عملی تبدیل شود یا صرفاً ابزاری برای تهدید و باج‌گیری باقی بماند، به محاسبات، توان بازسازی برنامه و واکنش قدرت‌های خارجی بستگی دارد. آنچه مسلم است، موضوع ساخت بمب هسته‌ای از «فتوای حرام» عبور کرده است.

گزارش میدانی؛ تاوقتی جمهوری اسلامی پابرجاست، قانون حجاب هم خواهد بود

● یک معمار ساکن تهران: «امروز ریختند در شرکت‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط به شهرداری تهران، از خانم‌ها تعهد حجاب گرفتند. در شرکت محل کارم چند نفر از همکارانم را خواستند و از آنها تعهد کتبی گرفتند برای نداشتن ناخن و آرایش و داشتن حجاب اسلامی، از دیروز ۲۴- شهریور- دارند برای حجاب دوباره گیر می‌دهند. دارند به همه شرکت‌ها و دفاتر می‌روند و از خانم‌های کارمند تعهد کتبی می‌گیرند.»

● عکاس اهل شیراز: «استراتژی این‌ها این است که با حضور مداوم و گسترده نیروها و وابستگان‌شان در خیابان‌ها، اماکن و مراکزی که در گذشته کانون شکل‌گیری اعتراض‌ها و تجمع مردم بوده، اصولاً نگذارند که در این مراکز، تجمعی شکل بگیرد که بعد نیازی به برخورد و سرکوب باشد، در واقع، عملاً شهرها را دارند به صورت شبه حکومت نظامی اداره می‌کنند، البته حکومت نظامی نه به عنوان منع رفت و آمد، اما هر جایی که تجمعات شبانه هست؛ چندین نیروی عملیاتی ضد شورش و بسیج و امنیتی هم با ماشین‌ها و ادوات عملیاتی‌شان هم مستقر است!»

● شهروند ساکن کرج: «موضوع حجاب، دیگر راه عقب‌گرد ندارد. کمی ممکن است مقاومت بکنند یا تلاش کنند حداقل نشان بدهند به اوضاع مسلط هستند ولی وضعیت دیگر به اوضاع سابق برمی‌گردد، البته تا وقتی قانون حجاب هست این قبیل فشارهای روانی بر زنان هم برقرار است. الان حجاب اجباری لغو نشده که، فقط مقاومت زن‌هاست که حاکمیت را فعلاً وادار به عقب‌نشینی کرده ولی تا وقتی جمهوری اسلامی پابرجاست، قانون حجاب هم هست و این قانون فقط با رفتن جمهوری اسلامی تغییر می‌کند.»

فیروزه نوردستروم- چهار سال پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد در تهران و شکل‌گیری جنبش «مهسا» با شعار «زن زندگی، آزادی» تقابل بر سر حجاب اجباری، همچنان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مناقشه میان حکومت و بخش بزرگی از جامعه ایران است. با وجود اینکه قوانین پوشش اسلامی در ساختار رسمی تغییر نکرده است اما شمار فزاینده‌ای از زنان، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، بدون حجاب اجباری در خیابان‌ها، کافه‌ها، مراکز خرید و حتی برخی رویدادهای اجتماعی و مسابقات ورزشی ظاهر می‌شوند. با این وجود، مقامات و نهادهای دولتی همچنان بر اجرای قوانین حجاب اجباری تأکید دارند.

برخی گزارش‌های منتشرشده در شهریورماه از تلاش برای تشدید نظارت بازگرداندن گروه‌های تذکر و ناظر به مراکز تجاری، خدماتی و اداری در شهریور ۱۴۰۵ حکایت دارد.

همچنین در روزهای گذشته سازمان بسیج دانش‌آموزی که زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند، کارزاری با عنوان «یاوران ولایت» به اجرا گذاشته است. هدف از اجرای این طرح تربیت دهه‌ها هزار «فرمانده دانش‌آموزی» برای پیشبرد «نبرد فرهنگی» اعلام شده است. در همین ارتباط ابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، با حضور در یک نشست خبری اعلام کرد که یکی برنامه‌های پلیس راهور تهران بزرگ در آستانه بازگشایی مدارس، حضور نیروهای پلیس زن در مقابل مدارس دخترانه است. چندی پیش هم قوه قضاییه علیه برگزارکنندگان دو ماراژن در بوستان «ولایت» اعلام جرم کرد. حضور زنان بدون حجاب اجباری در مسابقه دوی ۱۰ کیلومتر تهران موجی از واکنش‌ها و برخوردهای قضایی را از سوی مقامات و



فشار و حذف خدمات اجتماعی، زنان و دختران را دوباره مجبور به رعایت حجاب اجباری کنند؟» می‌گوید: «به نظم شروع به فشار آوردن می‌کنند. نمی‌دانم مثل روزهای اول انقلاب ۵۷ خواهد شد یا نه اما فراموش نکنید که در تمام کشور، مأموران آنها چندین ماه است که در خیابان‌ها هستند و نیازی نیست که مثل گذشته نیروی انتظامی و بسیج را بیاورند. کافی است همین‌ها شروع کنند به مردم گیر بدهند و مردم را اذیت کنند. استراتژی این‌ها این است که با حضور مداوم و گسترده نیروها و وابستگان‌شان در خیابان‌ها، اماکن و مراکزی که در گذشته کانون شکل‌گیری اعتراض‌ها و تجمع مردم بوده، اصولاً نگذارند که در این مراکز، تجمعی شکل بگیرد که بعد نیازی به برخورد و سرکوب باشد. در واقع، عملاً شهرها را دارند به صورت شبه حکومت نظامی اداره می‌کنند. البته حکومت نظامی نه به عنوان منع رفت و آمد، اما هر جایی که تجمعات شبانه هست، چندین نیروی عملیاتی ضد شورش و بسیج و امنیتی هم با ماشین‌ها و ادوات عملیاتی‌شان هم مستقر است!»

یک کارمند میانسال شاغل در یک بنگاه معاملات املاک در شهر «پردیس» در شرق تهران هم درباره احتمال فشار و حذف خدمات اجتماعی زنان و دختران برای تحمیل حجاب اجباری با اطمینان می‌گوید: «می‌توانند. چیزی که در نسل امروز می‌بینم اصلاً راه نمی‌دهند کسی به آنها زور بگوید. نسل زد بچه‌های خیلی متفاوتی هستند. حکومت دوست دارد اینجا را به کره شمالی تبدیل کند اما نمی‌تواند. بولد کردن گیر حجاب در ذهن مردم ترس بیشتر ایجاد می‌کند. نسل جدید خیلی با ماها فرق دارند. خیلی بیشتر از آنچه که ما با گذشتگانمان داشتیم.»

او اضافه می‌کند: «در حال حاضر اغلب مردم نه تلویزیون می‌بینند و نه به سینما می‌روند. سینمای پردیس با ۳ سالن در محله ماست. خیلی وقت‌ها جمعیتش به حد نصاب پخش فیلم نمی‌رسد، بسیجی‌های مساجد و مهد قرآن را سه‌شنبه‌ها، گله‌ای به این سینما می‌فرستند که ارزان‌تر است.»

او در پایان با لبخند می‌گوید: «همه چشم به راه ←

نهادهای حکومتی در پی داشت. اما این فشارها تنها متوجه زنان نیست گزارش‌های بسیاری از از پلمپ و تعطیلی کسب‌وکارهای خصوصی از جمله کافه‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، باشگاه‌های ورزشی و دیگر واحدهای تجاری به دلیل پوشش اختیاری مشتریان یا کارکنان، خبر می‌دهند. این اقدامات دامنه فشارهای مربوط به حجاب اجباری را از دایره فردی به حوزه معیشت عمومی و بخش خصوصی گسترش داده است.

یک خانم معمار شاغل در یک شرکت مهندسی نیمه دولتی در تماس با «کیهان لندن» خبر داده که مأموران حراست با مراجعه به ادارات و شرکت‌ها و وزارتخانه‌ها و گرفتن تعهد کتبی برای حفظ حجاب اسلامی و تهدید به اخراج از کار در صدد بازگشت به سال‌های آغازین انقلاب ۵۷ هستند.

او در ادامه توضیح داده است: «امروز ریختند در شرکت‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط به شهرداری تهران از خانم‌ها تعهد حجاب گرفتند. در شرکت محل کارم چند نفر از همکارانم را خواستند و از آنها تعهد کتبی گرفتند برای نداشتن ناخن و آرایش و داشتن حجاب اسلامی. از دیروز ۲۴- شهریور- دارند برای حجاب دوباره گیر می‌دهند و به همه شرکت‌ها و دفاتر می‌روند و از خانم‌های کارمند تعهد کتبی می‌گیرند. البته میزان مقاومت خانم‌ها نیز بسیار بالاست.»

یک عکاس جوان ساکن شیراز نیز به «کیهان لندن» می‌گوید: «در شیراز من خودم ندیدم به کسی گیر بدهند اما من هم شنیده‌ام در برخی شهرها مثل اصفهان و مشهد و حتی تهران دارند شروع می‌کنند؛ تذکر می‌دهند یا حتی مانع ورود خانم‌های بدون حجاب به ادارات می‌شوند. البته به صورت کلی در خیابان، خیلی جاها ماشین‌های زره‌پوش را می‌توان دید.»

این شهروند اهل شیراز معتقد است: «اگر بخواهید یک مقایسه کنید به جز تهران زنان و دختران در کدام یک از شهرها از نظر آزادی پوشش، زنان و دختران، جرات و جسارت بیشتری داشتند و دارند جلوی متحجرهای مذهبی سینه سپر می‌کنند؟ من معتقدم شهرهای شمالی و شیراز.»

از در پاسخ به این پرسش که «آیا ممکن است با اعمال

رزمایش هراس در دوران سقوط



ویدئو

حامل مسلسل به نمایش درآمد. حکومت پیشاپیش شمار شرکت‌کنندگان را ۳۱۳ هزار نفر اعلام کرده بود و آسوشیتدپرس این مراسم را بزرگترین نمایش سازمانیافته حکومتی از زمان آغاز جنگ در فوریه ۲۰۲۶ توصیف کرد.

فرید خلیفی - جمعه ۲۷ شهریور ۴۰۵، تهران به صحنه یکی از بزرگترین نمایش‌های رژیم اسلامی در ماه‌های اخیر تبدیل شد. گردان‌های بسیج و افراد موسوم به «جانفدایان جمهوری اسلامی» در خیابان‌ها رژه رفتند؛ زنان وابسته به سپاه پاسداران با ماکت موشک ظاهر شدند و ماشین‌های

بی‌بی هستند او در ایران حتی از کشور خودش بیشتر طرفدار دارد.»

یک خانم اهل سبزوار ساکن کرج نیز در گفتگو با «کیهان لندن» بازگشت به حجاب اجباری را امری بعید و دور از ذهن می‌داند و معتقد است: «بعید می‌دانم یا بهتر بگویم انحرافی است که اصلاحاتی‌ها راه می‌اندازند و دروغ است. چون در پرچم گردانی و عرعرهای شبانه روزی‌شان که پر از مأمور است. بدون حجاب و با پوشش خیلی باز و راحت از کنار آنها رد شده‌ام و آنها به هیچ عنوان، کاری به من نداشتند.»

او اضافه می‌کند: «در طول سه ماه اخیر، برای دیدن پدر مادرم، ۱۰ بار به سبزوار رفتم، دقیقاً جایی کار داشتم که محل عرعر همیشگی آنهاست، دخترها با شلوار خیلی کوتاه با تیشرت باز آستین کوتاه، یقه‌ها همه باز، موها رها بدون حتی شال دور گردن؛ اصلاً شال و روسری نداشتند، درست از جلوی مأموران قاتل‌شان عبور می‌کردیم. اصلاً هیچ کاری نداشتند. حتی یک بار عمداً از یکی از آنها آدرس پرسیدم ببینم چیکار می‌کنند. آدرس داد. الان دو هفته هست که من هر روز به خاطر یک سری کار قانونی به سبزوار می‌روم. هر شب، خیابان‌های این شهر تجمع‌های شبانه آنها برقرار است، سبزوار مثلاً یک شهر مذهبی هست اما سه چهارم دختر و زنان این شهر اصلاً حجاب ندارند، کسی هم به آنها کاری ندارد.»

این خانم جوان در ادامه آهی می‌کشد و با بغض می‌گوید: «ولی به معنای واقعی زیر بار گرانی له شدیم. هیچ چیز برای خوردن نمی‌توانیم بخریم؛ بقیه چیزها پیشکش! من خودم یک روز در میان غذا می‌خورم؛ آن هم چرت و پرت. ما بین این اشغالگرا و ترامپ مودی گیر افتادیم. اگر جنگ ۴۰ روزه را ادامه می‌داد الان آزاد بودیم ولی فرصت داد خودشان را بازسازی کنند. هم روحی هم مالی، بدبخت ما مردم.»

او در ارتباط با احتمال بازگشت حجاب اجباری و تحمیل زنان با اعمال فشار و حذف خدمات اجتماعی با قاطعیت می‌گوید: «اصلاً این کار را نمی‌کنند. همه اینها نمایشی است برای حاشیه‌سازی که قطعاً کار اصلاح‌طلب‌هاست، شک نکنید.» یک شهروند ساکن کرج هم که خود را یک فارغ‌التحصیل بی‌کار معرفی می‌کند، در این ارتباط معتقد است: «شاید بتوانند فشار بیاورند ولی نتیجه‌ای نمی‌گیرند، چون کنترل اوضاع از دستشان خارج شده و در شرایطی که الان به آن دچار هستند نمی‌توانند یا نمی‌خواهند یک جبهه جدید علیه خودشان باز کنند چون خودشان در شرایط حساستری هستند.»

این شهروند میانسال اضافه می‌کند: «به نظر موضوع حجاب، دیگر راه عقب‌گرد ندارد. کمی ممکن است مقاومت بکنند یا تلاش کنند حداقل نشان بدهند به اوضاع مسلط هستند ولی وضعیت دیگر به اوضاع سابق برمی‌گردد، البته تا وقتی قانون حجاب هست، این قبیل فشارهای روانی بر زنان هم برقرار است. الان حجاب اجباری لغو نشده که، فقط مقاومت زن‌هاست که حاکمیت را فعلاً وادار به عقب‌نشینی کرده ولی تا وقتی جمهوری اسلامی پابرجاست، قانون حجاب هم هست و این قانون فقط با رفتن جمهوری اسلامی تغییر می‌کند.»

اگرچه فشارهای قضایی تاکنون نتوانسته است حضور زنان را بدون حجاب اجباری متوقف کند اما سازوکارهای جدید مقام‌ها و جریان‌های سیاسی حاکمیتی برای تقویت سازوکارهای اجرایی حجاب اجباری بر کنترل‌های هوشمند، جریمه‌های سنگین مالی، محرومیت‌های اجتماعی و پلمپ واحدهای تجاری بدون بازگشت کامل به الگوی سابق گشت ارشاد تمرکز دارد. در آنسو واقعیت اجتماعی ایران بسیار پیچیده‌تر از بازگشت ساده به قوانین رسمی گذشته یا پافشاری بر اجرای آنها است و این تعارض کاملاً مشهود است.

استراتژی اسرائیل در برابر موج اسلامگرایی و رهبری شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با بن سبطی



بن سبطی - پژوهشگر ایرانی - اسرائیلی

ایمان قاسم پور

از اخوان المسلمین تا سپاه پاسداران،
نگاه بن سبطی از راهبرد اسرائیل در برابر موج اسلامگرایی و رهبری شاهزاده رضا پهلوی

ویدئو

ادعاهای مطرح‌شده درباره میزان مخالفت جامعه ایران با جمهوری اسلامی و حمایت بخش‌هایی از جامعه ایران از اسرائیل، تغییرات ژئوپلیتیک جهان، آینده روابط اسرائیل و آمریکا، و گزینه‌های پیش‌روی اسرائیل در صورت تغییر موازنه‌های سیاسی در واشنگتن، از دیگر محورهای این گفتگو است.

بن سبطی، کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه، و سخنگوی فارسی زبان پیشین دولت اسرائیل در گفتگو با «کیهان لندن» درباره گسترش اسلامگرایی افراطی در خاورمیانه و آفریقا، نقش جمهوری اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرا، و چالش‌های پیش‌روی اسرائیل در برابر این روند توضیح داده است.

اتهامات جدید و سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» علیه امیرحسین موسوی

● شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برای دومین بار عناوین اتهامی امیرحسین موسوی، زندانی سیاسی، را تغییر داده و دو اتهام سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» را به پرونده او افزوده است. این اتهامات دست قاضی را برای صدور احکام سنگین از جمله «اعدام» علیه این زندانی سیاسی را باز می‌گذارد.

● این شهروند در نخستین کیفرخواست فقط با اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» روبرو شده بود اما آبان سال گذشته و هنگام برگزاری دومین جلسه دادگاه اتهامات او به ۹ عنوان افزایش یافت.

● اتهامات این زندانی سیاسی در حالی تا کنون دو بار تغییر کرده که به گفته وکیلش «این حجم از عناوین کیفری، برای رفتاری واحد، نمونه‌ای آشکار نقض اصل منع تجدید مجازات و تعدد غیرقانونی عناوین است».

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برای دومین بار عناوین اتهامی امیرحسین موسوی، زندانی سیاسی، را تغییر داده و دو اتهام سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» را به پرونده او افزوده است. این اتهامات دست قاضی را برای صدور احکام سنگین از جمله «اعدام» علیه این زندانی سیاسی باز می‌گذارد.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده در کیفرخواست امیرحسین موسوی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، دو اتهام سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» افزوده شده است. بر اساس این گزارش سومین جلسه دادگاه امیرحسین موسوی روز دوشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی برگزار شد و در این جلسه مشخص شد اتهامات سنگین «محاربه» و «افساد فی الارض» به پرونده او افزوده شده است.

این شهروند در نخستین کیفرخواست فقط با اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» روبرو شده بود اما آبان سال گذشته و هنگام برگزاری دومین جلسه دادگاه اتهامات او به ۹ عنوان افزایش یافت. «تشکیل گروه یا دسته برای اقدام علیه امنیت داخلی کشور»، «توهین به مقدسات اسلام»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی»، «نشر اکاذیب»، «همکاری و تبادل اطلاعات با افراد وابسته به رژیم صهیونیستی»، «مراوده غیرتفاقی با افراد وابسته به رژیم صهیونیستی»، «تأمین مالی تروریسم» و «فعالیت تبلیغی به نفع رژیم صهیونیستی» روبرو

۱۴۰۵ گزارش داد که هواپیمای بوئینگ شرکت اماراتی «فلای دوبی» به مقصد تل‌آویو در آسمان اردن کد «۷۷۰۰» (کد اضطراری عمومی) ارسال کرد اما پس از مدت اندکی کد به «۷۵۰۰» (هواپیماربایی- مداخله) تغییر کرد. بر اساس آخرین گزارش‌ها، هواپیما در فرودگاه تبوک (عربستان سعودی) فرود آمد. برخی منابع گزارش دادند که در داخل هواپیما درگیری شده است.

برخی منابع گزارش دادند، این هواپیما حدود ۱۰۰ مسافر اسرائیلی داشت. پرواز FZ1073 ابتدا کد ۷۷۰۰ (وضعیت اضطراری عمومی) را ارسال کرد و طبق گزارش‌ها، پس از آن کد ۷۵۰۰ را مخابره کرده است؛ کدی که برای مداخله غیرقانونی یا هواپیماربایی استفاده می‌شود.

رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که ارتباط با هواپیما قطع شده و جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل برای رهگیری آن اعزام شده‌اند.

همچنین گزارش شد بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و اسرائیل کاتر وزیر دفاع این کشور در حال حاضر در حال گفتگو با مقامات ارشد دفاعی اسرائیل درباره این حادثه هستند.

جزئیات بیشتری از این حادثه منتشر نشده اما پیش از این جمهوری اسلامی تهدید کرده بود که اگر محاصره هوایی ایران ادامه پیدا کند آنها خطوط هوایی منطقه را ناامن خواهند کرد.



هواپیمای بوئینگ «فلای دوبی»

سه روز پس از سفر نتانیاهو به امارات؛ هواپیمای «فلای دوبی» به مقصد تل‌آویو با ۱۰۰ مسافر «کدهواپیماربایی» ارسال کرد

● وبسایت «فلایت رادار ۲۴» روز چهارشنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۵ گزارش داد هواپیمای بوئینگ شرکت اماراتی «فلای دوبی» به مقصد تل‌آویو در آسمان اردن کد «۷۷۰۰» (وضعیت اضطراری عمومی) ارسال کرد اما پس از مدت اندکی کد به «۷۵۰۰» (هواپیماربایی- مداخله) تغییر کرد.

● بر اساس آخرین گزارش‌ها، هواپیما در فرودگاه تبوک (عربستان سعودی) فرود آمد. برخی منابع گزارش دادند که در داخل هواپیما درگیری شده است.

● جزئیات بیشتری از این حادثه منتشر نشده اما پیش از این جمهوری اسلامی تهدید کرده بود که اگر محاصره هوایی ایران ادامه پیدا کند آنها خطوط هوایی منطقه را ناامن خواهند کرد.

● این حادثه پس از آن روی داده که روز دوشنبه اعلام شد، بنیامین نتانیاهو روز یکشنبه ۲۷ سپتامبر به دعوت رئیس امارات متحده به این شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس سفر کرده و گفتگوی آنها «بر تقویت روابط دو کشور و چالش‌های منطقه‌ای» متمرکز بوده است. علاوه بر نتانیاهو و بن‌زاید، نمایندگان ارشد دست‌کم دو کشور دیگر از حاشیه خلیج فارس که روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارند و نامی در گزارش‌ها از آنها برده نشده، در این نشست حضور داشتند.

وبسایت «فلایت رادار ۲۴» روز چهارشنبه هشتم مهرماه

→ شده بود.

امیرحسین موسوی متولد بهمن ۱۳۶۴ و ساکن تهران در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و در شبکه «ایکس» (توییتر سابق) با اکانت پرمخاطب «جیمز بی‌دین» حضور داشت. او و همسرش ۲۸ آذرماه ۱۴۰۳ هنگام سفر به جزیره کیش، در فرودگاه مهرآباد و توسط مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شدند. شبنم حسین‌زاده همسر امیرحسین موسوی دو هفته بعد با قرار وثیقه آزاد شد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، او از شش ماه پیش از بازداشت شناسایی شده و در تور امنیتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داشت. شناسایی او توسط یک ایرانی ساکن کانادا و همکار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صورت گرفته بود که توانسته بود در شبکه‌های اجتماعی با



او ارتباط برقرار کرده و اعتمادش را جلب کند.

صداوسیماي جمهوری اسلامی شامگاه دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ اقدام به پخش ویدیویی از اعترافات اجباری امیرحسین موسوی که با نام «جیمز بی‌دین» در شبکه «ایکس» (توییتر سابق)، فعال بود کرد. بازجوها در ویدیوی ضبط شده تلاش کرده بودند امیرحسین موسوی را مرتبط با اسرائیل و جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی نشان دهند. او یک روز پس از پخش ویدیویی از اعتراف اجباری‌اش در نامه‌ای از زندان اوین تأکید کرده بود «بعد از ۱۴۸ روز تحمل سلول انفرادی، بازداشت همسر، ضرب و شتم‌های شدید اولیه و فشار جانکاه انفرادی و بلاتکلیفی، با تهدید به بازداشت مجدد همسر و تکرار و تجدید تمام آنچه بر من گذشته بود، این مصاحبه اجباری که پایه گزارش ۲۰:۳۰ بود، از من گرفته شد.»

این زندانی سیاسی افزوده بود «در آن مصاحبه تقریباً تمامی جملاتی که گفتم، حاصل القای بازجو و تحمیل وی بود. همان گفته‌ها نیز با تقطیع و تحریف بسیار از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.»

آبان سال گذشته و در حالی که تنها یک روز پیش از برگزاری دومین جلسه دادگاه امیرحسین موسوی اتهامات او به ۹ عنوان افزایش یافت، رضا شفاخواه وکیل این زندانی سیاسی اعلام کرده بود: «این حجم از عناوین کیفری، برای رفتاری واحد، نمونه‌ی آشکار نقض اصل منع تجدید مجازات و تعدد غیرقانونی عناوین است.»

وکیل امیرحسین موسوی با بیان اینکه «ضابطان امنیتی مجموعه‌ای از اتهامات سنگین، بی‌پایه و غیرمنطقی را علیه او مطرح کرده‌اند» تأکید کرده بود همه این اتهامات از دل چند توییت برآمده‌اند!

جمهوری اسلامی علی همتی سیستانی و مجید نیک‌اندیش از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داده، علی همتی سیستانی و مجید نیک‌اندیش را که در اعتراضات دی ۴۰۴ در شهر مشهد بازداشت شده بودند، سحرگاه روز چهارشنبه هشتم مهرماه اعدام کرده است.

● طبق روال پرونده‌های مشابه، قوه قضاییه جمهوری اسلامی در خبر اجرای حکم اعدام این دو شهروند، سناریویی را نیز مطرح کرده و نوشته است که آنها «از فعالان و لیبرهای اغتشاشات در طبرسی مشهد» بودند که اقدامات آنها در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ سبب کشته شدن «چهار نفر از نیروهای حافظ امنیت» شده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام علی همتی سیستانی و مجید نیک‌اندیش، دو شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ در شهر مشهد، خبر داد. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داد، علی همتی سیستانی و مجید نیک‌اندیش را که در اعتراضات دی ۴۰۴ در شهر مشهد بازداشت شده بودند، در سحرگاه روز چهارشنبه هشتم مهرماه اعدام کرده است. این دو شهروند به علت حضور در اعتراضات شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در منطقه طبرسی مشهد بازداشت شده و هر دو در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد توسط قاضی غلامرضا اکبری به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شدند.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، مجید نیک‌اندیش ۲۵ ساله و اهل قوچان بود. علی همتی سیستانی نیز از ۶ سالگی و پس از درگذشت پدر کارگرش به بهزیستی سپرده شد و در بهزیستی بزرگ شده بود. او پدر دو فرزند خردسال بوده است. پیش از این منابع حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل از خطر اجرای حکم اعدام این دو جوان خبر داده بودند. خبرگزاری «میزان» گزارش داده، حکم اعدام علی همتی سیستانی و مجید نیک‌اندیش پس از تأیید در دیوان عالی کشور اجرا شده است. طبق روال پرونده‌های مشابه، قوه قضاییه جمهوری اسلامی در خبر اجرای حکم اعدام این دو شهروند، سناریویی را نیز مطرح کرده و نوشته است آنها «از فعالان و لیبرهای اغتشاشات در طبرسی مشهد» بوده‌اند که اقدامات آنها در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ سبب کشته شدن «چهار نفر از نیروهای حافظ امنیت» شده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شده علی همتی سیستانی اعتراف کرده: «روز ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ همراه با مجید نیک اندیش، به یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای حمله و به آن خسارت وارد کردیم، کوکتل مولوتف را روشن کردم

و فروشگاه را آتش زدیم. در طبرسی ۴ دیدیم که عده‌ای دو نیروی بسیجی را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. من و مجید هم آنجا رفتیم و با چاقویی که همراه داشتیم دو ضربه به پهلوی یکی از بسیجی‌ها زدیم. مجید هم چاقو را از من گرفته و ۲ ضربه به پهلوی بسیجی دیگر زد.»

در ادامه همچنین آمده، علی همتی در بخش دیگری از اعترافات خود گفته که «جلوی یک کامیون حامل خاک را گرفته، بار آن را وسط خیابان خالی کرده و مسیر عبور و مرور خودروها را بسته است.»

قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شده، مجید نیک‌اندیش در جریان اعتراضات سه عدد کوکتل موتولف همراه داشته در اعترافات خود گفته است: «در اغتشاشات ۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ شرکت داشتم و با خود چاقو حمل می‌کردم. به یک



فروشگاه حمله کردیم. از جریان اغتشاشات فیلم تهیه می‌کردم و به شماره‌ای در خارج از کشور ارسال می‌کردم.»

این ادعاها در حالی از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی مطرح شده که پیشتر نهادهای حقوق بشری از فشار شدید و شکنجه این دو شهروند برای «اعتراف‌گیری اجباری» خبر داده بودند. جمهوری اسلامی پس از اعتراضات دی ۴۰۴ صدور و اجرای احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان را بطور سازمانیافته در دستور کار قرار داد. فشار بر شهروندان پس از آغاز جنگ با آمریکا از نهم اسفندماه تشدید شده است. «سازمان حقوق بشر ایران» به تازگی گزارش داده، دست‌کم ۱۰۰ شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ در شهرهای مختلف ایران زیر حکم اعدام قرار دارند. این گزارش افزوده از ۲۸ اسفندماه، دست‌کم ۲۹ مرد در ارتباط با اعتراضات اعدام شده‌اند. این سازمان حقوق بشری پیشتر در گزارشی خبر داده بود که جمهوری اسلامی از ابتدای سال جاری میلادی (۱۱ دی ۴۰۴) تا آخر امرداد امسال حکم اعدام ۵۱۵ زندانی را اجرا کرده است. گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» همچنین نشان می‌دهد از ابتدای سال جاری میلادی دست‌کم ۱۶ زن اعدام شدند.

در میان فهرست اعدام‌شدگان ۳۱ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات نیز حضور دارند که ۲۹ تن از آنها شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ و دو نفر در ارتباط با اعتراضات ۱۴۰۱ بوده‌اند. «سازمان حقوق بشر ایران» افزوده، از ۲۷ اسفند تا کنون دست‌کم ۱۲ نفر نیز با اتهام «جاسوسی» یا «همکاری با دولت‌های خارجی» اعدام شده‌اند. همچنین ۱۳ زندانی سیاسی که پیشتر بازداشت و به علت همکاری و عضویت در سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بودند نیز به دار آویخته شدند.

برتری دریایی آمریکا در تنگه هرمز؛ صادرات نفت در خلیج فارس به ۷۲ درصد رسید



انتقال نفت از طریق بندر فجیره امارات کمک کرده کل تولید نفت خلیج فارس به سطح قبل از جنگ نزدیک شود

● به گزارش روزنامه «نیویورک پست»، طبق داده‌های شرکت ردیابی دریایی «کپلر»، صادرات کل نفت در خلیج فارس در ماه سپتامبر بطور میانگین بیش از ۱۳ میلیون بشکه در روز بوده است. این رقم حدود ۷۲ درصد از سطح فوریه، یعنی زمانی است که آمریکا و اسرائیل جنگ علیه رژیم ایران را از سر گرفتند.

● جریان نفت از تنگه هرمز نیز به میانگین ۷.۳ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین سطح در طول جنگ محسوب می‌شود. طی یک روز در هفته گذشته حتی بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور کرد که از سطح پیش از جنگ فراتر رفت. کریس رایت وزیر انرژی آمریکا این افزایش را تأیید کرد.

● کنترل و حفاظت نظامی آمریکا و انعطاف‌پذیری تولیدکنندگان در کشورهای خلیج فارس، جمهوری اسلامی را از ابزار اصلی فشار خود یعنی تهدید به بستن تنگه هرمز محروم و ناامید کرده است. تنگه‌ای که اختلال در آن، اکنون گلوئی خود رژیم ایران را می‌فشارد.

صادرات روزانه دست‌کم ۱۳ میلیون بشکه نفت در مسیر خلیج فارس نشان می‌دهد که جریان تأمین انرژی جهانی در حال بازیابی است. آنهم در حالی که همزمان جمهوری اسلامی با عملیات «طرد اقتصادی» و محاصره دریایی آمریکا به شدت تضعیف شده است.

صادرات نفت از منطقه خلیج فارس در ماه سپتامبر ۲۰۲۴ به حدود ۱۳ میلیون بشکه در روز رسیده و معادل ۷۲ درصد سطح پیش از جنگ است؛ رقمی که نشان می‌دهد جریان انرژی جهانی در حال بازیابی است، در حالی که جمهوری اسلامی تحت فشار محاصره دریایی آمریکا به شدت تضعیف شده است. مقامات آمریکایی می‌گویند رژیم تهران «خسته» و «خفه» شده و این وضعیت دست‌آشنگ‌تر را در مذاکرات تقویت کرده است.

به گزارش روزنامه «نیویورک پست»، طبق داده‌های شرکت ردیابی دریایی «کپلر»، صادرات کل نفت در خلیج فارس در ماه سپتامبر بطور میانگین بیش از ۱۳ میلیون بشکه در روز بوده است. این رقم حدود ۷۲ درصد از سطح فوریه، یعنی زمانی است که آمریکا و اسرائیل جنگ علیه رژیم ایران را از سر گرفتند.

رقم اعلام شده از سوی شرکت «کپلر» تنها بر مبنای عبور کشتی‌ها با ردیاب روشن است و تعدادی دیگر از نفتکش‌ها به دلیل مسائل امنیتی هنگام عبور، ردیاب خود را خاموش می‌کنند. جریان نفت از تنگه هرمز نیز به میانگین ۷.۳ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین سطح در طول جنگ محسوب می‌شود، هرچند هنوز کمتر از نیمی از میزان حمل و نقل نفت پیش از درگیری‌ها است. طی یک روز در هفته گذشته حتی بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور کرد که از سطح پیش از جنگ فراتر رفت. کریس رایت وزیر انرژی آمریکا این افزایش را تأیید کرد.

کشتی‌ها تحت حفاظت نظامی نیروی دریایی آمریکا با اطمینان از تنگه هرمز عبور می‌کنند. همزمان مسیرهای جایگزین مانند انتقال کشتی به کشتی در خلیج عمان و خط لولهی فجیره امارات که تنگه هرمز را دور می‌زند، به بازیابی صادرات کمک کرده‌اند.

کنترل و حفاظت نظامی آمریکا و انعطاف‌پذیری تولیدکنندگان در کشورهای خلیج فارس، جمهوری اسلامی

ستون اصلی این استراتژی است. رژیم ایران دیگر قادر نیست تهدید مؤثری علیه کشتیرانی در تنگه هرمز ایجاد کند.

با وجود ادعاهای رسانه‌های رژیم ایران مبنی بر حمله به ۱۹ کشتی در آخر هفته، هیچ حمله‌ی مستقلى از چهارشنبه‌ی گذشته تأیید نشده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنان تهدید به تشدید تنش‌ها می‌کند و سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هشدار داده اگر آمریکا به مداخله در تنگه هرمز ادامه دهد «ضربه» خواهد خورد.

بازگشت نسبی صادرات نفت نشان‌دهنده‌ی توانایی آمریکا در حفظ جریان انرژی جهانی همزمان با اعمال فشار حداکثری بر رژیم ایران است. نیروی دریایی ایالات متحده نه تنها مسیرهای حیاتی را امن کرده، بلکه با محاصره بنادر ایران اقتصاد جمهوری اسلامی را به نقطه‌ی فروپاشی نزدیک کرده است. گزارش‌های خبری دیگر نیز افزایش صادرات در منطقه‌ی خلیج فارس را تأیید می‌کنند، هرچند هنوز فاصله با سطح ۱۹ میلیون بشکه‌ای صادرات پیش از جنگ باقی مانده است.

کاهش شدید ارزش ریال، کمبود مواد اولیه و مواد غذایی، و از دست رفتن اهرم تنگه هرمز، همگی نشان‌دهنده برتری قدرت ترکیبی نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا است.

در حالی که جمهوری اسلامی مانند همیشه تهدید می‌کند، اما واقعیت میدانی این است که کشتی‌ها تحت چتر امنیتی آمریکا حرکت می‌کنند و بازار جهانی نفت در حال تطبیق با شرایط جدید است. این وضعیت به واشنگتن اجازه می‌دهد از موضع قدرت وارد گفتگوهای احتمالی شود؛ موضعی که مقامات آمریکایی صریحاً آن را نتیجه‌ی مستقیم خستگی و فرسایش رژیم ایران می‌دانند.

در هر حال، قدرت انتظامی آمریکا در این درگیری از چند جهت آشکار شده است: حفاظت مستقیم از کشتیرانی تجاری، اجرای محاصره مؤثر که تجارت جمهوری اسلامی را فلج کرده، مدیریت پیامدهای اقتصادی جهان از طریق همکاری با تولیدکنندگان خلیج فارس، و همچنین حفظ اهرم مذاکراتی در شرایطی که طرف مقابل چاره‌ای جز سوزاندن یا تسلیم کارت‌های تهدید خود ندارد.

را از ابزار اصلی فشار خود یعنی تهدید به بستن تنگه هرمز محروم و ناامید کرده است. تنگه‌ای که اختلال در آن، اکنون گلوئی خود رژیم ایران را می‌فشارد.

مقامات آمریکایی به نیویورک پست گفته‌اند که جمهوری اسلامی در حال اتمام منابع خود است. یک مقام رسمی اظهار داشت: «آنها خسته‌اند. شکی نیست که خسته‌اند. منابع‌شان تمام می‌شود، آب تمام می‌شود، مواد پالایشگاه تمام می‌شود، غذا تمام می‌شود. محاصره آنها را خفه کرده. تقریباً مثل این است که ما آناکوندا [بزرگ‌ترین مار از خانواده بوآ که غیرسمی است ولی طعمه‌ی خود را با خفه کردن از پای در می‌آورد] هستیم و هر بار که نفس می‌کشند، کمی بیشتر فشار می‌آوریم.»

از سوی دیگر، ریال ایران به پایین‌ترین سطح تاریخی ۲.۴۵ میلیون در برابر هر دلار آمریکا سقوط کرده است؛ در حالی که یک سال پیش هر دلار معادل ۴۲ هزار ریال بود. اسکات بست وزیر خزانه‌داری آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «عملیات طرد اقتصادی باعث ثبت این رکورد شده و واشنگتن به تضعیف توانایی رژیم ایران برای تأمین مالی تروریسم و توسعه سلاح هسته‌ای ادامه خواهد داد.»

این فشار اقتصادی و دریایی موقعیت آمریکا را در مذاکرات احتمالی تقویت کرده است. مقامات آمریکایی می‌گویند، هرچه صادرات نفت در خلیج فارس بیشتر شود، قدرت چانه‌زنی واشنگتن نیز افزایش می‌یابد.

در این میان، اکسیوس اعلام کرده بود که دونالد ترامپ ظاهراً آماده است در ازای یک توافق هسته‌ای مشخص، تخفیف تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده را ارائه دهد اما رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار پستی در شبکه تروث‌سوشیال، این خبر را رد کرد و آن را «جعلی» خواند.

با این حال، جمهوری اسلامی هرگونه تسلیم هسته‌ای را رد کرده و حتی برخی مقامات آن «خواستار قطع همکاری با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) شده‌اند.

محاصره دریایی نیروی دریایی آمریکا که بنادر ایران را بسته و تجارت جمهوری اسلامی را به شدت کاهش داده،

سفر هیئت امنیتی اسرائیل به ابوظبی؛ نتانیاهو و بن‌زاید با یکدیگر دیدار کردند



پرچم دو کشور اسرائیل و امارات در روز جشن ملی اسرائیل در نمایشگاه بین‌المللی «اکسپو» ۲۰۲۰ / دبی

● به گزارش رویترز، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد که بنیامین نتانیاهو به دعوت رئیس امارات متحده به این شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس سفر کرده و این دیدار «بر تقویت روابط دو کشور و چالش‌های منطقه‌ای» متمرکز بوده است.

● زمینه‌ی این دیدار به جنگ با جمهوری اسلامی در اوایل ۲۰۲۴ بازمی‌گردد. درگیری نظامی اسرائیل و آمریکا با رژیم ایران که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ از سر گرفته شد و تا روز آتش‌بس در ۸ آوریل ادامه داشت، امارات را به یکی از اصلی‌ترین اهداف حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

● در ماه مه نیز دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد نتانیاهو در ۲۶ مارس در شهر العین، نزدیک مرز عمان، دیداری محرمانه با رئیس امارات داشته که به «پیشرفت تاریخی» در روابط منجر شده است. امارات متحده عربی آن زمان خبر این دیدار را «کاملاً بی‌اساس» خواند. اینبار اما نخست خود ابوظبی دیدار را تأیید کرده که نشانه‌ی تغییر محاسبات امارات پس از تحمل حملات گسترده‌ی جمهوری اسلامی است. دو رهبر اسرائیل و امارات در هفته‌های منتهی به نشست نیز چندین بار با یکدیگر تلفنی گفتگو کرده بودند.

منابع آگاه به «اسرائیل هیوم» نیز گفته‌اند که در دیدار اخیر، رژیم ایران نه تنها موضوع اصلی بلکه محور بررسی سناریوهای کوتاه‌مدت بوده است. علاوه بر نتانیاهو و بن‌زاید، نمایندگان ارشد دست‌کم دو کشور دیگر از حاشیه خلیج فارس که روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارند در این نشست حضور داشتند.

طرفین علاوه بر جمهوری اسلامی و تهدید حوثی‌ها همچنین هماهنگی دیپلماتیک و امنیتی و ساز و کارهای دفاعی را بررسی کردند. این نشست با اطلاع و تأیید دولت آمریکا برگزار شد.

چنین ترکیبی نشان می‌دهد همکاری علیه تهدید رژیم ایران از سطح دوجانبه‌ی اسرائیل-امارات فراتر رفته و در حال تبدیل شدن به هماهنگی چندجانبه‌ی نانوشته در خلیج فارس است. دو رهبر اسرائیل و امارات در هفته‌های منتهی به نشست، چندین بار با یکدیگر تلفنی گفتگو کرده بودند. این دیدار یک پیام روشن برای رژیم ایران دارد: پس از آنکه جمهوری اسلامی، امارات را به خاطر نزدیکی به اسرائیل و آمریکا هدف قرار داد، ابوظبی بجای فاصله گرفتن از اسرائیل، کانال ارتباطی با تل‌آویو را حفظ و اکنون نزدیک‌تر و علنی‌تر کرده است.

برای اسرائیل، امارات نه تنها شریک اقتصادی در «پیمان ابراهیم» بلکه اهرم نفوذ منطقه‌ای و مسیر ویژه به سوی واشنگتن نیز محسوب می‌شود. برای امارات، همکاری با اسرائیل ابزاری برای بازدارندگی در برابر جمهوری اسلامی و مدیریت تهدیدهای مزدوران نیابتی رژیم ایران مانند حوثی‌ها است.

با نزدیک شدن به انتخابات اسرائیل و تداوم تنش‌ها با رژیم ایران، این نشست نشان می‌دهد محور همکاری امنیتی علیه بقایای جمهوری اسلامی در حال گسترش است اگرچه بسیاری از جزئیات آن همچنان پشت درهای بسته باقی مانده است. تأیید رسمی امارات پس از ماه‌ها تکذیب، خود نشان‌دهنده‌ی پذیرش تدریجی «هزینه‌ها»ی احتمالی این اتحاد در برابر خطر جمهوری اسلامی است.

نخست‌وزیری اسرائیل در ساعات اولیه از اظهار نظر درباره این سفر خودداری کرد، اما پس از تأیید اماراتی‌ها یک بیانیه رسمی در این مورد صادر نمود.

زمینه‌ی این دیدار به جنگ با جمهوری اسلامی در اوایل ۲۰۲۴ بازمی‌گردد. درگیری نظامی اسرائیل و آمریکا با رژیم ایران که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ از سر گرفته شد و تا روز آتش‌بس در ۸ آوریل ادامه داشت، امارات را به یکی از اصلی‌ترین اهداف حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

جمهوری اسلامی صدها موشک بالستیک و کروز و بیش از دو هزار پهپاد به سوی پایگاه‌های نظامی، فرودگاه‌ها، بنادر جبل‌علی و فجیره، تأسیسات انرژی و مراکز تجاری امارات شلیک کرد. این حملات امارات را بیش از هر کشور دیگری در منطقه، از جمله خود اسرائیل، هدف قرار داد.

پس از این حملات، ابوظبی روابط امنیتی خود را با واشنگتن و تل‌آویو تقویت کرد. روابط رسمی دو کشور از سال ۲۰۲۰ و در چارچوب «پیمان ابراهیم» برقرار شده بود، اما جنگ با رژیم ایران سبب شد که سطح همکاری اطلاعاتی و دفاعی بین اسرائیل و امارات به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یابد. گزارش‌ها حاکی از استقرار سامانه‌های دفاع هوایی اسرائیلی در امارات و هماهنگی عملیاتی در جریان درگیری‌ها است.

این دومین بار در سال جاریست که بنیامین نتانیاهو با بن‌زاید دیدار می‌کند. در ماه مه، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد نتانیاهو در ۲۶ مارس در شهر العین، نزدیک مرز عمان، دیداری محرمانه با رئیس امارات داشته که به «پیشرفت تاریخی» در روابط منجر شده است.

امارات متحده عربی آن زمان خبر این دیدار را «کاملاً بی‌اساس» خواند و تأکید کرد روابط دو کشور در چارچوب علنی «پیمان ابراهیم» پیش می‌رود. اینبار اما نخست خود ابوظبی دیدار را تأیید کرده که نشانه‌ی تغییر محاسبات امارات پس از تحمل حملات گسترده‌ی جمهوری اسلامی است.

دیدار بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل با محمد بن زاید آل نهیان رئیس امارات در حالی روز یکشنبه به عنوان محرمانه گزارش شد که یک روز بعد هر دو طرف آن را تأیید کردند. دیداری که موضوع اصلی آن تهدیدات جمهوری اسلامی بود.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز یکشنبه ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ با هواپیمای خصوصی از فرودگاه بن‌گوریون به ابوظبی پرواز کرد تا با شیخ محمد بن‌زاید آل‌نهیان رئیس امارات متحده عربی دیدار و گفتگویی چندساعته داشته باشد. این سفر که ابتدا به عنوان محرمانه گزارش شد، روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر از سوی هر دو طرف تأیید گردید و مقامات اسرائیلی تأکید کردند که موضوع اصلی گفتگو، تهدیدات جمهوری اسلامی و چالش‌های امنیتی منطقه بوده است.

به گزارش رویترز، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد که بنیامین نتانیاهو به دعوت رئیس امارات متحده به این شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس سفر کرده و این دیدار «بر تقویت روابط دو کشور و چالش‌های منطقه‌ای» متمرکز بوده است. نتانیاهو را همسرش سارا، رئیس شورای امنیت ملی کشور اسرائیل، رئیس موساد، منشی نظامی و مشاور سیاست خارجی همراهی می‌کردند.

خبرگزاری رسمی امارات (وام) نیز این دیدار را تأیید کرد و نوشت، دو طرف روابط دوجانبه و راه‌های تقویت و توسعه‌ی آن را بررسی کردند. سه مقام ارشد اسرائیلی به رویترز گفتند که این نشست حدود شش ساعت طول کشیده و رژیم ایران محور اصلی گفتگوها بوده است.

بر اساس گزارش «کانال ۱۲» اسرائیل و منابع دیپلماتیک، نتانیاهو صبح یکشنبه با جت خصوصی عازم ابوظبی شد، حدود ساعت ۱۵:۱۰ به وقت محلی فرود آمد و پس از چند ساعت مذاکره عصر همان روز به اسرائیل بازگشت. این همان هواپیمایی است که نتانیاهو پیشتر در جریان جنگ با رژیم ایران در سال جاری از آن استفاده کرده بود. دفتر

تحریم‌های تازه بریتانیا علیه جمهوری اسلامی اجرایی شد؛ محدودیت در مسائل انرژی، امور بانکی، حمل و نقل و هوانوردی



پرچم‌گردانی طرفداران نظام در خیابان‌ها

- ممنوعیت صادرات کالاها و فناوری‌های مرتبط با انرژی به ایران، برای استفاده در ایران یا برای اشخاص مرتبط با جمهوری اسلامی ایران، و همچنین ارائه خدمات مرتبط با انرژی؛ از جمله تجهیزات مربوط به اکتشاف و تولید نفت و گاز، پالایش نفت، گاز و LNG و صنایع پتروشیمی؛
- ممنوعیت واردات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و همچنین محصولات پتروشیمی و گاز طبیعی ایران؛
- ممنوعیت در اختیار قرار دادن کشتی‌هایی که برای حمل یا ذخیره‌سازی نفت و فرآورده‌های نفتی طراحی یا ترمیم شده‌اند به اشخاص مرتبط با ایران یا برای استفاده در ایران یا به نفع جمهوری اسلامی ایران؛
- ممنوعیت ارائه کمک‌های فنی مرتبط با نفتکش‌ها و کشتی‌های باری به اشخاص مرتبط با جمهوری اسلامی ایران یا به نفع آنها، و همچنین کشتی‌هایی که در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند؛

- ممنوعیت ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات مرتبط با کشتی‌های مشخص شده و همچنین خرید یا تهیه چنین خدماتی؛
- ممنوعیت صادرات نرم‌افزار و فناوری‌های مرتبط با برخی بخش‌ها به ایران، برای استفاده در ایران یا برای اشخاص مرتبط با جمهوری اسلامی ایران؛ از جمله طیف گسترده‌ای از نرم‌افزارها و فناوری‌های مربوط به کسب و کار و طراحی صنعتی؛

- ممنوعیت صادرات و واردات طلا، فلزات گرانبها و الماس؛
- ممنوعیت صادرات اسکناس‌های تازه چاپ شده یا سکه‌های تازه ضرب شده با هر واحد پول رسمی ایران به بانک مرکزی ایران یا برای منفعت آن.

همچنین مقررات اصلاحی تحریم‌های تجاری مندرج در بخش ششم مقررات سال ۲۰۲۳ را گسترش داده و فهرست کالاها و فناوری‌هایی را که در رده «اقدام دارای اهمیت استراتژیک» قرار می‌گیرند، افزایش می‌دهد.

بریتانیا همچنین بانک‌های سپه، ملی، صادرات، پارسیان و تجارت را هم مورد تحریم قرار داده است.

برقرار کرده بود که فراتر از اقدامات ناشی از اسنپ‌بک یا مکانیسم ماشه سازمان ملل است.

در بیانیه دولت بریتانیا آمده، شرکت‌هایی که ملزم به رعایت تحریم‌های مالی هستند، باید به سرعت با مقررات جدید آشنا شوند، تأثیر آنها بر فعالیت‌های جاری خود را ارزیابی کنند و در صورت لزوم، ارزیابی‌های ریسک، سیاست‌ها، رویه‌ها و ساز و کارهای کنترل‌های مرتبط با تحریم‌ها را به‌روزرسانی کنند.

نگاهی به تحریم‌های مالی جدید

مقررات اصلاحی جدید تحریم‌های مالی مندرج در بخش سوم مقررات سال ۲۰۱۹ را گسترش می‌دهد و ممنوعیت‌های جدیدی را از جمله در موارد زیر در بر می‌گیرد:

- سرمایه‌گذاری با اشخاص مرتبط با جمهوری اسلامی ایران که در برخی حوزه‌های دفاعی، انرژی، پتروشیمی و هسته‌ای فعالیت دارند؛ از جمله سرمایه‌گذاری مشترک، اعطای وام، مالکیت سهام و مشارکت؛

- محدودیت در روابط بانکی میان مؤسسات مالی بریتانیا و مؤسسات مالی مستقر در ایران یا مؤسساتی که تحت مالکیت یا کنترل اشخاص مستقر در ایران هستند؛

- ممنوعیت ارائه خدمات بیمه یا بیمه اکتیایی به اشخاص مرتبط با ایران؛ یعنی افرادی که معمولاً در ایران اقامت دارند یا در آنجا مستقر هستند؛ شرکت‌هایی که طبق قوانین ایران تأسیس شده‌اند یا در ایران مستقرند، و همچنین شرکت‌هایی که تحت مالکیت یا کنترل چنین اشخاصی قرار دارند؛

- ممنوعیت خرید یا فروش برخی اوراق قرضه منتشر شده توسط دولت ایران و همچنین ارائه خدمات کارگزاری، تبلیغاتی و سایر خدمات مرتبط با آنها.

نگاهی به تحریم‌های تجاری جدید

مقررات اصلاحی جدید تحریم‌های تجاری مندرج در بخش پنجم مقررات سال ۲۰۱۹ را نیز گسترش می‌دهد. از جمله:

● بر اساس اطلاعیه رسمی دولت بریتانیا، اصلاحات تازه در مقررات تحریمی این کشور علیه جمهوری اسلامی از هفتم مهرماه ۱۴۰۵ لازم‌الاجرا شده و مجموعه‌ای از محدودیت‌های مالی، تجاری و حمل و نقل را که دولت این کشور هشتم سپتامبر (۱۷ شهریور) اعلام کرده بود، وارد مرحله اجرا کرده است.

● طبق این مقررات، محدودیت‌های تجاری تازه بخش‌هایی از حوزه انرژی، دریایی و فناوری‌های صنعتی را دربر می‌گیرد. مقررات جدید همچنین محدودیت‌هایی را در زمینه ارائه برخی خدمات مالی و معاملات مربوط به اوراق دولتی جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌کند. در بخش هوانوردی نیز فرود هواپیماهای ایرانی در انگلیس، بجز در موارد استثنایی پیش‌بینی شده در مقررات، ممنوع شده است.

بر اساس اطلاعیه رسمی دولت بریتانیا، اصلاحات تازه در مقررات تحریمی این کشور علیه جمهوری اسلامی از روز ۲۹ سپتامبر (۷ مهر) لازم‌الاجرا شده و مجموعه‌ای از محدودیت‌های مالی، تجاری و حمل و نقل را که دولت این کشور هشتم سپتامبر (۱۷ شهریور) اعلام کرده بود، وارد مرحله اجرا کرده است.

طبق این مقررات، محدودیت‌های تجاری تازه بخش‌هایی از حوزه انرژی، دریایی و فناوری‌های صنعتی را دربر می‌گیرد. مقررات جدید همچنین محدودیت‌هایی را در زمینه ارائه برخی خدمات مالی و معاملات مربوط به اوراق دولتی جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌کند. در بخش هوانوردی نیز فرود هواپیماهای ایرانی در انگلیس، بجز در موارد استثنایی پیش‌بینی شده در مقررات، ممنوع شده است.

تحریم‌های جدید، مقررات بریتانیا را بیش از گذشته با اتحادیه اروپا هماهنگ می‌سازد؛ اتحادیه اروپا پیش از این مجموعه‌ای از تحریم‌های مستقل علیه رژیم ایران را مجدداً

رد پای بابک زنجانی در تنگه هرمز؛ دزد دیروز، پولشوی امروز!



اگر غنیمت تقسیم کنند، می‌توانند به کارگزار و همچنین جیره‌خوار حکومت تبدیل شوند. بابک زنجانی یک نمونه بارز است. فردی که یک دهه پیش به اتهام فساد گسترده مالی و بازنگرداندن میلیاردها دلار پول نفت به اعدام محکوم شده بود، حالا دوباره در مرکز یک شبکه مالی چند میلیارد دلاری قرار گرفته.

هزاران تن در جریان سرکوب آن‌ها به دست نیروهای امنیتی کشته شدند.

ستوده پیش از این نیز جوایز بین‌المللی متعددی دریافت کرده است؛ از جمله «جایزه‌ی ساخاروف برای آزادی اندیشه» پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۲ و «جایزه‌ی زیست صحیح» در سال ۲۰۲۰. او طی سال‌های گذشته بارها به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری خود بازداشت و زندانی شده است.

رضا خندان، همسر نسرين ستوده و پدر مهراوه خندان، نیز از دسامبر ۲۰۲۴ در ایران در زندان بسر می‌برد.

نسرين ستوده سال‌هاست در شماری از حساس‌ترین پرونده‌های حقوق بشری در جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند. یکی از زمینه‌های مهم فعالیت او، تلاش برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام نوجوانانی بوده است که به ارتکاب جرم محکوم شده‌اند.

کوشش‌های حقوق بشری ستوده همچنین موضوع چندین فیلم و مستند قرار گرفته و سبب شده است تا نام و چهره‌ی او در عرصه‌ی بین‌المللی بیش از پیش شناخته شود.

او در سال ۲۰۱۵ در فیلم «تاکسی تهران» ساخته‌ی جعفر پناهی، در حضوری کوتاه اما به‌یادماندنی، در نقش یکی از مسافران ظاهر شد. همچنین در سال ۲۰۲۰ مستندی با عنوان «نسرين» درباره‌ی زندگی و فعالیت‌های او ساخته شد که با استقبال روبرو شد.

منبع: خبرگزاری فرانسه

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

فرید خلیفی - اتحادی از اسلامگرایان و چپگرایان که دهه‌ها برای تسلط بر منابع ایران دندان تیز کرده بود، در ۵۷ فرصت یافت با تأسیس حکومتی متشکل از «دزدان»، غارت منابع ایران را آغاز کند. طی سالیان نمونه‌های مختلف نشان داده‌اند در جمهوری راهزنان نیز دزدها به دو دسته «خودی و غیرخودی» تقسیم می‌شوند؛ غیرخودی‌ها اما

از آزادی با وثیقه در ماه مه همچنان در ایران بسر می‌برد، در پیام کوتاه ویدیویی به مناسبت دریافت جایزه‌ی حقوق بشر «واتسلاو هاول» گفت: «روزی خورشید آزادی بر کشور ما نیز خواهد تابید.» او افزود: «شاید روزی حقیقت نیز راه خود را به میهن ما پیدا کند.»

مجمع پارلمانی شورای اروپا که جایزه‌ی حقوق بشر واتسلاو هاول، به نام دگراندیش سرشناس دوران کمونیسم و رئیس‌جمهوری پیشین جمهوری چک، را اعطا می‌کند، با تجلیل از فعالیت‌های نسرين ستوده و سال‌ها تلاش او در دفاع از حقوق بشر، از وی قدردانی کرد.

این مجمع در بیانیه‌ی خود اعلام کرد که ستوده وکالت و دفاع از فعالان، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌ها و کودکانی را که با مجازات اعدام روبرو بوده‌اند، بر عهده داشته و در عین حال علیه حجاب اجباری و مجازات اعدام مبارزه کرده است؛ فعالیت‌هایی که با وجود بازداشت‌های مکرر، دوره‌های طولانی زندان و مخاطرات جدی شخصی ادامه یافته‌اند.

در غیاب نسرين ستوده، دخترش مهراوه خندان، این جایزه را به نمایندگی از مادر خود دریافت کرد.

نسرين ستوده روز اول آوریل در خانه‌اش بازداشت شد؛ بازداشتی که به گفته‌ی فعالان مدنی، بخشی از موج فشار بر جامعه‌ی مدنی در جریان جنگ ایران با اسرائیل و ایالات متحده بود. او حدود شش هفته بعد با سپردن وثیقه آزاد شد. این بازداشت پس از اعتراضات گسترده‌ی ماه ژانویه در سراسر ایران صورت گرفت؛ اعتراضاتی که به گفته‌ی فعالان،

نسرين ستوده برنده‌ی «جایزه‌ی حقوق بشر واتسلاو هاول» شورای اروپا شد



● مجمع پارلمانی شورای اروپا «جایزه‌ی حقوق بشر واتسلاو هاول» را به نسرين ستوده اهدا کرد و از سال‌ها فعالیت او در دفاع از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌ها و محکومان نوجوان به اعدام تقدیر کرد.

● نسرين ستوده در پیام کوتاه ویدیویی خود به مناسبت دریافت این جایزه گفت امیدوار است «روزی خورشید آزادی» بر ایران بتابد و حقیقت نیز راه خود را به میهن او پیدا کند.

● مهراوه خندان، دختر نسرين ستوده، در غیاب مادرش این جایزه را دریافت کرد؛ ستوده پس از بازداشت در ماه آوریل و حدود شش هفته زندان، در ماه مه با سپردن وثیقه آزاد شد و همچنان در ایران بسر می‌برد.

● مجمع پارلمانی شورای اروپا در بیانیه‌ی خود به مبارزه‌ی ستوده علیه حجاب اجباری و مجازات اعدام و ادامه‌ی فعالیت‌های حقوق بشری او با وجود بازداشت‌های مکرر و دوره‌های طولانی زندان اشاره کرد.

نسرين ستوده، وکیل و مدافع حقوق بشر ایرانی، روز دوشنبه به پاس سال‌ها فعالیت و تلاش پیگیر در دفاع از حقوق بشر، برنده‌ی «جایزه‌ی حقوق بشر واتسلاو هاول» شورای اروپا شد.

اعطای این جایزه به ستوده چند ماه پس از آزادی او از آخرین بازداشت صورت می‌گیرد.

شورای اروپا با اعطای این جایزه، از فعالیت‌های طولانی‌مدت و مستمر نسرين ستوده در عرصه‌ی دفاع از حقوق بشر تقدیر کرده است؛ فعالیت‌هایی که طی سالیان گذشته نام او را بعنوان یکی از چهره‌های شناخته‌شده در زمینه‌ی دفاع از حقوق و آزادی‌های مدنی در ایران مطرح کرده‌اند.

دختر نسرين ستوده جایزه‌ی حقوق بشر واتسلاو هاول را به نمایندگی از مادرش دریافت کرد.

نسرين ستوده، وکیل و مدافع حقوق بشر ایرانی که پس

تهدید جان میلیون‌ها شهروند در اصفهان به علت فرونشست؛ «منطقه خطر» از بافت تاریخی تا فرودگاه اصفهان گسترده است



تأثیر فرونشست قرار گرفته، ترک خورده و دچار شکاف شده‌اند.»

علی بیت‌الهی توضیح داد: «بیش از ۵۰ درصد تغذیه آبخوان اصفهان در گذشته از جریان زاینده‌رود تأمین می‌شده و قطع جریان دائمی رودخانه، در کنار برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، فشار بر آبخوان را تشدید کرده است. او تأکید کرده در این پهنه، بیش از ۲۸۵ مدرسه و ۲۸۰ مسجد قرار دارند و شبکه‌های آب، فاضلاب، گاز، بافت‌های فرسوده و بخشی از آثار تاریخی اصفهان نیز در معرض آثار فرونشست هستند.»

ماه گذشته نیز رضا شهبازی معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور با ارائه گزارشی استان‌های اصفهان، کرمان، تهران، البرز و قزوین را از استان‌های بحرانی در زمینه فرونشست عنوان کرد و گفت: «استان اصفهان و شهر اصفهان، استان کرمان و شهر کرمان و همچنین تهران و دشت جنوب‌غرب تهران از جمله مناطق مهم در این زمینه هستند. منظور از تهران در این مجموعه، یک پهنه مرتبط شامل استان‌های تهران، البرز و قزوین است که الگوی فرونشست در آنها تا حدود زیادی به یکدیگر مرتبط است و در این استان‌ها گسترش فرونشست را شاهد هستیم.» همچنین بر اساس نقشه جدید فرونشست‌ها، این پدیده در بسیاری از دشت‌های کشور به یکدیگر پیوستگی پیدا کرده است. رضا شهبازی هشدار داد: «در گذشته، پدیده فرونشست در بسیاری از مناطق به صورت لکه‌های جدا از هم مشاهده می‌شد، اما اکنون فضاهای بین این پهنه‌ها نیز تا حد زیادی پر شده و با پهنه‌های پیوسته و یکپارچه فرونشست مواجه هستیم.»

تکانه‌دهنده آنکه در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۵، گستره فرونشست در کشور حدود ۱۰ برابر شده است. شهبازی توضیح داد: «در مقایسه سال ۱۴۰۳ با سال ۱۴۰۰ نیز الگویی که مشاهده می‌کنیم، پیوستگی بیشتر پهنه‌های فرونشستی در کشور است. به هم پیوستن دشت‌های درگیر فرونشست با افزایش فشار بر منابع آب زیرزمینی ارتباط دارد.»

روز پیش در گفتگو با خبرگزاری «مهر» هشدار داده که پهنه فرونشست اصفهان اکنون بیش از ۳/۳ میلیون نفر را در بر گرفته و از محدوده شهر تا حبيب‌آباد، دولت‌آباد و فرودگاه اصفهان گسترش یافته است.

بر اساس توضیحات علی بیت‌الهی، «بیشترین بافت فرسوده شهری کشور در اصفهان و روی پهنه فرونشست زمین قرار دارد. همچنین بیش از ۲۸۵ مدرسه و بیش از ۲۸۰ مسجد در این محدوده روی زون فرونشستی قرار گرفته‌اند.»

وی با اشاره به زیرساخت‌های در معرض خطر تأکید کرده: «شبکه‌های آب، فاضلاب، گاز و سایر زیرساخت‌ها نیز دائماً در معرض فرونشست زمین قرار دارند. هر از چندگاهی این نشست‌ها موجب گسیختگی لوله‌های آب و فاضلاب و همچنین فروریزش‌های متعدد می‌شوند که می‌تواند، همانطور که تجربه آن را در تهران داشته‌ایم، حتی به تلفات جانی منجر شود.»

او گفته: «در کل کشور، کلانشهر دیگری را سراغ نداریم که به طور کامل در پهنه فرونشستی قرار گرفته باشد، بجز اصفهان. برآورد جمعیتی محدوده اصفهان و شهرهای اطراف و چند آبادی پیرامون آن نشان می‌دهد که این پهنه فقط به محدوده شهری اصفهان محدود نیست.»

رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی افزود: «زون [منطقه یا محوطه] فرونشست زمین به سمت حبيب‌آباد و دولت‌آباد در شمال اصفهان و حتی ارتفاعات شمالی گسترش پیدا کرده و در جهت شمال شرق نیز تا فرودگاه اصفهان ادامه یافته است. این وسعت، جمعیتی بیش از سه میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را دربرمی‌گیرد و این مسئله باید به عنوان یک هشدار جدی برای کنترل پدیده فرونشست زمین مورد توجه قرار گیرد.»

وی تأکید کرده: «علاوه بر این، بخش عمده‌ای از تاریخ کشور ما در محدوده اصفهان قرار دارد و این تاریخ در قالب نمادهای فرهنگی، میراث فرهنگی و آثار تاریخی قابل مشاهده است که متأسفانه تحت تأثیر فرونشست زمین قرار گرفته‌اند. چندین اثر تاریخی در این محدوده تحت

● علی بیت‌الهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی هشدار داده، پهنه فرونشست اصفهان اکنون بیش از ۳/۳ میلیون نفر را در بر گرفته است.

● منصور شیشه‌فروش مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان به تازگی اعلام کرد، ۲۹ دشت از ۳۵ دشت استان درگیر فرونشست هستند؛ دشت‌های اصفهان، برخوار، مهیار، اردستان، فلاورجان، گلپایگان و شهرضا از مناطق با نرخ بالاتر فرونشست به شمار می‌روند.

● اگرچه به گفته کارشناسان همه استان‌های ایران بجز استان گیلان با پدیده فرونشست درگیر هستند اما وضعیت گستردگی فرونشست و سرعت گستردگی در چند استان ایران از جمله تهران و اصفهان مرزهای هشدار را رد کرده است.

اصفهان از جمله استان‌هایی است که گستردگی فرونشست در آن مرزهای هشدار را رد کرده و «منطقه خطر» آن تا فرودگاه بین‌المللی این شهر گسترده شده است. همچنین بیش از ۳/۳ میلیون نفر در محدوده پرخطر فرونشست سکونت دارند. ماه گذشته سه فرونشست در سه خیابان مرکزی شهر اصفهان، به فاصله چند روز از یکدیگر رخ داد. این فرونشست‌ها در خیابان «نشاط» با یک حفره به شعاع شش متر و عمق پنج متر، در خیابان «طالقانی» با فرونشست زمین پس از شکستگی لوله آب، و فرورفتن چرخ‌های یک کامیون در حفره‌ای زیر آسفالت خیابان «شهید کاظمی» با عمق چند متر ایجاد شدند.

اگرچه به گفته کارشناسان همه استان‌های ایران بجز استان گیلان با پدیده فرونشست درگیر هستند اما وضعیت گستردگی فرونشست و سرعت گستردگی در چند استان ایران از جمله تهران و اصفهان مرزهای هشدار را رد کرده است. علت اصلی بروز این پدیده ویرانگر در ایران عدم مدیریت کارآمد منابع آبی طی دهه‌های گذشته و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی اعلام شده است.

منصور شیشه‌فروش مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان به تازگی اعلام کرد، ۲۹ دشت از ۳۵ دشت استان درگیر فرونشست هستند؛ دشت‌های اصفهان، برخوار، مهیار، اردستان، فلاورجان، گلپایگان و شهرضا از مناطق با نرخ بالاتر فرونشست به شمار می‌روند.

به گفته او، برداشت مستمر از آب‌های زیرزمینی، تخلیه آبخوان‌ها و نبود جریان دائمی زاینده‌رود از عوامل اصلی تشدید این پدیده است و تأمین حقایقه‌ها و مدیریت یکپارچه زاینده‌رود از سراب تا پایاب باید جدی‌تر دنبال شود.

همچنین به گفته کارشناسان در شهر اصفهان، فرونشست با فرسودگی شبکه فاضلاب نیز همزمان شده؛ حدود ۳۰۰ کیلومتر از شبکه فاضلاب نیازمند بازسازی است و وضعیت حدود ۴۰ کیلومتر آن اضطراری گزارش شده است.

دولت مدعی است برای کنترل برداشت از منابع زیرزمینی تا کنون بیش از ۱۱ هزار کنتور هوشمند روی چاه‌ها نصب شده و ۲۵ ایستگاه نیز برای پایش فرونشست در شهر اصفهان جاگامی شده است. با اینهمه سرعت گسترش فرونشست در این استان تکانه‌دهنده است.

در همین رابطه علی بیت‌الهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی دو

دستورالعمل هشدارآمیز وزارت علوم: پوشش دانشجویان باید «متین، آراسته، ساده» باشد!



اعتراض دختر دانشجو بدون حجاب در مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) - چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

در بخش دیگری از این دستورالعمل تأکید شده است که پوشش متناسب با محیط دانشگاه، جلوه‌ای از وقار دانشگاهی، احترام به شأن علمی و رعایت حرمت فضای مشترک آموزش، پژوهش و گفت‌وگوی علمی محسوب می‌شود.

سعید کرمی، معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها، نیز ماه گذشته از تدوین دستورالعملی درباره حجاب در دانشگاه‌ها خبر داده و گفته این دستورالعمل قرار است از سوی وزارت علوم و وزارت بهداشت ابلاغ شود.

به گفته‌ی او، این دستورالعمل در جلسات مشترک با مسئولان آموزش عالی در وزارتخانه‌های علوم و بهداشت تدوین شده است. سعید کرمی در همین حال قوانین موجود درباره حجاب را «بسیار خوب» خوانده و هشدار داده «قطعاً شاهد اتفاقات تلخی که بعضاً در سطح خیابان‌ها می‌بینیم، در دانشگاه نخواهیم بود».

اکنون این دستورالعمل در حالی تدوین و ابلاغ شده که بخش گسترده‌ای از زنان ایران با بی‌اعتنایی به قوانین حجاب اجباری، در فضاهای عمومی از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند. در هفته‌های اخیر استفاده زنان از حجاب اجباری به عنوان ابزار فشاری بر جامعه از سوی مقامات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.

برخی تحلیلگران معتقدند تأکید بر حجاب اجباری در حالیکه زنان از مدتها پیش قوانین حجاب را زیر پا گذاشته‌اند در اصل ابزاری برای کنترل و سلطه بر مردم در فضای عمومی است؛ ابزاری که در بزنگاه‌هایی چون از سرگیری اعتراضات سراسری می‌تواند سرکوب شهروندان و بستن فضای جامعه را فراهم کند.

به نظر می‌رسد دستورالعمل مرتبط با پوشش نیز امکان استقرار مأموران برای کنترل پوشش دانشجویان را در فضای دانشگاه فراهم می‌کند تا حکومت بر فضای دانشگاه برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی دانشجویان مسلط شود.

دانشگاهی و به ویژه دانشجویان «نوورود» تأکید کرده است.

بر اساس این ابلاغیه، دانشگاه‌ها موظف شده‌اند مفاد دستورالعمل را در زمان ثبت‌نام به اطلاع دانشجویان «نوورود» برسانند و نسبت به نصب و انتشار تبلیغات محیطی مناسب در فضاهای عمومی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اقدام کنند.

در مقدمه «راهنمای آراستگی، اخلاق و منش دانشگاهی» تأکید شده است که دانشگاه محیطی علمی، فرهنگی و تربیتی است و تحقق مأموریت‌های آن نیازمند فضایی آرام، امن، اخلاقی و مبتنی بر احترام متقابل است. بر همین اساس، همه اعضای جامعه دانشگاهی اعم از استادان، کارکنان و دانشجویان در شکل‌دهی به فرهنگ و فضای دانشگاه مسئول شناخته شده‌اند و انتظار می‌رود رفتار فردی و حرفه‌ای آنان با شان و مأموریت دانشگاه متناسب باشد.

همچنین ادعا شده این دستورالعمل «با هدف تقویت فرهنگ دانشگاهی، حفظ کرامت اعضای جامعه دانشگاهی، پیشگیری از تنش و تعارض و ایجاد چارچوبی روشن برای رفتار حرفه‌ای و آراستگی در محیط دانشگاه» تدوین شده است.

در بخش مربوط به پوشش دانشجویان که با عنوان «آراستگی و پوشش» مشخص شده، آمده است که «هر فضای اجتماعی متناسب با آداب، هنجارها و ویژگی‌های خود نیازمند رعایت ظاهری متناسب است و در محیط دانشگاه نیز رعایت ظاهری آراسته و پوششی متناسب با فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و شئون دانشگاهی برای آقایان و بانوان در همه فضاهای دانشگاهی ضروری است».

این دستورالعمل «استفاده از پوششی متین، آراسته، ساده و متناسب با فضای علمی» را از «الزامات» حضور در محیط دانشگاه عنوان کرده و پوشش مناسب فضای دانشگاه را برای ورود به محیط دانشگاه الزامی دانسته است.

● وزارت علوم دستورالعمل «آراستگی، اخلاق و منش دانشگاهی» را به رؤسای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری ابلاغ و بر ضرورت اطلاع‌رسانی این دستورالعمل به اعضای جامعه دانشگاهی و به ویژه دانشجویان «نوورود» تأکید کرده است.

● این دستورالعمل «استفاده از پوششی متین، آراسته، ساده و متناسب با فضای علمی» را از «الزامات» حضور در محیط دانشگاه عنوان کرده و پوشش مناسب فضای دانشگاه را برای ورود به محیط دانشگاه الزامی دانسته است.

● این دستورالعمل در حالی تدوین و ابلاغ شده که بخش گسترده‌ای از زنان ایران با بی‌اعتنایی به قوانین حجاب اجباری، در فضاهای عمومی از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند.

● به نظر می‌رسد دستورالعمل مرتبط با پوشش امکان استقرار مأموران برای کنترل پوشش دانشجویان را در فضای دانشگاه فراهم می‌کند تا حکومت بر فضای دانشگاه برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی دانشجویان مسلط شود.

وزارت علوم جمهوری اسلامی در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید دستورالعمل پوشش دانشجویان را به تمامی دانشگاه‌های کشور ابلاغ کرد. بر اساس این ابلاغیه پوشش دانشجویان باید متین، آراسته، ساده و متناسب با فضای علمی باشد!

فراگیری استفاده از پوشش اختیاری توسط زنان در ایران سبب هراس جمهوری اسلامی شده و در پی اقداماتی برای نگه داشتن ویترین جامعه‌ای با حجاب اسلامی، تلاش دارد دست‌کم از گسترش پوشش اختیاری در دانشگاه‌ها جلوگیری کند.

در همین رابطه وزارت علوم دستورالعمل «آراستگی، اخلاق و منش دانشگاهی» را به رؤسای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری ابلاغ و بر ضرورت اطلاع‌رسانی این دستورالعمل به اعضای جامعه

وزرای کابینه پزشکian زیر تیغ استیضاح؛ تشدید شکافها در بقایای جمهوری اسلامی



حضور علی مدنی‌زاده در نشست مجلس شورای اسلامی برای پاسخ به پرسش ۴۲ نماینده پیرامون وضعیت اقتصادی کشور، ۱۶ دی ۱۴۰۴

اشاره به مشکلات اقتصادی کشور از جمله گرانی کالاها و افزایش نرخ ارز گفته: «موجود موجب شده فشار اقتصادی بیشتری بر اقشار مختلف جامعه وارد شود و مردم نسبت به افزایش قیمت‌ها، بی‌ثباتی بازار و دشواری تأمین هزینه‌های زندگی گلايه‌مند باشند و انتظار دارند دولت برای کنترل بازار و گرانی‌ها اقدام جدی انجام دهد.»

به گفته مجتبی یوسفی این وضعیت در شرایطی است که مردم بیش از هر زمان دیگری با افزایش قیمت کالاها، کاهش قدرت خرید و مشکلات معیشتی مواجه هستند. او افزوده مردم انتظار دارند تیم اقتصادی دولت برای کنترل بازار و جلوگیری از افزایش بیشتر قیمت‌ها برنامه مشخص و عملیاتی داشته باشد.

مجتبی یوسفی مسائلی چون وضعیت آشفته کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز و همچنین عدم ثبات در وضعیت اقتصادی کشور را نشانه ضعف مدیریتی علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دانسته و گفته: «استیضاح وزیر اقتصاد مطرح است اما به دلیل آنکه چند استیضاح جلوتر قرار دارد ابتدا باید آنها تعیین تکلیف و این استیضاح هم در فرآیند نوبت قرار خواهند قرار گرفت.»

همانطور که مجتبی یوسفی اشاره کرده، چند وزیر کابینه مسعود پزشکیان زیر تیغ استیضاح مجلس شورای اسلامی قرار دارند. اقدام نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که تعداد قابل توجهی از آنها از رقبای دولت پزشکیان هستند، برای به صحن علنی کشاندن وزرای دولت اصلاح‌طلب چهاردهم در حالیست که کشور در شرایط جنگی قرار دارد. این روند نشان از تشدید شکاف‌ها و اختلافات در ساختار باقیمانده و تضعیف‌شده جمهوری اسلامی دارد.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از جمله وزرایی است که امضاهای استیضاح او به حد نصاب رسیده و طرح استیضاح برای تعیین تاریخ برگزاری، به هیئت

دولت پزشکیان از جمله احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و عباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز زیر تیغ استیضاح قرار دارند.

فتح الله توسلی سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اعلام خبر آغاز طرح استیضاح وزیر اقتصاد، به برگزاری نشست این کمیسیون با عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی اشاره کرده و گفته: «در جلسه اخیر کمیسیون اقتصادی، رئیس کل بانک مرکزی، اعضای کمیسیون اقتصادی و همچنین تعدادی از معاونان بانک مرکزی از جمله معاون ارزی و معاون بین‌الملل حضور داشتند و درباره وضعیت اقتصادی کشور و مسائل مرتبط با بازار ارز بحث و بررسی صورت گرفت.»

توسلی با بیان اینکه در این جلسه نسبت به افزایش قیمت ارز اعتراض جدی مطرح شد، گفت: «در کمتر از یک سال، قیمت دلار بیش از ۱۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. البته تحریم‌ها، محدودیت‌های اقتصادی، کاهش صادرات و مسائل مربوط به وصول ارز را در شرایط اقتصادی کشور می‌پذیریم، اما میزان افزایش قیمت ارز نیازمند توضیح و بررسی جدی است.»

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزود: «در این جلسه، رئیس کل بانک مرکزی و معاونان این بانک توضیحاتی درباره دلایل افزایش نرخ ارز ارائه کردند که بخش عمده آن به کاهش صادرات و وصول ارز مربوط می‌شد، اما شخصاً از توضیحات ارائه‌شده قانع نشدم.»

او همچنین گفت که بانک مرکزی برنامه مشخصی برای کنترل نرخ ارز ندارد: «توضیحات ارائه‌شده بیشتر ناظر بر این بود که با بهبود شرایط و افزایش صادرات، منابع ارزی کشور افزایش پیدا کند، اما در این جلسه راهکار مشخص و عملیاتی خاصی برای حل وضعیت موجود ارائه نشد.»

مجتبی یوسفی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی با

● مجتبی یوسفی مسائلی نماینده مجلس شورای اسلامی وضعیت آشفته کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز و همچنین عدم ثبات در وضعیت اقتصادی کشور را نشانه ضعف مدیریتی علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دانسته و گفته «استیضاح وزیر اقتصاد مطرح است.»

● طرح استیضاح احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تعیین تاریخ برگزاری، به هیئت رئیسه مجلس تقدیم شده است. او تا کنون دو کارت زرد از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده و در صورت برگزاری جلسه استیضاح احتمال عزل او با رأی منفی نمایندگان بالا ارزیابی می‌شود.

● عباس عراقچی وزیر امور خارجه از دیگر وزرای کابینه پزشکیان است که طرح استیضاح او توسط برخی نمایندگان مانند امیرحسین ثابتی و علی خضریان به ثبت رسیده و دنبال می‌شود.

● «خبرآنلاین» نوشته: «فارغ از همه بحران‌های بین‌المللی و سایه جنگی که بر سر کشور سنگینی می‌کند، بخشی از تندروها و مخالفان دولت نیز تلاش می‌کنند تا با ایجاد موانع و حتی استفاده از ابزارهایی قانونی، دولت را از حیز انتفاع بیندازند تا خودشان بار دیگر هسته قدرت را به دست بگیرند.»

● روزنامه دولتی «ایران» نیز با انتقاد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشته: «استیضاح اگرچه می‌تواند آخرین حلقه یک فرآیند نظارتی باشد، اما وقتی به اولین راه حل تبدیل می‌شود قطعاً باید با پاسخ مشخص استیضاح کنندگان به این پرسش همراه باشد که آیا با تغییر وزیر، مسائل مورد اعتراض‌شان حل خواهد شد؟»

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از تدوین طرح استیضاح وزیر اقتصاد خبر داد و گفت تعدادی از نمایندگان نیز این طرح را امضا کردند. چند وزیر دیگر

عراقچی: منتظر پاسخ آمریکا هستیم؛ ترامپ: «من به آنها هیچ پیشنهادی ندادم!»

است، گفت که در صورت دریافت پاسخ آمریکا تصمیم‌گیری درباره آن در تهران انجام خواهد شد. عراقچی در عین حال گزارش‌های منتشرشده درباره تغییر موضع رژیم ایران را رد کرد و گفت: «هیچ تغییری در مواضع ایران رخ نداده است.» او افزود شروط تهران برای بازگشایی تنگه هرمز مشخص است و «در حال حاضر اصلاً بحثی وجود نداشته که انعطافی وجود داشته باشد.»

همزمان برخی منابع از جمله آکسیوس مدعی شدند که دونالد ترامپ در ازای بعضی امتیازات اقتصادی پیشنهاد بازگشایی تنگه هرمز را داده است اما ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» ادعاها درباره پیشنهاد گشایش اقتصادی به جمهوری اسلامی در ازای امتیازهای مشخص هسته‌ای را تکذیب کرد. ترامپ در همین ارتباط نوشت: «آکسیوس به تازگی گزارشی منتشر کرده که در آن ادعا شده ترامپ به ایران پیشنهاد کاهش تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده را داده است. این درست نیست. من هیچ چیز به آنها پیشنهاد نکردم.»

رئیس جمهوری آمریکا از آکسیوس خواست فوراً این گزارش را پس بگیرد و افزود: «گزارش آکسیوس مانند بیشتر

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در پایان سفر خود به نیویورک عنوان کرد که تهران، همچنان منتظر دریافت پاسخ رسمی آمریکا درباره «طرح پیشنهادی» خود برای بازگشایی تنگه هرمز است. به گفته او، این پاسخ از طریق میانجی‌های قطری به جمهوری اسلامی منتقل خواهد شد.

همزمان برخی منابع از جمله آکسیوس مدعی شدند که دونالد ترامپ در ازای بعضی امتیازات اقتصادی پیشنهاد بازگشایی تنگه هرمز را داده است اما ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» ادعاها درباره پیشنهاد گشایش اقتصادی به رژیم ایران در ازای امتیازهای مشخص هسته‌ای را تکذیب کرد.

یک مقام جمهوری اسلامی که خواست نامش فاش نشود، در یک مصاحبه مکتوب با «پولیتیکو» گفت که «مشکل اصلی» اینست که «به نظر می‌رسد ترامپ هنوز به موضعی روشن و منسجم درباره اینکه دقیقاً از مذاکرات چه می‌خواهد، نرسیده» و «به همین دلیل، عبور از مرحله گفتگوها و رسیدن به یک توافق مشخص و عملی دشوار است.»



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

گزارش‌های دیگر جعلی است و فقط برای ارضای «سندروم ترامپ‌ستیزی» آنها منتشر شده است.»

یک مقام جمهوری اسلامی که خواست نامش فاش نشود، در یک مصاحبه مکتوب با «پولیتیکو» گفت که «مشکل اصلی» اینست که «به نظر می‌رسد ترامپ هنوز به موضعی روشن و منسجم درباره اینکه دقیقاً از مذاکرات چه می‌خواهد، نرسیده است.» او در ادامه افزود: «این وضعیت باعث می‌شود بسیار دشوار باشد که بفهمیم طرف آمریکایی واقعاً برای چه چیزی آماده توافق است یا حتی در هر مقطع، هدف بلندمدت آن چیست.»

به اعتقاد این مقام رژیم ایران، «به همین دلیل عبور از مرحله گفتگوها و رسیدن به یک توافق مشخص و عملی دشوار است.»

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا با تأکید بر اینکه رژیم ایران در آستانه ورشکستگی قرار دارد، گفت که جمهوری اسلامی «به سرعت به سوی یک فاجعه پیش می‌رود.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در پایان سفر خود به نیویورک عنوان کرد که تهران همچنان منتظر دریافت پاسخ رسمی آمریکا درباره «طرح پیشنهادی» خود برای بازگشایی تنگه هرمز است. به گفته او این پاسخ از طریق میانجی‌های قطری به جمهوری اسلامی منتقل خواهد شد.

عراقچی گفت یکی از میانجی‌های قطری بار دیگر با هیات ایرانی دیدار کرده و درباره راه‌های تحقق شروط ایران گفتگو شده است. به گفته او میانجی‌های قطری قرار است این ایده‌ها را بار دیگر با طرف آمریکایی مطرح کنند و سپس پاسخ نهایی واشنگتن را به تهران منتقل نمایند. او ابراز امیدواری کرد که این پاسخ تا روز چهارشنبه (هشتم مهرماه) دریافت شود.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به اینکه ارتباط میان تهران و میانجی‌های قطری و پاکستانی از پیش وجود داشته اما پس از ارائه طرح هفت‌ماده‌ای ایران جدی‌تر شده

رئیس مجلس تقدیم شده است. او هفته گذشته به همراه معاونان و مدیران ارشد وزارت کار در نشست کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی حاضر شد اما در پایان این نشست که «پر تنش» توصیف شده نتوانست نمایندگان را قانع و طرح استیضاح او به صحن علنی مجلس شورای اسلامی رفت.

احمد میدری تا کنون دو کارت زرد از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده و در صورت برگزاری جلسه استیضاح احتمال عزل او با رأی منفی نمایندگان بالا ارزیابی می‌شود. از آنجا که وزارت کار با موضوعاتی مانند حقوق کارگران، حقوق و مزایای بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی و پرداخت بخشی از حمایت‌های مالی دولت ارتباط دارد، برخی نمایندگان برای کسب پایگاه اجتماعی اصرار زیادی به استیضاح احمد میدری دارند.

وزیر کار طی دو سال گذشته همواره در تیررس حملات منتقدان دولت در مجلس شورای اسلامی قرار داشته است. مهرماه سال گذشته زهرا سعیدی نماینده مبارکه در مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی جنجالی گفت: «۲۵ نفر از نمایندگان مجلس برای پافشاری بر استیضاح وزیر کار، با استامپ قرمز به نشانه «خون» پای برگه‌ها انگشت زدند و سوگند یاد کردند هیچکس از امضا عقب‌نشینی نکند.»

عباس عراقچی وزیر امور خارجه از دیگر وزرای کابینه پزشکیان است که طرح استیضاح او توسط برخی نمایندگان مانند امیرحسین ثابتی و علی خضریان به ثبت رسیده و دنبال می‌شود. دلیل اصلی این گروه از نمایندگان، پرونده مذاکرات دیپلماتیک اخیر و مواضع دستگاه دیپلماسی در سفرهای نیویورک اعلام شده که آن را مغایر با مصالح ملی می‌دانند.

وزیر راه و شهرسازی، وزیر نیرو، و وزیر نفت نیز از دیگر وزرایی هستند که هدف انتقادات و طرح پرسش‌های کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی قرار دارند. با اینهمه شرایط جنگ و تحریم اقتصادی سبب انتقادهایی به تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای تحت فشار قرار دادن کابینه پزشکیان شده است. وبسایت «خبرآنلاین» با اشاره به اینکه «دولت پزشکیان روزگار عجیبی را می‌گذراند» نوشته: «فارغ از همه بحران‌های بین‌المللی و سایه جنگی که بر سر کشور سنگینی می‌کند، بخشی از تدریج‌ها و مخالفان دولت نیز تلاش می‌کنند تا با ایجاد موانع و حتی استفاده از ابزارهایی قانونی، دولت را از حیز انتفاع بیندازند تا خودشان بار دیگر هسته قدرت را به دست بگیرند.»

روزنامه دولتی «ایران» نیز با انتقاد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشته: «استیضاح اگرچه می‌تواند آخرین حلقه یک فرآیند نظارتی باشد، اما وقتی به اولین راه حل تبدیل می‌شود قطعاً باید با پاسخ مشخص استیضاح‌کنندگان به این پرسش همراه باشد که آیا با تغییر وزیر، مسائل مورد اعتراض‌شان حل خواهد شد؟ دنبال‌کنندگان استیضاح و تغییر وزرای دولت چهاردهم یکبار به این پرسش در ماجرای استیضاح عبدالناصر همتی وزیر وقت اقتصاد پاسخ مثبت داده بودند. اما سیر تحولات نشان داد که ادعای آنها درباره نقش تغییر وزیر اقتصاد بر مهار شدن بازار ارز و نرخ دلار تا چه حد نادرست بود.»

این مطلب افزوده: «باید دید وقتی در شرایط عادی نیز تغییر وزیر راه حل مشکلات انباشته نبوده است، اکنون که کشور با تبعات جنگ و فشارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن مواجه است تا چه حد می‌توان از استیضاح وزرایی دفاع کرد که سعی کرده‌اند حوزه مسئولیت‌شان را در چنین شرایطی با امکانات و مقدرات موجود به نحوی اداره کنند که کشور مبتلا به چالش‌های جدی داخلی نشود.»

هشدار درباره کاهش سرانه غذا در خانواده‌های کارگری



با یک سیاست‌گذاری معیوب روبرو هستیم که هزینه‌هایش را از جیب ضعیف‌ترین اقشار جامعه می‌پردازد. این گزارش افزوده، فاجعه آنجاست که این فشار استخوان‌سوز، مرزهای اقتصاد را رد کرده و به بحران‌های تلخ اجتماعی تنه می‌زند. تصاویری که گهگاه در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، نشان‌دهنده سقوط طبقاتی و رسیدن کارد به استخوان است. این تصاویر شاید در سکوت آمارهای رسمی گم شوند، اما زنگ خطری برای سیستم سیاست‌گذاری مزدی هستند که پشت درهای بسته، با درصد‌های ناچیز و مصوبات روی کاغذ، برای معیشت میلیون‌ها انسان تصمیم می‌گیرد.

سیمین یعقوبیان، فعال کارگری، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با انتقاد از وضعیت درآمدی اقشار کارگری گفته: «وقتی سرانه مصرف مواد غذایی کاهش پیدا می‌کند، باید از خودمان بپرسیم مردم چگونه باید زندگی کنند؟ مسئله معیشت کارگران دیگر فقط یک بحث درباره درصد افزایش حقوق نیست. امروز باید همزمان چند شاخص را کنار یکدیگر قرار داد: قدرت خرید، دستمزد، سرانه مصرف مواد غذایی، هزینه مسکن و اجاره، هزینه درمان و بهداشت و هزینه آموزش.»

این فعال کارگری توضیح داده: «اگر در سال‌های گذشته یک خانواده کارگری می‌توانست مقدار مشخصی گوشت، مرغ، لبنیات، میوه، برنج و سایر اقلام ضروری را مصرف کند، امروز به دلیل افزایش قیمت‌ها ناچار است مقدار یا کیفیت این اقلام را کاهش دهد، این یعنی قدرت خرید واقعی خانوار کاهش یافته است؛ حتی اگر روی کاغذ، حقوق او افزایش پیدا کرده باشد.»

این فعال کارگری تبعات این وضعیت را فراتر

و طبق اعلام نماینده جامعه کارگری، جلسه این شورا هفته آینده برای بازنگری میزان دستمزد برگزار خواهد شد. این بازنگری بر اساس بندی از مصوبه مزد سال ۱۴۰۵ و با استناد به نرخ تورم فعلی کشور انجام می‌شود با اینهمه فعالان کارگری مطمئن نیستند تصمیم نهایی در شورای عالی کار بتواند فاصله عمیق میان درآمد و هزینه زندگی کارگران را کاهش داده و وضعیت معیشتی خانوارهای کارگری را بهبود ببخشد.

در حالی که درآمد کارگران اگر همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کنند در نهایت به حدود ۲۵ میلیون تومان می‌رسد، تورم با شتاب در حال افزایش است و هر ماه چند درصد بر قیمت انواع کالاها و خدمات افزوده می‌شود. محاسبات نشان می‌دهد رقم سید معیشت - که شامل هزینه‌های ضروری زندگی ماهانه یک خانوار سه تا چهار نفره است - در تهران به بیش از ۹۰ میلیون و در دیگر شهرها به ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی تکانه‌دهنده از کاهش شدید سرانه غذا در خانوارهای کارگری خبر داده و نوشته مواد غذایی ضروری در حالی یکی پس از دیگری از سبد خرید کارگران حذف شده که حالا کارگران فقط دنبال موادی هستند که بتوانند شکم خانواده‌های آنها را سیر کند اما همین غذا نیز به میزان کافی در دسترس این خانوارها نیست.

خبرگزاری «ایلنا» نوشته این دیگر یک بحران صرفاً اقتصادی نیست؛ این نابودی تدریجی جان، سلامت و روان یک طبقه است. وقتی کارگر مجبور می‌شود برای جبران کرایه خانه، سهم پروتئین و لبنیات کودکانش را خط بزند، ما

● خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی تکانه‌دهنده از کاهش شدید سرانه غذا در خانوارهای کارگری خبر داده و نوشته مواد غذایی ضروری در حالی یکی پس از دیگری از سبد خرید کارگران حذف شده که حالا کارگران فقط دنبال مواد غذایی هستند که بتوانند شکم خانواده‌های آنها را پر کند اما همین غذا نیز به میزان کافی در دسترس این خانوارها نیست.

● سیمین یعقوبیان فعال کارگری: موضوع نگران‌کننده این است که کاهش مصرف مواد غذایی فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ مستقیماً با سلامت نسل آینده، توان کاری نیروی انسانی و آینده اجتماعی کشور ارتباط دارد. ما باید صریح بپرسیم: چرا باید سرانه مصرف اقلام ضروری غذایی خانوارهای کم‌درآمد سال به سال تحت فشار قرار گیرد و کاهش یابد؟

● علی محمد عزیزی نایب رئیس مجمع عالی کارگران ایران نیز درباره شرایط معیشتی کارگران گفته، کارگر امروز دیگر زیر خط فقر نیست بلکه از آن عبور کرده و به مرز فلاکت رسیده است.

وزارت کار جمهوری اسلامی قرار است در نشست شورای عالی کار موضوع افزایش دستمزد کارگران را به علت تورم فزاینده و بر اساس قوانین کار مورد بررسی قرار دهد. فعالان کارگری با اشاره به اینکه دستمزد کنونی کارگران حدود یک هفته از هزینه‌های زندگی را پوشش می‌دهد تردید دارند خروجی این نشست بتواند وضعیت زندگی خانوارهای کارگری را بهبود ببخشد.

اسعد صالحی، عضو شورای عالی کار، خبر داده دستمزد ۱۴۰۵ کارگران بار دیگر در شورای عالی کار بررسی می‌شود

تحریم‌های آمریکا علیه ۱۰ شرکت و شخص مرتبط با تأمین قطعات و تسلیحات برای جمهوری اسلامی



وزارت خزانه‌داری آمریکا

فهرست این تحریم‌ها قرار گرفتند. طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، این شرکت مستقر در ایران تجهیزات الکترونیک از جمله اتصال‌دهنده‌ها را برای شرکت صنایع هواپیماسازی ایران تهیه کرده است.

شرکت «ای‌سی موجو تکنولوژی» (EC Mojo Tech-nology) و لی فن نماینده این شرکت در چین نیز تحریم شده است. به گفته وزارت خزانه‌داری، این شرکت مستقر در هنگ‌کنگ با فراهم کردن قطعات الکترونیک به شرکت «کاوشکام» کمک می‌کرده است.

وسیم پاشا تجمل رئیس هیات مدیره «گروه کاوالیر» (Cavalier Group) نیز در بین تحریم‌شدگان است. این گروه خصوصی در حوزه دفاعی فعالیت می‌کند و شرکت‌هایی در پاکستان، عربستان و ترکیه دارد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا این شرکت‌ها را تحریم کرد: شرکت سهامی «دفتر طراحی آزمایشی به نام آ. س. یاکوفلوف»؛ سازنده هواپیما، مستقر در روسیه.

شرکت کشتیرانی «ام‌جی فلوت»؛ مستقر در روسیه؛ کشتی‌های آن برای دولت روسیه تسلیحات حمل می‌کنند. شرکت هواپیمایی ساها؛ مستقر در ایران و وابسته به نیروی هوایی جمهوری اسلامی

دونالد ترامپ گفت که جمهوری اسلامی ایران وضعیت بدی دارد و در نهایت تسلیم خواهد شد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کند رژیم ایران در حال تسلیم شدن است، گفت: «وضعیت خیلی بدی دارند. نمی‌دانم که آیا فعلاً قرار است تسلیم شوند یا نه، اما بالاخره تسلیم خواهند شد.»

ترامپ افزود: «می‌دانید، در چند روز گذشته میزان نفتی که ما از تنگه هرمز منتقل کردیم، از هر زمانی در تاریخ، حتی خیلی پیش از جنگ هم بیشتر بوده است. هدف این جنگ توقف دستیابی [رژیم ایران] به سلاح هسته‌ای است.» اظهارات ترامپ در حالی بیان می‌شود که بنا بر اعلام شرکت ردیابی محموله‌های نفتی «کپلر»، میزان صادرات نفت خاورمیانه در ماه سپتامبر به حدود ۸۰ درصد سطح پیش از جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران رسیده است.

● دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) سه‌شنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۵ در راستای کارزار «طرد اقتصادی» جمهوری اسلامی، طی بیانیه‌ای ۱۰ شخص و نهاد از جمله شرکت‌هایی مستقر در چین، هنگ‌کنگ و پاکستان را تحریم را به اتهام تهیه قطعات و تسلیحات برای حکومت ایران تحریم کرد.

● اسکاٹ بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در «ایکس» نوشت: «وزارت خزانه‌داری هیچ‌گونه حمایتی از رژیم ایران را تحمل نخواهد کرد و به شناسایی، افشا و منزوی کردن حامیان آن ادامه خواهد داد.»

● یکی از تحریم‌شدگان اصغر علیزاده طباطبایی است. به گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا، طباطبایی در پکن مستقر است و به نمایندگی از وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، هماهنگی‌های لازم برای تهیه سامانه‌های تسلیحاتی آماده و قطعات دارای کاربرد دوگانه را از چین انجام می‌داده است.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) سه‌شنبه هفتم مهرماه ۱۴۰۵ در راستای کارزار «طرد اقتصادی» جمهوری اسلامی، طی بیانیه‌ای ۱۰ شخص و نهاد از جمله شرکت‌هایی مستقر در چین، هنگ‌کنگ و پاکستان را تحریم را به اتهام تهیه قطعات و تسلیحات برای حکومت ایران تحریم کرد.

وزارت خارجه آمریکا نیز همزمان سه نهاد مرتبط با برنامه تسلیحاتی جمهوری اسلامی را تحریم کرد.

اسکاٹ بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در «ایکس» نوشت: «وزارت خزانه‌داری هیچ‌گونه حمایتی از رژیم ایران را تحمل نخواهد کرد و به شناسایی، افشا و منزوی کردن حامیان آن ادامه خواهد داد.»

یکی از تحریم‌شدگان اصغر علیزاده طباطبایی است. به گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا، طباطبایی در پکن مستقر است و به نمایندگی از وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، هماهنگی‌های لازم برای تهیه سامانه‌های تسلیحاتی آماده و قطعات دارای کاربرد دوگانه را از چین انجام داده است. گروه تحقیق و توسعه «کاوشکام آسیا» و علی فتوت احمدی مدیر آن و پریسا لالی نماینده این شرکت نیز در

از مسائل مالی دانسته و هشدار داده: «موضوع نگران‌کننده این است که کاهش مصرف مواد غذایی فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ مستقیماً با سلامت نسل آینده، توان کاری نیروی انسانی و آینده اجتماعی کشور ارتباط دارد. ما باید صریح بپرسیم: چرا باید سرانه مصرف اقلام ضروری غذایی خانوارهای کم‌درآمد سال به سال تحت فشار قرار گیرد و کاهش یابد؟»

علی محمد عزیزی نایب رئیس مجمع عالی کارگران ایران نیز درباره شرایط معیشتی کارگران گفته که کارگر امروز دیگر زیر خط فقر نیست بلکه از آن عبور کرده و به مرز فلاکت رسیده است.

به گفته این فعال کارگری، «در شرایطی که موضوع ترمیم مزد کارگران در سال ۱۴۰۵ وارد مرحله جدیدی شده و بحث تشکیل کمیته بررسی و بازنگری مزد مطرح است، جامعه کارگری انتظار دارد این بار تصمیم‌گیری‌ها نه بر اساس برآوردهای اداری و اعداد روی کاغذ، بلکه بر اساس واقعیت سفره مردم و هزینه واقعی زندگی انجام شود.»

علی محمد عزیزی افزوده: «امروز درباره یک مطالبه صنفی معمولی صحبت نمی‌کنیم؛ درباره مسئله‌ای صحبت می‌کنیم که مستقیماً با معیشت، سلامت، امنیت اقتصادی و آینده میلیون‌ها خانواده کارگری ارتباط دارد؛ وقتی قیمت کالاهای اساسی با چنین سرعتی افزایش پیدا می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت دستمزدی که ماه‌ها قبل تعیین شده، همچنان قدرت خرید قبلی خود را حفظ کند.»

این فعال کارگری تأکید کرده: «کارگر امروز با یک واقعیت تلخ مواجه است؛ حقوقش ثابت و محدود است، اما قیمت کالاها و خدمات مرتباً افزایش پیدا می‌کند. نتیجه روشن است، هر روز بخشی از قدرت خرید کارگر از بین می‌رود؛ این یعنی حتی اگر روی کاغذ درصدی به مزد اضافه شده باشد، در زندگی واقعی ممکن است کارگر فقیرتر شده باشد.»

او هشدار داده: «جامعه کارگری امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم عملی است؛ زمان وعده دادن تمام شده است؛ سفره کارگر منتظر گزارش کارشناسی نمی‌ماند؛ اجاره‌خانه هر ماه باید پرداخت شود و هزینه درمان و زندگی هم متوقف نمی‌شود.»

فتح‌الله بیات فعال کارگری ساکن تهران نیز تأکید کرده: «افزایش نرخ ارز و دلار، با وجود اینکه پول رایج کشور نیست، تأثیر مستقیم بر اقتصاد داخلی دارد و موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و حتی کالاهای تولید داخل می‌شود. تولیدکنندگان داخلی برای تهیه مواد اولیه ناچار به خرید با ارز خارجی هستند و همین موضوع قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی را بالا می‌برد.»

فتح‌الله بیات افزوده: «نوسانات ارزی در ماه‌های اخیر اثر قابل توجهی بر سفره کارگران گذاشته و قدرت خرید آنان را کاهش داده است. افزایش حقوق و دستمزد که هر سال در اسفند تعیین می‌شود، در همان ماه‌های ابتدایی سال اثر خود را از دست می‌دهد؛ زیرا تورم مهار نمی‌شود و قیمت کالاهای مصرفی به‌صورت روزانه افزایش می‌یابد.»

همانطور که فعالان کارگری تأکید دارند، سقوط قدرت خرید کارگران اکنون به فاجعه‌ای تبدیل شده که در عمل آنها و خانواده‌هایشان را گرسنه نگه داشته است. اغلب مواد غذایی ضروری مانند گوشت، لبنیات و میوه از سبد مصرفی خانوارها حذف شده است و آنها اندک بودجه‌ای را که دارند برای خرید مواد غذایی شکم پرکن مانند نان و ماکارونی هزینه می‌کنند که دارای ارزش غذایی پایینی است.

شوک تحریم آسمان ایران بر صنعت در آستانه‌ی ورشکستگی داروسازی



● داوود رنگی نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی: برخی کالاها از جمله دارو و واکسن به حمل سریع و در مواردی به زنجیره سرد نیاز دارند و انتقال آنها از مسیرهای واسطه و سپس زمینی می‌تواند با مشکلات جدی همراه شود.

● حسین کرمانپور سخنگوی وزارت بهداشت نیز تحریم‌های جدید ایالات متحده را شوک دیگری برای صنعت دارویی کشور ارزیابی و تأکید کرده که مشکلات تأمین دارو تنها به واردات محدود نمی‌شود و مسیرهای حمل و نقل، پرداخت‌های مالی، تأمین مواد اولیه و تجهیزات پزشکی نیز تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته‌اند.

● صنعت دارویی ایران از جمله صنایعی است که طی سال‌های گذشته با بحران‌های مختلف از جمله کمبود شدید نقدینگی روبرو بوده و در آستانه ورشکستگی قرار داشته است. این وضعیت شهروندان را با افزایش قیمت چند برابری و کمبود شدید دارو روبرو کرد.

در حالی که بحران‌های انباشته، صنعت دارویی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار داده، فعالان این صنعت از بحران جدید در پی محاصره آسمان ایران با تحریم‌های جدید ایالات متحده خبر می‌دهند. نایب‌رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی هشدار داده بیشترین خسارت محاصره آسمان ایران متوجه صنعت دارویی است و گفته: «برخی کالاها از جمله دارو و واکسن به حمل سریع و در مواردی به زنجیره سرد نیاز دارند و انتقال آنها از مسیرهای واسطه و سپس زمینی می‌تواند با مشکلات جدی همراه شود.»

صنعت دارویی ایران از جمله صنایعی است که طی سال گذشته با بحران‌های مختلفی از جمله کمبود شدید نقدینگی روبرو و در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. خروجی وضعیت بحرانی صنعت دارویی را شهروندان با افزایش قیمت چند برابری و کمبود شدید دارو تجربه کرده بودند. اکنون محاصره آسمان ایران و لغو سریالی پروازها که در پی تحریم‌های جدید ایالات متحده ایجاد شده نیز مشکلاتی جدید را برای این صنعت ایجاد کرده است.

داوود رنگی، نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی، در اینباره گفته این بحران شامل هم داروهای دامی می‌شود و هم داروهای انسانی: «برخی کالاها از جمله دارو و واکسن به حمل سریع و در مواردی به زنجیره سرد نیاز دارند و انتقال آنها از مسیرهای واسطه و سپس زمینی می‌تواند با مشکلات جدی همراه شود. اینجا پرسش اصلی برای تجارت ایران، فقط افزایش هزینه حمل نیست؛ بلکه حفظ امکان تأمین برخی کالاهای ضروری است.»

به گفته او، در شرایطی که امکان حمل مستقیم برخی محموله‌های هوایی وجود نداشته باشد، انتقال آنها به کشورهای واسطه و سپس حمل زمینی به ایران می‌تواند مشکلات جدی ایجاد کند. داوود رنگی همچنین گفته، در بخش دارو و به ویژه نوعی از واکسن‌های مورد استفاده در صنعت مرغداری که حتماً باید در زنجیره سرد حمل شود، این فرآیند رفتاری‌های فوق‌العاده بالایی ایجاد می‌کند، چرا که باز کردن آن محموله و حمل زمینی آن اصلاً امکان‌پذیر نیست. برای این مسئله باید تدبیری اندیشیده شود، زیرا اگر این واکسن وارد کشور نشود، اثرات بسیار مخربی بر میزان تولید تخم‌مرغ کشور به جای خواهد گذاشت و تبعات سنگینی دارد.

حسین کرمانپور سخنگوی وزارت بهداشت نیز تحریم‌های

رئیس انجمن داروسازان افزوده بود: «در وضعیت عادی تسویه حساب داروخانه‌ها با شرکت‌های پخش، مدت‌دار است. از طرف دیگر بیمه در بهترین حالت بدهی خود به داروخانه‌داران را ۳ ماهه تسویه می‌کند. اما وقتی یک دارو نایاب می‌شود، فرصت ۱۰ روزه برای داروخانه در نظر می‌گیرند. ببینید این اتفاق چه نقدینگی را از داروخانه به خودش اختصاص می‌دهد.»

وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی درباره مشکلات داروخانه‌ها نوشته است: «داروخانه‌ها در سال‌های اخیر در شرایطی قرار گرفته‌اند که افزایش قیمت دارو به تنهایی مشکل اصلی آنها نیست؛ بلکه ترکیبی از چند فشار همزمان، اقتصاد این بخش را تحت فشار گذاشته است: افزایش هزینه خرید دارو، رشد هزینه‌های جاری، تأخیر پرداخت بیمه‌ها و کاهش قدرت خرید مردم.»

این گزارش تأکید کرده: «در زنجیره درمان، داروخانه یکی از آخرین حلقه‌هاست؛ جایی که بیمار نسخه را تحویل می‌گیرد و دارو دریافت می‌کند. اما مدل مالی این بخش باعث شده داروخانه‌ها عملاً بخشی از هزینه درمان را برای مدتی تأمین کنند.» در گزارش «اقتصاد نیوز» آمده: «داروخانه باید از شرکت‌های پخش دارو خرید کند. شرکت‌های پخش نیز معمولاً انتظار دارند مطالباتشان در زمان مشخص پرداخت شود. اما در بخش بیمه‌ای، داروخانه پس از تحویل دارو به بیمار، باید منتظر دریافت سهم بیمه بماند.»

هادی احمدی سخنگوی انجمن داروسازان ایران نیز به تازگی اعلام کرده، بدهی سازمان‌های بیمه و سازمان هدمندی یارانه‌ها به داروخانه‌های کشور تا پایان امرداد ۱۴۰۵ به حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده و هر ماه نیز نزدیک به ۱۲ هزار میلیارد تومان به این رقم افزوده می‌شود. هادی احمدی هشدار داده: «تأخیر در پرداخت مطالبات، تمام زنجیره تأمین دارو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. داروخانه نمی‌تواند بدهی شرکت پخش را بپردازد، شرکت پخش در پرداخت مطالبات تولیدکننده ناتوان می‌شود و تولیدکننده نیز برای خرید ارز و تأمین مواد اولیه با کمبود نقدینگی روبرو خواهد شد.»

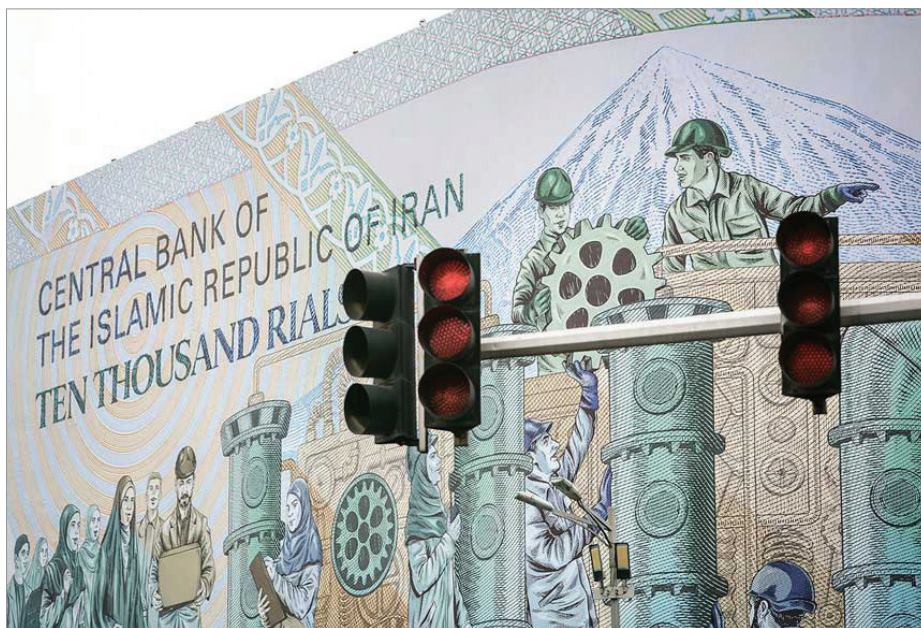
جدید ایالات متحده را شوک دیگری برای صنعت دارویی کشور ارزیابی، و تأکید کرده که مشکلات تأمین دارو تنها به واردات محدود نمی‌شود و مسیرهای حمل‌ونقل، پرداخت‌های مالی، تأمین مواد اولیه و تجهیزات پزشکی نیز تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته‌اند. حسین کرمانپور از افزایش هزینه حمل و نقل به عنوان یکی دیگر از مشکلاتی نام برده که پس از جنگ ایجاد شده است: «قیمت جهانی مواد اولیه افزایش پیدا نکرده، اما شرایط انتقال و جابه‌جایی باعث شده هزینه واقعی برای ما بیشتر شود. یعنی ممکن است قیمت ماده اولیه در بازار جهانی یک رقم باشد، اما وقتی هزینه‌های انتقال، پرداخت، مسیرهای غیرمعمول و محدودیت‌های مختلف اضافه می‌شود، قیمت تمام‌شده برای کشور بسیار بالاتر خواهد رفت. برای مثال، مثل این است که شما گندم را وارد کنید، اما هزینه پرداخت و انتقال آن باعث شود قیمت تمام‌شده گندم چند برابر قیمت واقعی آن شود. طبیعتاً در چنین شرایطی هزینه نهایی محصول نیز افزایش پیدا می‌کند.»

سخنگوی وزارت بهداشت افزوده: «در حوزه دارو این موضوع حساس‌تر است، چون بحث فقط یک کالای اقتصادی نیست؛ بحث سلامت و جان مردم است. به همین دلیل ما علاوه بر داروهای ساخته‌شده، موضوع مواد اولیه دارویی، تجهیزات پزشکی و حتی تجهیزاتی مانند دستگاه‌های تصویربرداری را نیز دنبال می‌کنیم. اگر تجهیزات پزشکی دچار اختلال شود، گاهی تأمین قطعه یا ورود تجهیزات جدید با مشکلاتی مواجه می‌شود که اثر آن می‌تواند حتی از برخی کمبودهای دارویی نیز بیشتر باشد.»

شهرام کلانتری خاندانی، رئیس انجمن داروسازان، پیشتر اعلام کرده بود «بیش از ۴۰ درصد داروخانه‌ها در ایران در مرز ورشکستگی هستند.»

این فعال صنفی «کمبود نقدینگی» را یک مسئله جدی برای داروخانه‌داران عنوان کرده و گفته بود: «شرکت‌های دارویی و داروسازان هم با مشکل کمبود نقدینگی روبرو هستند... با وضعیت کنونی زنگ هشدار برای ورشکستگی داروخانه‌ها به صدا درآمده است. آمارهای ما می‌گوید بیش از ۴۰ درصد داروخانه‌های کشور در مرز ورشکستگی هستند.»

هشدار کارشناسان درباره اقتصادی که دیگر نفت هم راهگشای آن نیست



مولد، به سمت بازارهای غیرمولد حرکت می‌کند. اگرچه جنگ و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده به رژیم تهران طی ماه‌های گذشته در تشدید بحران اقتصادی کنونی نقش محوری داشته است اما بسیاری از اقتصاددانان تأکید دارند شرایط جنگ و تحریم صرفاً سرعت سقوط اقتصاد ایران را افزایش داده و علت اصلی شرایط کنونی نتیجه بیش از چهار دهه سیاست‌گذاری نامطلوب و ناکارآمدی مژمن حکومت است.

فرشاد مؤمنی اقتصاددان نزدیک به جریان «سازندگی» نیز از جمله کارشناسانی است که عامل اصلی بحران کنونی در اقتصاد ایران را سیاست‌های نادرست اقتصادی دانسته و تأکید کرده: «در چهار دهه گذشته، سیاست‌هایی بارها شکست خورده‌اند، اما دوباره همان سیاست‌ها با این استدلال که باید یکبار دیگر آنها را آزمایش کنیم، تکرار شده‌اند. اگر یک سیاست بارها شکست خورده است، باید دوباره تکرار آن تجدیدنظر کرد. اما گاهی منافع گروه‌های خاص و مافیاهای باعث می‌شود سیاست‌های شکست‌خورده همچنان ادامه پیدا کنند.»

فرشاد مؤمنی افزوده: «برخی منتقدان سیاست‌های اقتصادی به سیاه‌نمایی یا نداشتن راه حل متهم می‌شوند، در حالی که گاهی نخستین گام برای حل مسئله، متوقف کردن سیاست‌های مخربی است که نتایج نامطلوب آنها بارها مشاهده شده است. وقتی آثار یک سیاست در آمارهای رسمی نیز مشاهده می‌شود، نمی‌توان صرفاً با شعار از ادامه آن دفاع کرد.»

این اقتصاددان اصرار دولت پزشکیان به توزیع کالا برگر با اعتباری ناچیز را از جمله اقدامات نادرست عنوان کرده و گفته: «قدرت خرید کالا برگر که امروز توزیع می‌شود، در برابر خسارت‌هایی که سیاست‌های تورم‌زا به معیشت خانوارها وارد کرده، بسیار محدود است. وقتی یک سیاست تورم‌زا اتخاذ می‌شود، هزینه آموزش، درمان و حمل و نقل خانوار افزایش پیدا می‌کند و دسترسی آن به لوازم خانگی و سایر نیازهای ضروری کاهش می‌یابد. حالا نمی‌توان با چند گرم گوشت قرمز، چند گرم گوشت سفید و مقداری پنیر، خسارت‌هایی را که به خانوار وارد شده جبران کرد.»

بخشی از افت سایر بخش‌ها را جبران می‌کرد، اما اکنون بخش نفت نیز با مشکل مواجه شده است.»

آلبرت بغزبان با بیان اینکه «در بهار ۱۴۰۵ هم رشد اقتصادی با نفت و هم بدون نفت منفی بوده و نفت توانسته است افت سایر بخش‌های اقتصاد را بپوشاند» گفته: «افزایش نرخ ارز از حدود ۱۵۰ هزار تومان به محدوده ۲۳۰ هزار تومان، تحریم و کاهش سرمایه‌گذاری، همگی بر شرایط تولید و اقتصاد اثر گذاشته‌اند و افزایش هزینه‌های تولید و انتقال ارز نیز به این مشکلات اضافه شده است.»

در گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول نیز رشد اقتصادی ایران در سال جاری میلادی منفی ۵/۴ درصد پیش‌بینی شده است. بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول اقتصاد ایران در سال گذشته رشد منفی ۰/۸ درصد داشته است. این صندوق انتظار دارد در صورت حل بحران کنونی ژئوپلیتیک و جنگ، اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۷ و پس از دو سال رکود دوباره وارد رونق شود و رشد ۲/۹ درصدی در این سال داشته باشد.

محمد طیبیان، اقتصاددان، در مورد رشد اقتصادی در ایران توضیح داده: «در شرایطی که اقتصاد با ریسک‌های سیاسی، تحریم‌ها و پیامدهای جنگ مواجه است، نمی‌توان انتظار داشت رشد اقتصادی بدون پشتوانه سرمایه‌گذاری و رونق بخش‌های مختلف اقتصاد محقق شود. حتی اگر بخش کشاورزی در نتیجه بارندگی مناسب عملکرد مطلوبی داشته باشد، رشد تولید در این بخش به تنهایی نمی‌تواند نشان از رشد کل تولید ملی باشد.»

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» با بیان اینکه «برآوردها از وضعیت امسال چندان امیدوارکننده نیست و اگر سیاست‌های فعلی ادامه پیدا کند، اقتصاد ایران با رشد منفی قابل توجهی مواجه می‌شود» گفته: «در شرایطی که افزایش قیمت‌ها با سرعت بالایی ادامه پیدا می‌کند، انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. تورم بالا باعث می‌شود فعال اقتصادی نتواند چشم‌انداز روشنی از هزینه‌های آینده، قیمت مواد اولیه، نرخ ارز و بازده سرمایه خود داشته باشد. در نتیجه، بخشی از سرمایه‌ها به جای ورود به فعالیت‌های

● رشد اقتصادی کشور در سه‌ماهه نخست ۱۴۰۵ با احتساب نفت به منفی ۱۰/۱ درصد رسید و بدون نفت نیز رشد اقتصاد منفی ۴/۶ درصد بوده است. در حالی که حکومت ایران سال‌ها بر درآمد ارزی خامفروشی نفت تکیه داشت اما آمار اخیر رشد اقتصادی نشان می‌دهد نفت هم دیگر نمی‌تواند تضمینی برای تأمین منابع خزانه جمهوری اسلامی باشد.

● آلبرت بغزبان، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، معتقد است: «نفت در سال‌های گذشته تا حدی مانند یک پوشش روی ارقام رشد اقتصادی عمل می‌کرد و با اضافه کردن درآمد و تولید نفت، بخشی از افت سایر بخش‌ها را جبران می‌کرد، اما اکنون بخش نفت نیز با مشکل مواجه شده است.»

● اگرچه جنگ و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده به رژیم تهران طی ماه‌های گذشته در تشدید بحران اقتصادی کنونی نقش محوری داشته است اما بسیاری از اقتصاددانان تأکید دارند شرایط جنگ و تحریم صرفاً سرعت سقوط اقتصاد ایران را افزایش داده و علت اصلی شرایط کنونی نتیجه بیش از چهار دهه سیاست‌گذاری نامطلوب و ناکارآمدی مژمن حکومت است.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در بهار امسال اقتصاد ایران ۱۰ درصد کوچک‌تر شده است؛ رقمی بی‌سابقه که اگرچه جنگ و محاصره اقتصادی در آن نقش محوری داشته اما به عقیده کارشناسان مشکلات انباشته ساختاری که ناشی از نزدیک به نیم قرن ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری و عملکرد اقتصادی است مسبب اصلی آن بوده و جنگ صرفاً روند سقوط اقتصاد ایران را سرعت بخشیده است.

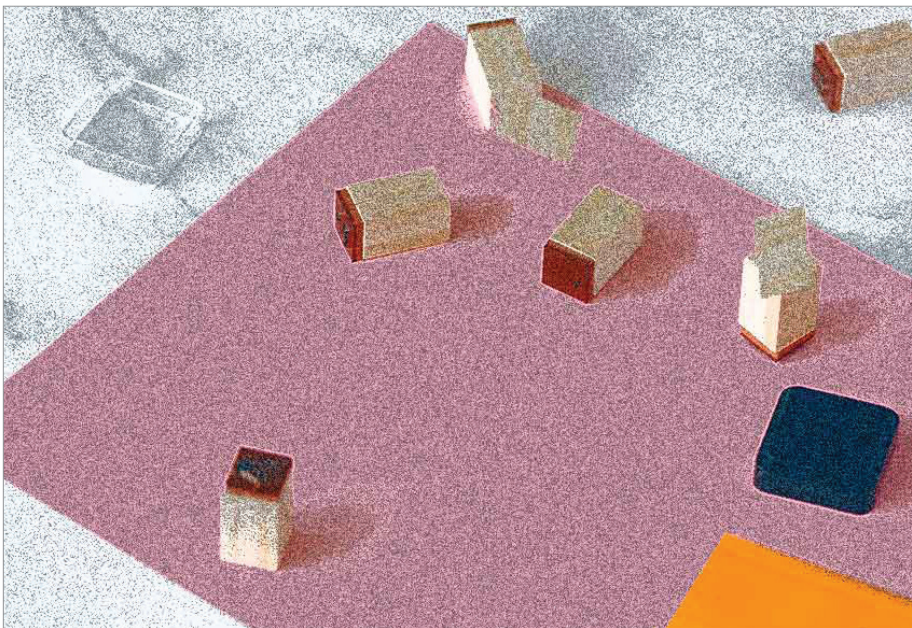
آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور در سه‌ماهه نخست ۱۴۰۵ با احتساب نفت به منفی ۱۰/۱ درصد رسیده و حتی با کنار گذاشتن نفت نیز رشد اقتصاد منفی ۴/۶ درصد بوده است. در حالی که حکومت ایران سال‌ها بر درآمد ارزی خامفروشی نفت تکیه داشت اما آمار اخیر رشد اقتصادی نشان می‌دهد نفت هم دیگر نمی‌تواند تضمینی برای تأمین منابع خزانه جمهوری اسلامی باشد.

از سوی دیگر جزییات منتشر شده از آمار رشد اقتصادی نشان می‌دهد بخش‌های مختلف اقتصاد ایران نیز سقوطی بی‌سابقه داشته است. در بهار امسال رشد بخش نفت و گاز به منفی ۲۶/۴ درصد رسیده و در بخش صنایع و معادن نیز افت ۱۴/۷ درصدی ثبت شده است. خدمات هم که سهم بالایی در اقتصاد ایران دارد، در این فصل رشد منفی ۴/۸ درصدی داشته است. کشاورزی با رشد ۲/۳ درصدی تنها بخش اصلی اقتصاد بوده که عملکردی مثبت ثبت کرده است.

اما بدترین بخش این آمار تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی ۸/۴ درصد بوده و صادرات کالا و خدمات با افت ۳۵/۷ درصدی مواجه بوده است. کنار هم گذاشتن این ارقام این پرسش را مطرح می‌کند که سقوط رشد اقتصادی در بهار ۱۴۰۵ تا چه اندازه حاصل یک شوک موقت و تا چه اندازه نتیجه مشکلات عمیق‌تر اقتصاد ایران است.

در رابطه با آمارهای مرتبط با رشد اقتصادی آلبرت بغزبان، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، معتقد است: «نفت در سال‌های گذشته تا حدی مانند یک پوشش روی ارقام رشد اقتصادی عمل می‌کرد و با اضافه کردن درآمد و تولید نفت،

«پروژهی نخهای نخجوان»؛ فدرالیسم یا تمرکززدایی برای ایران آینده؟



فدرالیسم در معنای دقیق‌تر، مسئله‌ی دیگری است: تقسیم قانون اساسی قدرت میان حکومت مرکزی و واحدهای تشکیل‌دهنده، به‌گونه‌ای که هر دو سطح از حوزه‌ای از اقتدار تضمین‌شده برخوردار باشند. دانیل الازار، یکی از نظریه‌پردازان برجسته‌ی فدرالیسم، تعریف مشهور خود را بر ترکیب خودگردانی و حکمرانی مشترک بنا می‌کند و ادبیات جدید فدرالیسم نیز همین تمایز را میان فدرالیسم و صرفاً واگذاری اختیار به مناطق، برجسته می‌کند.

پس اگر به دنبال پیچیده کردن غیرضروری شرح مفاهیم نباشیم، می‌توانیم بگوییم که پرسش ساده‌ای پیش روی ماست: اگر منظور از فدرالیسم فقط اداره‌ی بهتر استان‌ها، توزیع امکانات، اختیار بیشتر مدیران محلی و شکوفایی ظرفیت‌های منطقه‌ای است، چرا باید نام آن را فدرالیسم گذاشت؟

چرا همان تمرکززدایی در یک دولت یکپارچه را نخواهیم؟ و گمان می‌کنم که این پرسش حقیقتاً بازی با کلمات نیست و مسئله‌ای کاملاً حقوقی و نهادی است.

بر پایه‌ی آنچه پیرامون نظام‌های غیرمتمرکز می‌دانیم، در چنین نظام‌هایی، مرکز می‌تواند مطابق قانون، اختیارات مناطق را افزایش یا کاهش دهد. اما در یک نظام فدرال، بخش مهمی از صلاحیت واحدهای فدرال، خودش موضوع قانون اساسی است و قرار نیست هر زمان دولت مرکزی اراده کرد، آن را پس بگیرد. در ادبیات فدرالیسم دقیقاً همین عدم تمرکز غیرقابل بازگشت یک‌جانبه است که اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین، اگر فدرالیسم مورد نظر برخی صرفاً حکمرانی غیرمتمرکز است، با یک مسئله‌ی مفهومی روبرو هستیم؛ و اگر فراتر از آن است، آنگاه باید دقیقاً توضیح داده شود که استان‌ها چه اختیاراتی خواهند داشت که دولت مرکزی حق لغو یا پس گرفتن آنها را نداشته باشد.

مواردی مانند:

قانون‌گذاری محلی، نظام قضایی محلی، مالیات‌ستانی مستقل،

پلیس و نیروهای امنیتی محلی، منابع طبیعی، آموزش و زبان،

مفاهیمی مانند قومیت، زبان، سرزمین و خودگردانی می‌توانند بتدریج از سطح هویت فرهنگی به سطح نهاد سیاسی منتقل شوند. بنابراین، پرسش من ساده است: اگر منظور فقط اداره‌ی بهتر استان‌ها و آزاد کردن ظرفیت‌های محلی در چارچوب یک دولت ملی یکپارچه است، چرا نام آن را فدرالیسم بگذاریم؟ و اگر منظور چیزی فراتر از این است، چرا دقیقاً درباره‌ی حدود آن «چیز فراتر» سخن نگوئیم؟

پروژهی نخهای نخجوان!

بوریا بااف اگرچه بافنده است،
نَبَرکدَش به کارگاهِ حریر!

این یادداشت را باید از همین‌جا آغاز کرد که علت نگارش آن، اظهارنظری از جناب آقای پروفیسور امیر مبارز پرستا است که در توییتری درباره‌ی فدرالیسم نوشته‌اند:

«فدرالیسم به معنای تفکیک قومی یا زبانی نیست؛ الگویی برای حکمرانی غیرمتمرکز است که باید بر پایه‌ی ظرفیت‌ها و نیازهای استان‌ها و مناطق، در چارچوب یک کشور یکپارچه شکل بگیرد... فدرالیسم با پادشاهی پارلمانی نیز کاملاً سازگار است.»

تا اینجا، بخش نخست سخن ایشان می‌تواند محل توافق باشد: فدرالیسم الزاماً قومی نیست و پادشاهی پارلمانی نیز فی‌نفسه با فدرالیسم ناسازگار نیست. کانادا نمونه‌ای روشن از همزیستی پادشاهی مشروطه و نظام فدرال است.

اما مشکل دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که فدرالیسم را چنان تعریف کنیم که تفاوت آن با «تمرکززدایی» تقریباً محو شود. فدرالیسم صرفاً این نیست که استان‌ها اختیار بیشتری برای اداره‌ی امور خود داشته باشند. اگر مقصود از آن این باشد که دولت مرکزی بخشی از امور اجرایی و اداری را به استان‌ها واگذار کند، خوب در این صورت ما اساساً با مفهوم جدیدی روبرو نیستیم. این همان تمرکززدایی اداری و سیاسی است که در بسیاری از دولت‌های یکپارچه نیز وجود دارد.

● «فدرالیسم صرفاً این نیست که استان‌ها اختیار بیشتری برای اداره‌ی امور خود داشته باشند. اگر مقصود از آن این باشد که دولت مرکزی بخشی از امور اجرایی و اداری را به استان‌ها واگذار کند، خوب در این صورت ما اساساً با مفهوم جدیدی روبرو نیستیم. این همان تمرکززدایی اداری و سیاسی است که در بسیاری از دولت‌های یکپارچه نیز وجود دارد.»

● «فدرالیسم در معنای دقیق‌تر، مسئله‌ی دیگری است: تقسیم قانون اساسی قدرت میان حکومت مرکزی و واحدهای تشکیل‌دهنده، به‌گونه‌ای که هر دو سطح از حوزه‌ای از اقتدار تضمین‌شده برخوردار باشند.»

● «این تفکیک از این جهت مهم است که ما بعنوان ایرانیانی باورمند به تمامیت ارضی، یکپارچگی سرزمینی و مفهوم ملت ایران، باید با خود صادق باشیم که آیا فدرالیسم را صرفاً ابزاری برای توزیع قدرت و اداره‌ی غیرمتمرکز کشور می‌خواهیم، یا قرار است آن را به سازوکاری برای نهادینه کردن شکاف‌های قومی و سرزمینی در ساختار سیاسی ایران تبدیل کنیم؟»

● «ایران می‌تواند قدرتمند، غیرمتمرکز، کارآمد و برخوردار از مدیریت محلی باشد، بی‌آنکه الزاماً حاکمیت ملی را به واحدهای فدرال واگذار کند. این دوگانه که یا «تمرکزگرایی جمهوری اسلامی» را می‌خواهید یا «فدرالیسم»، یک دوگانه‌ی کاذب است. راه سومی وجود دارد: دولت ملی نیرومند، حاکمیت ملی یکپارچه و اداره‌ی محلی گسترده و واقعی.»

● «در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مشروطه‌ی ایران نیز نمونه‌ی جالبی را رقم زد. قانون اساسی مشروطه برای انجمن‌های ایالتی و ولایتی جایگاهی در نظر گرفت؛ یعنی ایده‌ی مشارکت و اداره‌ی محلی در سنت مشروطه‌ی ایرانی بیگانه نبود. اما این امر به معنای فدرال بودن ساختار حاکمیت ایران نبود.»

● «این همان نقطه‌ای است که «فدرالیسم غیرقومی» باید از شعار بیرون بیاید و وارد جزئیات شود. استان‌ها دقیقاً کدام‌اند؟ چه اختیاراتی دارند؟ چه قوانینی می‌توانند تصویب کنند؟ چه مالیاتی می‌گیرند؟ منابع طبیعی متعلق به چه کسی است؟ زبان رسمی و آموزشی چگونه تعیین می‌شود؟ مرزهای ایالات چگونه تعیین و تغییر می‌کنند؟ اختلاف دولت ملی و ایالت را چه کسی حل می‌کند؟»

بهزاد پرنیان - عنوان «پروژهی نخهای نخجوان» را از آن جهت برگزیده‌ام که در بحث‌های امروز درباره‌ی فدرالیسم در ایران، گاهی با همان الگوی آشنای پیوند زدن جغرافیا، هویت و ساختار سیاسی روبرو می‌شویم؛ با این تفاوت که این بار، واژگان تغییر کرده‌اند و بجای سخن صریح از قومیت و خودمختاری، از ظرفیت مناطق، نیازهای استان‌ها و حکمرانی غیرمتمرکز سخن گفته می‌شود. مسئله‌ی من اما نه با اصل تمرکززدایی است و نه با افزایش اختیار مدیریت‌های محلی؛ مسئله از جایی آغاز می‌شود که زیر عنوانی آرام و بی‌حاشیه، ساختاری پیشنهاد شود که در معنای حقوقی و سیاسی، چیزی فراتر از تمرکززدایی و متضمن تقسیم تضمین‌شده‌ی قدرت حاکمیتی باشد.

نخ‌ها را نیز از این رو به کار برده‌ام که این صورت‌بندی را نمی‌توان صرفاً به دلیل تغییر واژگان، ایده‌ای کاملاً تازه دانست. تاریخ معاصر منطقه نشان داده است که چگونه



مجالس ایالتی، قانون اساسی ایالتی،

و مهمتر از همه، مرز نهایی صلاحیت میان دولت ملی و دولت‌های ایالتی را چه کسی و با چه سازوکاری تعیین خواهد کرد؟ اینجاست که فدرالیسم غیرقومی از یک جمله آرامش‌بخش به یک پرسش واقعی سیاسی و حقوقی پوست‌اندازی می‌کند.

زیرا نمی‌توان مسئله را با تغییر نام حل کرد.

اگر قرار باشد واحدهای فدرال صرفاً همان استان‌هایی باشند که برای اداری بهتر کشور اختیار بیشتری داشته باشند، خب این همان تمرکززدایی است.

اگر قرار است این واحدها دارای اقتدار سیاسی تضمین‌شده در قانون اساسی باشند، آنگاه باید درباره‌ی ماهیت این اقتدار سخن گفت.

و اگر این اقتدار بر اساس زبان، قومیت، سرزمین تاریخی یا ادعای حق خودگردانی گروه‌های قومی طراحی شود، دیگر با یک بحث صرفاً اداری مواجه نیستیم و بطور عملی وارد قلمرو فدرالیسم قومی یا اتنوفدرالیسم شده‌ایم.

این تفکیک از این جهت مهم است که ما بعنوان ایرانیانی باورمند به تمامیت ارضی، یکپارچگی سرزمینی و مفهوم ملت ایران، باید با خود صادق باشیم که آیا فدرالیسم صرفاً ابزاری برای توزیع قدرت و اداری غیرمتمرکز کشور می‌خواهیم، یا قرار است آن را به سازوکاری برای نهادینه کردن شکاف‌های قومی و سرزمینی در ساختار سیاسی ایران تبدیل کنیم؟ و اگر سخن از فدرالیسم قومی است، آیا پیش از آن به پیامدهایش اندیشیده‌ایم؟ به اینکه چگونه ممکن است تقسیم حاکمیت، تعارض بر سر قدرت و منابع را به یک مسئله‌ی دائمی تبدیل کند و شکاف‌های قومی و مطالبات جدایی‌طلبانه را، بجای آنکه کاهش دهد، در ساختار سیاسی کشور نهادینه سازد؟

بنابراین، اینکه بگوییم «فدرالیسم لزوماً قومی نیست»، پاسخ مسئله نیست.

و احتمالاً خوانندگان این متن نیز خواهند گفت: البته که نیست! اما پرسش اصلی از قائلان به دیسکورس فدرالیسم این است:

فدرالیسم پیشنهادی شما برای ایران، دقیقاً بر چه مبنایی قرار است طراحی شود؟

و شاید بهتر باشد پرسش را یک قدم جلوتر ببریم: اصلاً می‌دانید درباره‌ی کدام کشور سخن می‌گویید؟! آیا درباره‌ی کشوری سخن می‌گویید که صرفاً مجموعه‌ای از استان‌ها و مناطق جغرافیایی در کنار یکدیگر است، یا درباره‌ی ایران؛ سرزمینی با یک پیوستگی تاریخی و تمدنی چندهزارساله و یک مفهوم دیرپای «ملت ایران»؟

و آیا قرار است همان خطای تقلیل ایران به یک ساختار سیاسی صرف را که در جمهوری اسلامی با گسست از تاریخ و هویت ملی به اوج خود رسید، این بار در پوششی تازه و با واژگانی مدرن دنبال کنیم؟

آیا قرار است این بار، به نام فدرالیسم، همان ایران‌زدایی مفهومی را با نقابی دیگر بازتولید کنیم؟

و اینجاست که ایران‌گرایان بر این امر پافشاری می‌کنند که ایران را نمی‌توان با خط‌کش روی نقشه تقسیم کرد و بعد تصور کرد مسئله حل شده است.

ارومیه را در نظر بگیرید.

خوزستان را.

گلستان را.

تهران را.

بلوچستان را.

کردستان را.

هرمزگان را.

خوب که نگاه می‌کنیم، ما با پدیده‌ای از درهم‌تنیدگی روبرو هستیم که بالغ بر هفت هزار سال دیرینگی دارد و گویی همان نظریه‌ی تکینگی (singularity blow-up) را پیش روی خود خواهیم داشت که دست آخر همین چند هفته پیش توسط هوش مصنوعی راه‌حلی برای اثبات آن عرضه شد!

در این معنا، ما با این حقیقت روبرو خواهیم بود که تقریباً هر تقسیم‌بندی سرزمینی، گروه‌هایی را درون گروه‌های دیگر قرار می‌دهد. بنابراین، اگر معیار «ظرفیت منطقه» است، باید روشن شود منطقه بر اساس چه چیزی تعریف می‌شود؟

جغرافیا؟ اقتصاد؟ استان‌های موجود؟

حوضه‌های آبریز؟ زبان؟ قومیت؟ تاریخ؟

و اگر پاسخ این است که هیچ‌کدام و صرفاً «نیاز و ظرفیت منطقه» ملاک خواهد بود، پس چرا اصلاً از فدرالیسم سخن می‌گوییم و نه از یک نظام قدرتمند غیرمتمرکز؟

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که پای منابع طبیعی به میان بیاید.

آب، نفت، گاز، معادن و بنادر تابع خطوط اداری نیستند. زاینده‌رود با مرز استان اصفهان متوقف نمی‌شود.

کارون تابع تقسیمات کشوری نیست.

حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه با یک خط اداری سه استان را از یکدیگر جدا نمی‌کند.

نفت و گاز نیز الزاماً در محدوده‌ای قرار ندارند که بتوان آن را با منطق ساده‌ی «هر استان برای خودش» اداره کرد.

در نظام فدرال، اینکه بگوییم: «هر منطقه چه ظرفیتی دارد؟» نشان از فهم ما نسبت به منافع ملی ملت ایران نیست!

باید دید که در پایان ماجرا چه کسی مالک و صاحب اختیار منابع است؟

ملت؟ دولت فدرال؟ دولت ایالتی؟

یا ترکیبی از اینها؟

و اگر ترکیبی است، سهم هر کدام را چه کسی تعیین می‌کند؟ اینجا دیگر با یک شعار زیبا درباره‌ی شکوفایی ظرفیت‌های محلی روبرو نیستیم؛ با طراحی یک نظام توزیع قدرت، ثروت و اقتدار سیاسی روبرو خواهیم بود.

و اتفاقاً همین جاست که تجربه‌های جهان به ما هشدار می‌دهد که فدرالیسم را نمی‌توان با چند کلمه‌ی تبلیغاتی توضیح داد. پژوهش‌های تطبیقی جدید نیز نشان می‌دهند که رابطه‌ی میان فدرالیسم، خودگردانی منطقه‌ای، تعارض قومی و جدایی‌طلبی بسیار پیچیده‌تر از فرمول ساده‌ی «تمرکززدایی مساوی پیشرفت» یا «فدرالیسم مساوی تجزیه» است. اما یک نکته‌ی دیگر نیز هست که به گمان من در مورد کشورمان ایران تعیین‌کننده است:

اگر قرار باشد با فرمول قائلان به فدرالیسم، پیرامون نظم سیاسی ایران فردا، به مفهوم ایران و ملت ایران نگاه نکنیم، آنگاه باید پرسید که فدرالیسم در ایران بر چه واحدهایی قرار است بنا شود؟

این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که ایران امروز یک کشور فدرال نیست و استان‌های موجود، «ایالت‌های فدرال» نیستند؛ آنها واحدهای تقسیمات کشوری و اداری به‌جامانده از یک دولت ملی‌اند. بنابراین، اگر قرار باشد ایران در آینده به نظامی فدرال تبدیل شود، باید توضیح داده شود که این واحدهای فدرال جدید دقیقاً چگونه و بر چه مبنایی قرار است شکل بگیرند.

در ایالات متحده، کنوانسیون قانون اساسی ۱۷۸۷ بر بستر ایالت‌هایی شکل گرفت که پیش از تشکیل نظام فدرال، دارای نهادهای سیاسی و ساختارهای حکومتی خود بودند و قانون اساسی جدید رابطه‌ی میان آنها و حکومت مرکزی را

در قالب یک نظم فدرال بازتعریف کرد.

اما استان‌های ایران چنین سابقه‌ای ندارند. آنها واحدهای سیاسی مستقل یا نیمه‌مستقلی نیستند که اکنون قرار باشد بخشی از حاکمیت خود را به یک مرکز فدرال واگذار کنند؛ بلکه تقسیمات اداری شکل‌گرفته در چارچوب دولت ملی ایران‌اند. برای نمونه، قانون تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ ساختار استان، شهرستان، بخش و دهستان را در نظام اداری کشور تعریف کرد.

بنابراین، نمی‌توان بدون توضیح، تجربه‌ی تاریخی شکل‌گیری فدراسیون‌هایی مانند ایالات متحده را با وضعیت امروز ایران یکسان گرفت.

البته این به آن معنا نیست که ایران نمی‌تواند فدرال شود. می‌تواند.

اما اگر قرار است چنین نظامی برای ایران پیشنهاد شود، پرسش بعدی اجتناب‌ناپذیر است:

استان‌های امروز قرار است چگونه به ایالت‌های فردای ایران تبدیل شوند؟

بر چه مبنایی؟

جغرافیایی؟ اقتصادی؟ تاریخی؟ زبانی؟ قومی؟ یا ترکیبی از اینها؟

و اگر پاسخ «ظرفیت و نیاز مناطق» است، این ظرفیت و نیاز چگونه و توسط چه مرجعی تعریف خواهد شد؟

اینها پرسش‌های حاشیه‌ای نیستند. درست از همین‌جا مسئله‌ی سیاسی آغاز می‌شود؛ زیرا فدرالیسم صرفاً به معنای دادن اختیارات بیشتر به استان‌ها نیست. بحث بر سر آن است که آیا واحدهای جدید، در کنار دولت ملی، دارای صلاحیت‌های سیاسی تضمین‌شده در قانون اساسی خواهند شد یا خیر.

و این تفاوتی است میان «تمرکززدایی» و «فدرالیسم» که نمی‌توان با تغییر واژه‌ها از کنار آن گذشت.

در حقیقت، بحث بر سر این نیست که یک تغییر سیاسی در قالب یک نظم حقوقی جدید قابل اجرا باشد یا خیر.

هر نظام سیاسی را می‌توان با قانون اساسی جدید بازطراحی کرد.

اما اگر قرار است چنین تغییری پیشنهاد شود، باید برای آن استدلال شود، نه اینکه با تغییر واژه‌ها مسئله ناپدید شود.

یعنی در حقیقت، مسئله اداری استان‌ها نیست؛ مسئله این است که آیا می‌خواهیم استان را از یک واحد اداری دولت ملی، به یک واحد سیاسی صاحب اختیار قانون اساسی تبدیل کنیم که در نهایت مفهوم ایران و ملت ایران را به محاق خواهد کشاند.

در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مشروطه‌ی ایران نیز نمونه‌ی جالبی را رقم زد.

قانون اساسی مشروطه برای انجمن‌های ایالتی و ولایتی جایگاهی در نظر گرفت؛ یعنی ایده‌ی مشارکت و اداری محلی در سنت مشروطه‌ی ایرانی بیگانه نبود. اما این امر به معنای فدرال بودن ساختار حاکمیت ایران نبود. برای نمونه، انجمن ایالتی اصفهان پس از تأسیس مجلس در جریان انقلاب مشروطه شکل گرفت.

پس ما میان دو چیز باید تمایز بگذاریم:

اداری محلی و حاکمیت محلی.

این دو یکی نیستند.

و شاید تمام مسئله همین یک کلمه باشد:

حاکمیت.

اگر حاکمیت ملی یکی است و استان‌ها صرفاً اختیارات گسترده‌ی اداری و اجرایی دارند، از تمرکززدایی سخن می‌گوییم.

اگر حاکمیت میان دولت ملی و واحدهای



اقتصاد ایران زیر سایه جنگ و تحریم؛ پیش‌بینی دلار ۳۰۰ هزار تومانی و سکه ۳۶۰ میلیون تومانی تا پایان سال

● در ماه‌های گذشته مشکلات گسترده از تورم افسارگسیخته و نوسانات شدید نرخ ارز تا محاصره دریایی و پیامدهای جنگ، همگی سبب شده فضای اقتصادی مبهم‌تر و بحران‌ها انبوه‌تر شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند قیمت‌ها در بازارهای مختلف از ارز و طلا تا مسکن و مواد غذایی همچنان روند افزایشی را طی کند.

● پیام الیاس‌کردی، تحلیلگر بازارهای مالی، با اشاره به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور گفته است قیمت دلار تا پایان سال ممکن است به ۳۰۰ هزار تومان افزایش یابد.

● علیرضا توکلی‌کاشی، تحلیلگر اقتصادی، با اشاره به تشدید نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی رقیمی تا ۳۲۰ هزار تومان را برای دلار پیش‌بینی کرده و گفته: «دلار آینده تلاطم‌های اقتصاد ایران است و افزایش نگرانی‌ها درباره جنگ، بنزین و کسری بودجه دولت، فشار بر بازار ارز را بیشتر کرده است.»

● نیما میرزایی، کارشناس بازارهای مالی، با پیش‌بینی افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا گفته: «متناسب با رشد قیمت طلا، سکه نیز افزایش خواهد داشت و احتمالاً تا پایان سال شاهد سکه ۳۵۰ تا ۳۶۰ میلیون تومانی خواهیم بود.»

● بازار مسکن نیز از جمله بازارهایی است که کارشناسان افزایش شدیدتر قیمت‌ها در نیمه دوم سال را برای آن پیش‌بینی می‌کنند. فرشید ایلاتی، کارشناس بازار مسکن، افزایش قیمت مسکن را «اتفاق مطلوبی» نمی‌داند اما معتقد است تورم فزاینده واقعی است که بازار مسکن با آن روبروست.

اقتصاد ایران در حالی با مشکلات ساختاری و مزمن روبرو بوده که در ماه‌های گذشته مشکلات گسترده از تورم افسارگسیخته و نوسانات شدید نرخ ارز تا محاصره دریایی و پیامدهای جنگ، همگی سبب شده فضای اقتصادی مبهم‌تر و بحران‌ها انبوه‌تر شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند قیمت‌ها در بازارهای مختلف از ارز و طلا تا مسکن و مواد غذایی همچنان روند افزایشی را طی کند.

پیام الیاس‌کردی، تحلیلگر بازارهای مالی، با اشاره به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور به وبسایت «اقتصادنیوز» گفته است که قیمت دلار تا پایان سال ممکن است به ۳۰۰ هزار تومان افزایش یابد: «در کوتاه‌مدت به دلیل احتمال وقوع درگیری و تغییر سریع متغیرها، نمی‌توان با قطعیت درباره مسیر بازارها صحبت کرد و بهتر است متغیرهای بلندمدت را در نظر گرفت.» به گفته‌ی او، اقتصاد ایران با تورم

محلی گسترده و واقعی. استانی که بتواند بودجه‌ی خود را بهتر مدیریت کند. شهری که بتواند درباره‌ی مسائل شهری خودش تصمیم بگیرد. مدیری که در برابر مردم منطقه‌ی خود پاسخگو باشد، اما منافع ملت ایران را بر منافع منطقه‌ای خود ارجح بداند. اقتصادی که ظرفیت‌های محلی را آزاد کند. اما در عین حال:

یک قانون اساسی، یک حاکمیت ملی، یک ارتش ملی، یک سیاست خارجی، یک پول ملی، یک نظام قضایی ملی. و مهم‌تر از همه:

یک ملت سیاسی.

نه استان آذربایجان در برابر ملت ایران. نه استان کردستان در برابر ملت ایران. نه استان خوزستان در برابر ملت ایران. نه استان سیستان و بلوچستان در برابر ملت ایران. نه استان فارس در برابر ملت ایران، و نه هیچ جای دیگری از این مرز پرگهر در برابر ایران و ملت آن.

و همانطور که پیش‌تر گفته شد، با خود صادق باشیم: اگر قرار است درباره‌ی آینده‌ی ایران سخن بگوییم، پیش از آنکه برای کشور نقشه‌ی فدرالی بکشیم، بهتر نیست به این پرسش بنیادی و در عین حال ساده پاسخ دهیم که:

آیا مسئله‌ی ما واقعا کمبود فدرالیسم است، یا کمبود قانون، پاسخ‌گویی، حکومت محلی کارآمد و حاکمیت ملی؟ اگر پاسخ، دومی است، دیگر چرا باید برای درمان بیماری تمرکزگرایی، نسخه‌ای را انتخاب کنیم که خودش نیازمند توضیحی بسیار پیچیده درباره‌ی تقسیم حاکمیت است؟ این همان نقطه‌ای است که «فدرالیسم غیرقومی» باید از شعار بیرون بیاید و وارد جزئیات شود.

استان‌ها دقیقاً کدام‌اند؟ چه اختیاراتی دارند؟ چه قوانینی می‌توانند تصویب کنند؟ چه مالیاتی می‌گیرند؟ منابع طبیعی متعلق به چه کسی است؟ زبان رسمی و آموزشی چگونه تعیین می‌شود؟ مرزهای ایالات چگونه تعیین و تغییر می‌کنند؟ اختلاف دولت ملی و ایالت را چه کسی حل می‌کند؟ و در نهایت، اگر یک دولت ایالتی با دولت ملی وارد تعارض بنیادی شد، حاکمیت نهایی از آن کیست؟

پاسخ به این پرسش‌هاست که نشان می‌دهد ما درباره‌ی «تمرکززدایی» حرف می‌زنیم یا «فدرالیسم».

بنابراین مسئله، دقت در واژه‌ها باید باشد تا طرح هرگونه نام مسئله زیر نام مسئله !

و برای ایران، گاهی یک واژه‌ی نادقیق می‌تواند از هزار شعار خطرناک‌تر باشد.

آری، بوریا با اگر چه با فتنه است، نَبَرْتَشْد به کارگاه حریر! زیرا میان بافتن یک بوریا ساده و طراحی پارچه‌ای که تار و پود یک کشور را برای نسل‌های آینده به هم می‌بافد، فاصله‌ای است به اندازه‌ی تمام مسئولیتی که بر دوش سیاست‌گذار و نظریه‌پرداز سیاسی قرار دارد.

و فدرالیسم اگر قرار است برای ایران نسخه شود، نخست باید نشان دهد چه مسئله‌ای را حل می‌کند که تمرکززدایی عمیق، حکومت محلی واقعی و یک دولت ملی قانونمند نمی‌تواند حل کند.

تا آن روز، «فدرالیسم غیرقومی» بیشتر از آنکه پاسخ یک پرسش باشد، آغاز پرسش‌های بسیار بزرگتری است.

پاینده ایران
جاوید شاه

→ تشکیل‌دهنده بصورت قانون اساسی تقسیم شده و هر کدام قلمرویی از اقتدار تضمین شده دارند، وارد قلمرو فدرالیسم شده‌ایم.

و اگر این واحدها بر اساس هویت‌های قومی و زبانی ساخته شوند، آنگاه دیگر باید شجاعت به خرج داد و درباره‌ی اتنوفدرالیسم حرف زد؛ نه اینکه با افزودن صفت «غیرقومی» مسئله را از روی میز برداشت.

اما بخش پایانی سخن پروفیسور پرستا، یعنی اینکه «فدرالیسم با پادشاهی پارلمانی کاملاً سازگار است»، از نظر نظری حرف نادرستی نیست.

البته که سازگار است.

بلژیک پادشاهی پارلمانی است و ساختار فدرال دارد؛ کانادا نیز پادشاهی مشروطه و نظام فدرال است.

اما این گزاره نیز بخودی خود هیچ‌چیز درباره‌ی مناسب بودن همان الگو برای ایران نمی‌گوید.

ممکن است دو ساختار در نظریه با یکدیگر سازگار باشند، اما پرسش سیاست‌گذاری این است که ترکیب آنها برای کشوری مشخص، با تاریخ، جغرافیا، توزیع جمعیتی، منابع طبیعی و موقعیت ژئوپلیتیک مشخص، چگونه باید طراحی شود. این همان جایی است که بحث جدی آغاز می‌شود.

پادشاهی مشروطه می‌تواند نماد استمرار، وحدت و حاکمیت ملی باشد؛ اما اگر در کنار آن، واحدهای سیاسی دارای اقتدار قانون اساسی مستقل ایجاد شوند، باید روشن شود که در هنگام تعارض میان دولت ملی و دولت ایالتی، مرجع نهایی حل اختلاف کجاست؟ دادگاه قانون اساسی؟ مجلس ملی؟ مجلس ایالات؟ پادشاه؟ رفراندوم؟ یا سازوکاری دیگر؟

اگر پاسخ روشن نباشد، «پادشاهی فدرال» هنوز یک معماری سیاسی نیست؛ فقط ترکیب دو واژه است که تنها در ظاهر با یکدیگر تعارض ندارند.

و سرانجام می‌رسیم به خود ایران.

ایران کشوری نیست که تازه دیروز از کنار هم قرار گرفتن چند واحد سیاسی بیگانه ساخته شده باشد.

ایران یک واحد تاریخی، تمدنی و سیاسی دیرپاست که در طول تاریخ، شکل‌های گوناگون حکومت را تجربه کرده است؛ از شاهنشاهی‌های باستانی تا دولت متمرکز مدرن و مشروطه.

ساتراپی‌های هخامنشی را هم نمی‌توان بسادگی «ایالت فدرال» نامید. قدرت‌های محلی داشتند، اما این با حاکمیت قانون اساسی مستقل یک واحد فدرال تفاوت بنیادی دارد.

این تمایز مهم است.

عدم تمرکز، سابقه‌ای بسیار قدیمی دارد؛ فدرالیسم مدرن چیز دیگری است.

پس اگر کسی می‌خواهد برای ایران فردا نظام فدرال پیشنهاد کند، باید آن را بعنوان یک پیشنهاد نهادی جدید توضیح دهد، نه اینکه با تکیه بر ساتراپی‌های هخامنشی یا والیان محلی، برای آن سابقه‌ی تاریخی بتراشد.

ایران می‌تواند قدرتمند، غیرمتمرکز، کارآمد و برخوردار از مدیریت محلی باشد، بی‌آنکه الزاماً حاکمیت ملی را به واحدهای فدرال واگذار کند.

این دوگانه که یا «تمرکزگرایی جمهوری اسلامی» را می‌خواهید یا «فدرالیسم»، یک دوگانه‌ی کاذب است.

راه سومی وجود دارد:

دولت ملی نیرومند، حاکمیت ملی یکپارچه و اداری

دانسته و گفته: «دولت می‌تواند با استفاده از برخی ساز و کارها، دست‌کم نرخ رشد قیمت را کنترل کند بطوری که اگر نمی‌تواند اصل افزایش قیمت را متوقف کند، حداقل می‌تواند شیب افزایش قیمت‌ها را کاهش دهد.»
اقتصاددانان معتقدند در صورتی که جنگ و تنش‌های ژئوپلیتیک ادامه پیدا کند و دولت نیز راهکارهای کنونی را

قیمت طلا تا پایان سال گفت: «با توجه به تورم سه‌رقمی داخلی و افزایش دست‌کم ۵۰ درصدی قیمت‌ها در نیمه دوم سال، با توجه به اینکه تورم در اقتصاد ایران بالای ۱۰۰ درصد است، باید انتظار قیمت‌های بالای ۴۶ تا ۴۰ میلیون تومان برای هر گرم طلا را تا پایان سال داشته باشیم.»
او با اشاره به نقش نرخ ارز در تعیین قیمت طلای داخلی

۹۰ درصدی و رشد نقدینگی ۵۴ درصدی مواجه است و این دو عامل می‌توانند دلار را تا پایان سال به بالای ۳۰۰ هزار تومان برسانند.
پیام‌یاس‌کردی درباره بازار طلا نیز گفت: «با دلار ۳۰۰ هزار تومانی و بسته به سطح اونس جهانی، قیمت هر گرم طلا می‌تواند به محدوده ۲۷ تا ۳۵ میلیون تومان برسد.»



برای جبران کسری بودجه ادامه دهد، تورم همچنان مسیری افزایشی خواهد داشت.

محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان، هشدار داده تورم مواد غذایی از ۱۲۰ درصد گذشته و قدرت خرید حقوق‌بگیران ثابت سالانه بین ۷۰ تا ۸۰ درصد کاهش یافته است. او گفته: «حقوق یک استاد دانشگاه در وضعیت فعلی کفاف تأمین روزانه دو ساندویچ را می‌دهد.»

محمد مهدی بهکیش افزود که در ماه‌های آینده ممکن است تورم از ۱۰۰ درصد هم بگذرد، چون درآمد نفت دیگر وجود ندارد و دولت برای پرداخت حقوق ناچار به چاپ پول است. او گفت: «وضعیت نه جنگ و نه صلح، از خود جنگ نیز بدتر است.»

ولی‌الله سیف، رئیس کل پیشین بانک مرکزی، نیز معتقد است تورم دیگر تنها از سمت تقاضا نیست و بخش مهمی از آن از سمت هزینه و محدودیت عرضه تغذیه می‌شود. به گفته او، خطر اصلی شکل‌گیری چرخه‌ای خودتقویت‌شونده است که در آن کاهش درآمد ارزی، فشار بودجه، ناترازی بانک‌ها، رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و تورم یکدیگر را تقویت می‌کنند.

علینقی مشایخی، اقتصاددان، هم به تازگی تأکید کرده تورم نقطه به نقطه از ۷۳ و نیم درصد در فروردین به ۸۹ درصد در امرداد رسید و نرخ بیکاری یک و هشت دهم درصد افزایش یافت و به ۹ و یک دهم درصد رسید. به گفته مشایخی، اقتصاد ایران قبل از دو جنگ اخیر نیز در وضعیت ضعیفی بود و شروع دو جنگ عدم‌اطمینان‌ها را بیشتر کرد. بخش صنایع و معادن نیز با کمبود انرژی، دشواری تأمین مواد اولیه، تنگنای نقدینگی و اختلال در تجارت روبروست. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد، به دنیای اقتصاد گفت که وضعیت مالی بنگاه‌های صنعتی در نیمه دوم سال تا حد زیادی به شرایط کلان اقتصاد بستگی دارد.

بیان داشت: «باید این نکته را نیز مورد تأکید قرار دهیم که روند عرضه و تقاضا و روند قیمتی دلار، که مبنای محاسبه طلای داخلی نیز محسوب می‌شود، در بازار کاملاً موثر بوده است. همچنین عموماً به این شکل بوده که در نیمه دوم سال معمولاً تورم شدیدتر است و رشد قیمت‌ها نیز نسبت به نیمه اول سال با سرعت بیشتری رخ می‌دهد.»

این کارشناس بازارهای مالی تأکید کرده: «بنابراین این پیش‌بینی‌ها، به احتمال زیاد در ۶ ماهه دوم سال محقق خواهد شد و افزایش شدید قیمت‌ها را خواهیم داشت. حداقل ۵۰ درصد رشد دلار و به تبع آن، رشد قیمت طلا را می‌توان انتظار داشت.»

نیما میرزایی همچنین درباره چشم‌انداز قیمت سکه نیز گفت: «متناسب با رشد قیمت طلا، سکه نیز افزایش خواهد داشت و احتمالاً تا پایان سال شاهد سکه ۳۵۰ تا ۳۶۰ میلیون تومانی خواهیم بود.»

بازار مسکن نیز از جمله بازارهایی است که کارشناسان افزایش شدیدتر قیمت‌ها در نیمه دوم سال را برای آن پیش‌بینی می‌کنند. در همین رابطه فرشید ایلانی، کارشناس بازار مسکن، در گفتگو با «تجارت‌نیوز» گفته: «مقتضای مصرفی مسکن هر زمان استطاعت خرید داشت، باید تقاضای خود را به خرید تبدیل کند و منتظر نماند تا ببیند در آینده چه اتفاقی برای بازار می‌افتد.»

او با تأکید بر اینکه قیمت مسکن طی شش ماه دیگر روند افزایشی را با سرعت بیشتری ادامه می‌دهد گفته: «اگر فردی فرصت مناسبی برای تبدیل ملک خود به احسن شناسایی کرده، نباید زمان را از دست بدهد.»

فرشید ایلانی افزایش قیمت مسکن را «اتفاق مطلوبی» نمی‌داند اما معتقد است تورم فزاینده واقعی‌تری است که بازار مسکن با آن روبروست.

او افزایش نرخ ارز را بر افزایش قیمت مسکن موثر

او مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر بازار دارایی‌ها در نیمه دوم سال را نرخ ارز دانست و گفت: «در صورت تداوم فشارهای تورمی، رشد دلار می‌تواند افزایش قیمت را به سایر بازارها منتقل کند.»

این تحلیلگر بازارهای مالی معتقد است: «در صورت تداوم تنش‌های سیاسی و نظامی، سرمایه‌ها بیشتر به سمت دارایی‌های دلارمحور حرکت خواهند کرد.» او همچنین گفت: «پس از حرکت صعودی طلا، بخشی از سرمایه‌ها می‌تواند از این بازار خارج و به سمت ارز، مسکن و خودرو حرکت کند.»

علیرضا توکلی‌کاشی، تحلیلگر اقتصادی، با اشاره به تشدید نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی رقمی تا ۳۲۰ هزار تومان را برای دلار پیش‌بینی کرده و گفته: «دلار آینه تلاطم‌های اقتصاد ایران است و افزایش نگرانی‌ها درباره جنگ، بنزین و کسری بودجه دولت، فشار بر بازار ارز را بیشتر کرده است.» به گفته او، عامل بنیادی رشد دلار در بلندمدت تورم و ریشه اصلی آن نیز کسری بودجه دولت است.

علیرضا توکلی‌کاشی توضیح داده: «دلار در سال جاری می‌تواند در محدوده ۲۷۰ تا ۳۲۰ هزار تومان قرار گیرد؛ البته ادامه تنش‌های سیاسی و نظامی می‌تواند فشار بیشتری بر بازار ارز وارد کند.» او درباره طلا نیز گفت که قیمت طلای ایران بیش از هر چیز از دلار اثر می‌گیرد و اونس جهانی در یکی دو سال آینده را در محدوده ۴ تا ۵ هزار دلار می‌بیند؛ اونس در یکی دو هفته اخیر نیز بین ۴۳۰۰ تا ۴۶۰۰ دلار نوسان داشته است.

این کارشناس اقتصادی همچنین گفته: «اگر گشایش سیاسی و اقتصادی رخ دهد، جنگ پایان یابد و تحریم‌ها برداشته شود، قیمت دلار حتی می‌تواند به ۱۰۰ هزار تومان هم کاهش پیدا کند.»

نیما میرزایی، کارشناس بازارهای مالی، درباره چشم‌انداز

ادعای دروغ بانک مرکزی درباره کاهش تورم اقتصاد ایران



اختلال روبرو کرده بلکه به علت وابستگی تولید در ایران به واردات مواد اولیه، بر تولید کالا در درون کشور نیز تأثیرات منفی گذاشته است. از سوی دیگر تداوم بحران کمبود انرژی که موجب جیره‌بندی انرژی در واحدهای تولیدی و صنعتی شده، و همچنین افزایش هزینه حمل و نقل در داخل در پی افزایش قیمت بنزین توسط دولت، بیش از خدمات بر بخش کالا موثر بوده است.

مقامات و حامیان دولت در مقایسه آمارهای مورد ادعای بانک مرکزی که نشان از اختلافی بسیار جزئی در آمار تورم امرداد و شهریور دارد، مدعی هستند تورم در اقتصاد ایران کاهش یافته است. این در حالیست که کاهش ناچیز ارقام تورم ماهانه و نقطه‌ای در شهریور به هیچ وجه به معنای کاهش تورم نیست بلکه اندکی از شتاب افزایش تورم کاسته شده است. در همین رابطه نیز بسیاری از کارشناسان کاهش قدرت خرید مردم را علت اصلی می‌دانند؛ مانند آنچه طی سالهای گذشته بر نرخ تورم در افغانستان موثر بوده است و به علت عدم خریداری کالا توسط مردمی که قدرت خرید آنها به شدت سقوط کرده، تورم در آمار پایین نشان داده می‌شود اما همچنان فشار سنگین آن بر زندگی و معیشت مردم ادامه دارد.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفت: «اگر کاهش تقاضا به دلیل کاهش قدرت خرید مردم اتفاق افتاده باشد، نمی‌توان کاهش تورم را به عنوان یک اتفاق مثبت و نشانه بهبود وضعیت اقتصادی تفسیر کرد. وقتی قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا می‌کند، طبیعی است که تقاضا برای کالا و خدمات نیز کاهش پیدا کند و این مسئله می‌تواند در مقطعی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند.»

مرتضی افقه افزود: «بنابراین صرف پایین آمدن عدد تورم برای ارزیابی وضعیت اقتصاد کافی نیست و باید

بانک مرکزی جمهوری اسلامی با ارائه آماری از تورم شهریورماه مدعی کاهش تورم شده است. کارشناسان معتقدند صرفاً اندکی از شتاب افزایش تورم کاسته شده است و علت این کاهش نیز لزوماً سیاست‌های اقتصادی دولت نیست بلکه کاهش قدرت خرید خانوار و کاهش تقاضا سبب کاهش جزئی در رقم آمار تورم شده است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی برآورد آماری از تورم شهریورماه ۱۴۰۵ را منتشر کرده که از یکسو بیانگر ادامه روند افزایش قیمت است و از سوی دیگر بیانگر اختلاف عمیق میان تورم کالاها و خدمات و تشدید فشارهای ناشی از جنگ و تحریم بر قیمت کالاهاست.

بر اساس آمارهای بانک مرکزی، تورم نقطه‌ای که در شهریور سال گذشته ۴۳/۹ درصد بود، در پایان شهریور امسال به ۸۳/۸ درصد رسید؛ افزایش ۴۰ درصدی تورم نقطه‌ای طی یکسال نشان از افزایش سرسام‌آور هزینه خانوار طی تنها ۱۲ ماه دارد.

از سوی دیگر، نرخ تورم سالانه (۱۲ ماهه منتهی به شهریور) به ۶۸/۴ درصد رسیده؛ رقمی که بزرگترین تورم ثبت‌شده در تاریخ ایران از زمان جنگ جهانی دوم است. در سال ۱۳۲۲ و دوران جنگ جهانی دوم تورم سالانه ایران از مرز ۱۰۰ درصد گذشت.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی همچنین تورم ماهانه را در شهریور، که بیانگر شاخص تغییر قیمت‌ها از ابتدا تا انتهای این ماه است، ۳/۹ درصد عنوان کرده است.

یکی از نکات قابل توجه در آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی، شکاف عمیق ۶۷ واحد درصدی میان اقلام کالایی و خدمات است. در حالی که تورم نقطه‌ای خدمات ۵۰/۹ درصد گزارش شده، تورم کالایی به عدد بحرانی ۱۱۸/۱ درصد رسیده است.

مهمترین دلیل ایجاد این اختلاف بحران ناشی از تشدید تحریم‌ها و محاصره دریایی ایران توسط ایالات متحده است؛ موضوعی که نه تنها جریان ورود کالا به کشور را با

● بر اساس آمارهای بانک مرکزی، تورم نقطه‌ای که در شهریور سال گذشته ۴۳/۹ درصد بود، در پایان شهریور امسال به ۸۳/۸ درصد رسید؛ افزایش ۴۰ درصدی تورم نقطه‌ای طی یکسال نشان از افزایش سرسام‌آور هزینه خانوار طی تنها ۱۲ ماه دارد.

● بانک مرکزی جمهوری اسلامی برآورد آماری از تورم شهریورماه ۱۴۰۵ را منتشر کرده که از یکسو بیانگر ادامه روند افزایش قیمت است و از سوی دیگر اختلاف عمیق میان تورم کالاها و خدمات نشان از تشدید فشارهای ناشی از جنگ و تحریم بر قیمت کالاها دارد.

● یکی از نکات قابل توجه در آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی، شکاف عمیق ۶۷ واحد درصدی میان اقلام کالایی و خدمات است. در حالی که تورم نقطه‌ای خدمات ۵۰/۹ درصد گزارش شده، تورم کالایی به عدد بحرانی ۱۱۸/۱ درصد رسیده است.

● از سوی دیگر، بازارها در ایران آثار فشارهای تشدیدشده اقتصادی ایالات متحده را نشان می‌دهند. در شرایطی که بانک مرکزی همه تلاش خود را به کار گرفته تا از افزایش قیمت ارز در ایران جلوگیری کند، قیمت هر دلار آمریکا روز دوشنبه ششم مهرماه بار دیگر در کانال ۲۴۰ هزار تومان قرار گرفت.

● بسیاری از کارشناسان کاهش قدرت خرید مردم را علت اصلی کاهش جزئی ارقام تورم می‌دانند؛ مانند آنچه طی سالهای گذشته بر نرخ تورم در افغانستان موثر بوده است و به علت عدم خریداری کالا توسط مردمی که قدرت خرید آنها به شدت سقوط کرده، تورم در آمار پایین نشان داده می‌شود اما همچنان فشار سنگین آن بر زندگی و معیشت مردم ادامه دارد.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه: اگر کاهش تقاضا به دلیل کاهش قدرت خرید مردم اتفاق افتاده باشد، نمی‌توان کاهش تورم را به عنوان یک اتفاق مثبت و نشانه بهبود وضعیت اقتصادی تفسیر کرد.

شبکه «تراستی» ها سه میلیارد دلار از منابع ایران را دزدیده‌اند



اسلامی روز گذشته در برنامه «گفت‌ونفت» درباره ساز و کار فروش نفت و شرکت‌های تراستی گفت: «نفت ایران که پول ملت است را با چک و سفته دادند به یک عده که اساساً تراستی‌آزمایی آنها انجام نشده بود.»

مصطفی نخعی افزود: «رقمی تا ۵۰۰ میلیون دلار نفت به تراستی‌ها دادند و این افراد به اندازه کافی تضامین هم در اختیار بانک‌ها ندارند و حالا مانده‌اند چه جوری از اینها پول بگیرند.»

هادی قوامی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی اعلام کرده: «برخی تراستی‌ها منابع قابل‌توجهی را از شبکه بانکی خارج کرده‌اند، اما آنها را بازنگردانده‌اند.»

او با اشاره به اینکه منابع برداشت شده از نظام بانکی توسط تراستی‌ها می‌تواند ناترازی بانک‌ها را تشدید و پیامدهای آن به معیشت حقوق‌بگیران و کارگران منتقل شود، گفته: «برآورد ما این است که حدود سه میلیارد دلار از منابع کشور در این مسیر بازنگشته است.»

هادی قوامی در نطقی در مجلس شورای اسلامی نیز گفته: «تراستی‌هایی که نفت را از کشور بردند، از بانک گردشگری نیز ۳۰۰ میلیون دلار معادل ۶۹ همت دزدیدند و در این شرایط بانک مرکزی نیز خط اعتباری با ۴۵ درصد جریمه به آنها داده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده: «کاملاً مشخص است که عوامل نفوذ یک ماه قبل دلار را از ۱۶۰ هزار تومان به ۲۳۰ هزار تومان رساندند و بعد در طول ۲ هفته بارشان را بستند و رفتند؛ این عین نفوذ است.»

در هفته‌های گذشته انتشار اطلاعاتی تکاندهنده از فساد گسترده تراستی‌ها، پرونده آنها را به قوه قضاییه کشانده و طرح تحقیق و تفحص از وزارت نفت را در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار داده است. تراستی (Trustee) یا متصدی امانت یک اصطلاح حقوقی است که معمولاً به کسی که در موقعیت امانت قرار دارد گفته می‌شود.

● مصطفی نخعی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: رقمی تا ۵۰۰ میلیون دلار نفت به تراستی‌ها دادند و این افراد به اندازه کافی تضامین هم در اختیار بانک‌ها ندارند و حالا مانده‌اند چه جوری از اینها پول بگیرند.

● هادی قوامی نماینده مجلس شورای اسلامی: تراستی‌هایی که نفت را از کشور بردند، از بانک گردشگری نیز ۳۰۰ میلیون دلار معادل ۶۹ همت دزدیدند و در این شرایط بانک مرکزی نیز خط اعتباری با ۴۵ درصد جریمه به آنها داده است.

● علی بابندریان، روح‌الله رضوی، محمدهادی مؤمنین و حسین شمخانی چهار نفر از تراستی‌هایی هستند که نام آنها افشا شده است.

● دادستان تهران پیشتر از بازداشت بیش از ۱۳ نفر در پرونده‌های مرتبط با تراستی‌ها و رفع تعهدات ارزی خبر داده بود.

● دادگستری تهران نیز اعلام کرده ۶۶ پرونده مرتبط با تراستی‌ها به ارزش تقریبی دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو در دست رسیدگی است. برای ۴۳ پرونده قرار نهایی صادر شده و ۲۳ پرونده نیز پس از صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده شده‌اند.

با انتشار نام چهار «تراستی» وابسته به مافیاهای حکومتی، ماجرای فساد گسترده معتمدان حکومت که ارز ناشی از صادرات و منابع کشور را به جیب زده‌اند بالا گرفته است. در حالی که طرح تحقیق و تفحص از وزارت نفت در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته، دادستان کل کشور نیز بر لزوم برخورد «قاطع و بدون اغماض» با تراستی‌ها تأکید کرده است. در آخرین آمار از دستبرد «تراستی»‌ها به منابع کشور، یک نماینده مجلس اسلامی گفته که تراستی‌ها سه میلیارد دلار از منابع بانکی را دزدیده‌اند و همین موضوع سبب تشدید کسری در نظام بانکی کشور شده است.

مصطفی نخعی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای

منشأ این کاهش بررسی شود. اگر این کاهش ناشی از افت قدرت خرید و کاهش تقاضا باشد، اقتصاد همزمان می‌تواند با رکود مواجه شود. در چنین شرایطی، کاهش تورم در کنار رکود به معنای بهبود معیشت مردم نیست، بلکه می‌تواند نشانه عمیق‌تر شدن رکود و کوچک‌تر شدن قدرت خرید باشد.

جمهوری اسلامی در حالی تلاش دارد وضعیت اقتصاد ایران را آرام نشان دهد که برنامه‌های جدید تحریمی ایالات متحده به شدت حکومت را زیر فشار قرار داده و خزانه را خالی کرده است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، گفته است واشنگتن به هدف قرار دادن شبکه‌هایی که امکان دسترسی جمهوری اسلامی به منابع مالی و دور زدن تحریم‌ها را فراهم می‌کنند، ادامه خواهد داد.

او همچنین ساعاتی پیش در گفتگو با فاکس‌نیوز اعلام کرد که جمهوری اسلامی فقط حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت روی آب و در مسیر تحویل دارد و با محاصره بنادر ایران از سوی آمریکا، این محموله‌ها رو به پایان است.

او همچنین گفت: «احتمالاً ظرف دو هفته آینده، دیگر چیزی نخواهند داشت که در ازای آن چیزی بگیرند. آخرین محموله‌های نفتی خود را به چین تحویل خواهند داد و پس از آن دیگر چیزی نخواهند داشت.»

از سوی دیگر، بازارها در ایران آثار فشارهای تشدیدشده اقتصادی ایالات متحده را نشان می‌دهند. در شرایطی که بانک مرکزی همه تلاش خود را به کار گرفته تا از افزایش قیمت ارز در ایران جلوگیری کند، قیمت هر دلار آمریکا روز دوشنبه ششم مهرماه بار دیگر در کانال ۲۴۰ هزار تومان قرار گرفت.

مرتضی افقه معتقد است: «تحریم‌ها فقط از یک مسیر بر اقتصاد اثر می‌گذارند و آثار آنها می‌تواند بخش‌های مختلف اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، اگر محدودیت‌های حمل و نقل و هوایی افزایش پیدا کند، فعالیت‌هایی مانند گردشگری و جابجایی مسافر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این شرایط ممکن است گردشگری داخلی همچنان ادامه داشته باشد، اما گردشگری خارجی با مشکل مواجه شود و درآمدهای حاصل از ورود گردشگران خارجی کاهش پیدا کند.»

این اقتصاددان با اشاره به تأثیر محدودیت‌های خارجی بر واردات برخی کالاها و خدمات گفت: «در بخش‌هایی مانند واردات دارو و سایر کالاهای مورد نیاز نیز هرگونه اختلال در مسیرهای تأمین می‌تواند هزینه‌های اقتصادی ایجاد کند. وقتی دسترسی به مسیرهای معمول واردات دشوار شود، هزینه تأمین کالا افزایش پیدا می‌کند و این افزایش هزینه می‌تواند دوباره خود را در قیمت‌ها نشان دهد.»

مرتضی افقه درباره تأمین منابع ارزی و نقش بانک مرکزی نیز هشدار داد که اگر برای جبران فشارهای اقتصادی، افزایش نقدینگی یا تأمین مالی از مسیرهایی انجام شود که به رشد پایه پولی و نقدینگی منجر شود، این سیاست می‌تواند در ادامه فشار تورمی جدیدی ایجاد کند.

این اقتصاددان همچنین توضیح داد: «شکل‌گیری چرخه‌ای از افزایش مستمر قیمت‌ها، کاهش ارزش پول ملی، افت قدرت خرید، رشد انتظارات تورمی و دشوارتر شدن کنترل تورم باعث می‌شود که ما اقتصاد کشور را همچنان در مسیر ابرتورم ببینیم. از این منظر، کاهش مقطعی تورم نقطه‌به‌نقطه، بدون بهبود قدرت خرید و رفع عوامل ایجادکننده تورم، لزوماً به معنای فاصله‌گرفتن اقتصاد از این خطر نیست.»

او با بیان اینکه «در شرایطی که برخی از تراسی‌ها بدهی داشته‌اند، باید مشخص شود بر چه اساسی مجوز جدید برای آنها صادر شده است»، گفت: «پرسش مجلس فقط درباره حجم نفت نیست، بلکه درباره صلاحیت دریافت‌کنندگان و بازگشت وجوه نیز مطرح است. به این ترتیب، مسئله از یک گزارش رسانه‌ای درباره چند واسطه به یک پرسش نظارتی درباره نحوه تصمیم‌گیری دستگاه‌های دولتی تبدیل شده است.» دامنه این پرونده تا درخواست استیضاح وزیر نفت هم گسترده شد اما در نهایت رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» اعلام کرد که استیضاح وزیر نفت که با محورهای این جمله عملکرد تراسی‌ها و ناترازی بنزین و گاز مطرح شده بود، فعلاً متوقف شده است.

رضا سپهوند با تأکید بر اینکه تعیین تراسی‌ها در وزارت نفت انجام می‌شود، گفت که تحقیق و تفحص درباره این موضوع نباید در «مقصد نادرست» دنبال شود.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرد، مجلس باید بررسی کند چرا برخی تراسی‌ها ارز حاصل از فروش نفت را بازنگردانده‌اند، چرا برخی اظهارنامه‌های خود را ارائه نکرده‌اند و چرا روند بازگشت این منابع با کندی پیش می‌رود.

به گفته سپهوند، موضوع تراسی‌ها به شورای عالی «امنیت ملی» و کمیته مرتبط با این شورا بازمی‌گردد و دستگاه‌های نظارتی نیز موضوع را پیگیری می‌کنند.

«همشهری آنلاین» نام چهار تراستی شامل علی بایندریان، روح‌الله رضوی، محمدهادی مؤمنین و حسین شمخانی را مطرح کرد و خواستار ارائه اسناد مربوط به ارزیابی و نحوه انتخاب آنها شده است. خبرگزاری «مهر» نیز با انتشار یک مطلب چهار پرسش مشخص را درباره معاملات نفت توسط تراسی‌ها مطرح کرده است که همچنان بی‌پاسخ مانده است: چه کسی این چهار تراستی را انتخاب کرده؟ سابقه بدهی آنها چه بوده؟ چرا فروش به شکل اعتباری انجام شده؟ و مبنای تخفیف ۸ درصدی چه بوده است؟

این گزارش همچنین پرسیده است که آیا برای انتخاب تراسی‌ها فرآیندی رقابتی وجود داشته و چه شرکت‌ها یا مجموعه‌های دیگری در این فرآیند حضور داشته‌اند.

اهمیت این پرسش‌ها در آن است که موضوع فقط به عملکرد چهار واسطه محدود نمی‌شود. اگر فروش نفت به شکل اعتباری انجام شده باشد، باید حاصل زنجیره‌ای از تصمیم‌گیریهایی مشخص باشد: چه نهادی طرف معامله را تأیید کرده، چه ارزیابی مالی درباره او انجام شده، سقف اعتبار چگونه تعیین شده، چه تضمینی گرفته شده و در صورت تأخیر یا عدم پرداخت، مسئولیت وصول مطالبات با چه نهادی بوده است. این موضوع اکنون به مجلس رسیده است. علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، ۲۴ شهریور در گفتگو با خبرگزاری «تسنیم» اعلام نمود: «مجلس به پرونده مجوز فروش نفت به چهار تراستی ورود جدی کرده است.»

و بنابراین می‌تواند به هر فردی که دارایی، اختیار یا موقعیت امانت یا مسئولیتی را به نفع دیگری در اختیار دارد، اطلاق شود. این افراد مجاز به انجام وظایف خاصی هستند اما قادر به کسب درآمد نیستند. در ایران تراسی‌ها به عنوان افرادی شناخته می‌شوند که طی سالهای گذشته برای فروش نفت و انجام نقل و انتقالات ارزی با هدف دور زدن تحریم‌ها و پولشویی فعالیت داشته‌اند. پنجم امرداد ۴۰۵ ذبیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حضور در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی از دستور غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه برای پیگیری پرونده‌های ارزی توسط هیئتی ویژه خبر داد.

ذبیح‌الله خدائیان گفت که بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود: «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند؛ ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو بودند و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی داشتند.»

او همچنین گفت: «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد یورو تعهد رفع‌نشده، به اتهام اخلاف در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.» رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود: «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد.»

چند روز پس از اظهارات رئیس سازمان بازرسی کل کشور، محمد معتمدی‌زاده سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با ارائه آخرین جزئیات این پرونده‌ها اعلام کرد ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی رفع‌نشده در اختیار شرکت‌های «تراستی» قرار دارد.

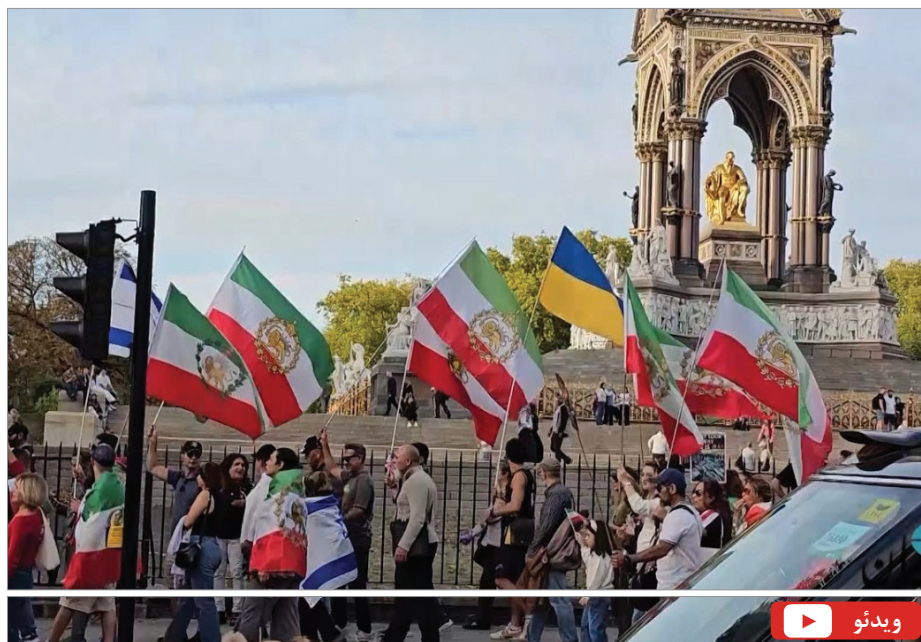
او صدور بی‌رویه کارت‌های بازرگانی را یکی از عوامل اصلی بروز این فساد اقتصادی دانست و تأکید کرد که شرکت‌های فاقد اهلیت، ابردهکاران ارزی و افراد پشت‌پرده این تخلفات باید به مردم معرفی شوند.

به گفته سخنگوی اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی «بخش قابل توجهی از ارزهای بازنگشته، مربوط به اشخاص و شرکت‌هایی است که برخی از آنها در حوزه نفت، پخش و پالایش فعالیت می‌کنند و این تخلفات از طریق شرکت‌های تراستی انجام شده است.»

همچنین پنجم مهرماه جاری علی صالحی دادستانی تهران بر «تسریع در رسیدگی‌ها و برخورد قاطع و بدون اغماض با متهمان پرونده‌های دارای تعهدات ارزی و تراستی» تأکید کرد. دادستان تهران درباره آخرین تصمیم قوه قضاییه برای بررسی پرونده تراستی‌ها گفته «ضابطان چهارگانه پرونده‌ها متشکل از پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ (فاتب)، پلیس امنیت اقتصادی فراجا، سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات ظرف ده روز نسبت به اجرای دستورات قضایی و رفع نواقص گزارشات و مستندات ارسالی به مرجع قضایی اقدام کنند. دادستان تهران پیشتر از بازداشت بیش از ۱۳ نفر در پرونده‌های مرتبط با تراستی‌ها و رفع تعهدات ارزی خبر داده بود.

دادگستری تهران نیز اعلام کرده ۶۶ پرونده مرتبط با تراستی‌ها به ارزش تقریبی دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو در دست رسیدگی است. برای ۴۳ پرونده قرار نهایی صادر شده و ۲۳ پرونده نیز پس از صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده شده‌اند. همچنین ولی‌الله بیاتی، نماینده تفرش، آشتیان و فراهان در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با

تجمع در لندن به یاد جاویدنامان «جنبش مهسا» و انقلاب ملی شیروخورشید



و نام جاویدنامان انقلاب ملی شیروخورشید مقابل سفارت جمهوری اسلامی نصب شده بود. تجمع‌کنندگان همچنین با دست داشتن پرچم کشورهای اوکراین، آمریکا و اسرائیل، همراهی خود با آنها، و مخالفت با مواضع ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را اعلام کردند. تجمع‌کنندگان راهپیمایی خود را به سمت سفارت کشور اسرائیل ادامه دادند.

گروهی از ایرانیان ساکن بریتانیا روز شنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ به یاد جاویدنامان «جنبش مهسا» و انقلاب شیروخورشید مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن تجمع کردند. بزنها و نمادهای گروه‌های پادشاهی‌خواه در این گردهمایی دیده می‌شد که یکی از مهمترین آنها، درخواست شش ماده‌ای برای همراهی دولت‌های غربی با اعتراضات آزادیخواهانه مردم ایران بود. همچنین پلاکاردهایی با تصویر

کمیود جدی سوخت و انرژی؛ از طرح «دورکاری ترکیبی کارمندان دولت» تا احتمال تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها



● طرح جدید «دورکاری ترکیبی کارکنان دولت» با هدف کاهش مصرف سوخت و انرژی در مراحل پایانی بررسی قرار دارد و طبق اعلام سازمان اداری و استخدامی، احتمالاً پس از تصویب در هیئت دولت ابلاغ خواهد شد.

● تشدید کمیود انرژی حتی می‌تواند به محدودیت‌هایی از جمله تعطیلی یا تغییر نحوه فعالیت مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات نیز منجر شود.

● کوروش خسروی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار اصفهان، اعلام کرده که با محدود شدن تأمین گاز نیروگاه‌ها در فصل سرد، احتمال بازگشت ناترازی [کمیود] برق از آذرماه وجود دارد و استان باید از همین حالا برای مدیریت انرژی آماده شود.

● مصطفی رجبی مشهدی، سرپرست معاونت برق و انرژی وزارت نیرو، نیز به تازگی اعلام کرده: «به دلیل آسیب به تأسیسات گازی در جنگ، زمستان امسال روزانه ۱۳۰ میلیون مترمکعب، گاز کمتری به شبکه و سپس نیروگاه‌ها تحویل داده می‌شود.»

● آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران: بخش عمده کسری گاز از طریق محدودیت مصرف صنایع، جبران می‌شود اما ممکن است امسال برخی استان‌های دورتر از منابع گازی به‌دلیل کاهش فشار، حتی گاز خانگی خود را نیز از دست بدهند.»

فعالیتشان متوقف نشود.

استانداری اصفهان همچنین به دنبال کاهش قطعی برق صنایع، توسعه هم‌پیمایی در مسیرهای پرتردد و استفاده از طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی است تا زمستان با کمترین آسیب به تولید و خدمات سپری شود.

مصطفی رجبی مشهدی سرپرست معاونت برق و انرژی وزارت نیرو نیز به تازگی اعلام کرده: «به دلیل آسیب به تأسیسات گازی در جنگ، زمستان امسال روزانه ۱۳۰ میلیون مترمکعب، گاز کمتری به شبکه و سپس نیروگاه‌ها تحویل داده می‌شود.»

او افزوده: «اکنون بیش از ۳ میلیارد لیتر گازوئیل در مخازن نیروگاه‌ها ذخیره شده اما باز هم برای پوشش تبعات نبود گاز کافی نیست و احتمالاً برنامه خاموشی در زمستان داشته باشیم.» احتمال قطع برق و گاز در برخی مناطق ایران طی هفته‌های آینده از سوی مقامات ارشد دولت نیز تأیید شده است. از جمله محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان در نشستی که با هدف مدیریت مصرف سوخت و انرژی برگزار شده بود اعلام کرده: «تأمین پایداری شبکه اهمیت زیادی دارد و من نگران قطع شدن گاز برخی مناطق کشور هستم که با تلاش دستگاه‌های اجرایی و همراهی مردم این اتفاق رخ نخواهد داد.»

پیش از این نیز آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، اعلام کرده بود: «با توجه به احتمال سردتر بودن پاییز و زمستان امسال، افزایش مصرف خانگی و کاهش بخشی از تولید به‌دلیل حملات آمریکا به تأسیسات گاز، کشور در حوزه تأمین گاز با چالش جدی مواجه خواهد بود.»

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران هشدار داده بود: «بخش عمده کسری گاز از طریق محدودیت مصرف صنایع، جبران می‌شود اما ممکن است امسال برخی استان‌های دورتر از منابع گازی به‌دلیل کاهش فشار، حتی گاز خانگی خود را نیز از دست بدهند.»

دورکاری به شکل ترکیبی و متناسب با نوع فعالیت است. علت اصلی تدوین طرح «دورکاری ترکیبی کارکنان دولت» بحران کمیود سوخت و انرژی است. دولت به دنبال آنست که با نیمه‌وقت کردن و کاهش تعداد کارمندان حاضر در ادارات، مصرف سوخت و انرژی را تا حد ممکن کاهش دهد. از سوی دیگر احتمال آنلاین شدن مدارس و دانشگاه‌ها به علت همین بحران مطرح شده است. هاشم اورعی، کارشناس ارشد انرژی و استاد دانشگاه، با اشاره به شرایط اوج مصرف در روزهای سرد سال، پیش‌بینی کرده است که کمیود گاز به حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون مترمکعب برسد؛ رقمی که به گفته او حدود ۵۰ درصد تقاضا را شامل می‌شود. به گفته‌ی او، این شرایط می‌تواند در صورت تشدید کمیود انرژی حتی به محدودیت‌هایی از جمله تعطیلی یا تغییر نحوه فعالیت مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات نیز منجر شود. کمیود گاز سبب افزایش کمیود برق و گازوئیل هم می‌شود. سهم عمده برق ایران در نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود و کمیود گاز دولت را مجبور می‌کند سهم گاز نیروگاه‌ها را کاهش دهد تا در فصل سرد گاز بخش خانگی قطع نشود. سوخت‌های جایگزین مانند مازوت نیز به دلیل فرسودگی و راندمان پایین نیروگاه‌ها امکان تولید کافی برق را ایجاد نمی‌کنند و در نتیجه به گفته کارشناسان و مدیران بخش انرژی کمیود برق و احتمال جیره‌بندی دوباره برق بالا ارزیابی شده است.

در همین رابطه کوروش خسروی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار اصفهان، اعلام کرده با محدود شدن تأمین گاز نیروگاه‌ها در فصل سرد، احتمال بازگشت ناترازی [کمیود] برق از آذرماه وجود دارد و استان باید از همین حالا برای مدیریت انرژی آماده شود.

کوروش خسروی گفته، واحدهای تولیدی دارای مجوز می‌توانند متناسب با مصرف خود، سوخت مورد نیاز یک سال را ذخیره کنند تا در صورت محدودیت تأمین سوخت،

کمیود سوخت و انرژی برای فصل و پاییز امسال سبب تدوین طرحی با عنوان «دورکاری ترکیبی کارمندان دولت» از سوی دولت پزشکیان شده است. کارشناسان و مدیران بخش انرژی ایران هشدار می‌دهند که با توجه به کمیود شدید سوخت و انرژی احتمال تداوم جیره‌بندی برق در ماه‌های آینده و در کنار جیره‌بندی گاز و دیگر سوخت‌ها در دستور کار قرار بگیرد.

طرح جدید «دورکاری ترکیبی کارکنان دولت» در مراحل پایانی بررسی قرار دارد و طبق اعلام سازمان اداری و استخدامی، احتمالاً پس از تصویب در هیئت دولت ابلاغ خواهد شد. این طرح قرار نیست دورکاری کامل و یکسانی برای همه کارکنان ایجاد کند، بلکه بر اجرای مدل ترکیبی شامل حضور در محل کار و انجام فعالیت‌ها به صورت غیرحضوری تمرکز دارد.

بر اساس توضیحات سخنگوی سازمان اداری و استخدامی، تعیین کارکنانی که امکان دورکاری دارند، بر عهده دستگاه‌های اجرایی خواهد بود. به این ترتیب، هر دستگاه با توجه به ماهیت فعالیت‌ها و نیازهای کاری مشخص می‌کند چه بخش‌هایی امکان فعالیت غیرحضوری دارند و کدام کارکنان باید در محل کار حضور داشته باشند.

بر اساس توضیحات ارائه شده فعالیت‌های فردی، کارشناسی و پژوهشی از جمله حوزه‌هایی هستند که ظرفیت بیشتری برای دورکاری دارند. در مقابل، مشاغل که به تصمیم‌گیری، برگزاری جلسات حضوری، مشورت، همفکری، کار تیمی یا پیگیری‌های چندجانبه نیاز دارند، همچنان مستلزم حضور کارکنان خواهند بود.

سازمان اداری و استخدامی اعلام کرده که جزئیات طرح هنوز نهایی نشده و ممکن است پیش از ابلاغ تغییراتی در آن ایجاد شود. با این حال، اصل رویکرد جدید، اجرای

فقر، شمار کودکان بازمانده از تحصیل در ایران را افزایش داد



لوازم التحریر، لباس فرم و کفش برای فرزندان دانش آموز، در شرایط دشوار معیشتی، نیازمند تأمین به موقع درآمد خانواده است.»

این کارگر با اشاره به اینکه پرداخت حقوقها معمولاً با تأخیر همراه است، خواستار تسریع در پرداخت حقوقها از سوی شرکت راه آهن به عنوان کارفرمای اصلی شد. کارگران اینبیه فنی راه آهن تأکید دارند که پرداخت به موقع دستمزدها می تواند بخشی از فشار هزینه های خانواده ها در آغاز سال تحصیلی را کاهش دهد.

از سوی دیگر علی فرهادی با اشاره به اینکه «نگرانی های ناشی از جنگ و احتمال بازگشت آموزش مجازی نیز ممکن است برخی خانواده ها را نسبت به فرستادن فرزندان شان به مدرسه مردد کند»، تأکید کرده برای مشخص شدن علت واقعی کاهش ثبت نام کلاس اولی ها باید سهم عواملی مانند کاهش موالید، فقر، بازماندگی از تحصیل و شرایط اجتماعی با آمار دقیق بررسی شود؛ چراکه اگر کاهش جمعیت دانش آموزی با افزایش بازماندگی از تحصیل همراه باشد، پیامدهای آن سال ها بعد در قالب کم سوادی، کاهش مهارت های اجتماعی و آسیب های اقتصادی و اجتماعی نمایان خواهد شد.

این کارشناس آموزش با هشدار درباره «فاجعه آموزشی در کشور» گفته: «بسیاری از خانواده ها دیگر تمایلی به ادامه تحصیل فرزندان شان ندارند. این را تجربه معلم ها هم نشان می دهد. من همین سال گذشته در منطقه پنج بومد و بخش بزرگی از خانواده ها بچه های شان را به مدرسه نمی فرستادند. مدرسه هم نهایتاً مجبور می شد این بچه ها را هنگام امتحانات بپذیرد و عموماً هم نمره ای به آنها بدهد تا این پایه را رد کنند و بروند و بعد بیند سال بعد چه اتفاقی می افتد. این موضوع می تواند برای جامعه، برای آن فرد و برای خانواده فاجعه باشد. بچه ها پرورش پیدا نمی کنند. کودکان در مدرسه تعاملات اجتماعی و هوش اجتماعی خود را به خوبی پخته نمی کنند و متأسفانه این مساله می تواند به مشکلات اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی فردی و خانوادگی آسیب های بسیار زیادی بزند.»

تحصیل برایتان اهمیت دارد اما اگر زیر خط فقر باشید و بخواهید دست کم ۵ تا ۶ میلیون تومان برای لوازم التحریر، ۲ تا ۳ میلیون تومان برای لباس و روپوش، چندین میلیون تومان برای سرویس و رفت و آمد و هزینه تغذیه و میان وعده پرداخت کنید این هزینه ها ممکن است واقعا یک خانواده را مجاب کند که بچه را به مدرسه نفرستد یا از سایر هزینه های ضروری زندگی کم کند.»

ناتوانی خانواده ها در پرداخت هزینه تحصیل بارها در هفته های گذشته مورد تأکید قرار گرفته است. آمارها نشان می دهد قیمت نوشت افزار بطور متوسط نسبت به سال گذشته دو تا سه برابر افزایش یافته است بطوری که تهیه اقلام ضروری نوشت افزار هزینه ای چند میلیون تومانی برای خانواده ها در پی دارد. از سوی دیگر هزینه لباس فرم مدرسه نیز حدود پنج تا ۱۵ میلیون تومان در مناطق مختلف اعلام شده است. هزینه سرویس رفت و آمد مدرسه نیز از ماهی ۱.۵ میلیون تومان در شهرهایی مانند قزوین تا ماهانه پنج میلیون تومان در تهران متغیر است.

همچنین در حالی که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی باید مدارس دولتی در ایران رایگان باشند اما مدارس دولتی مختلف ارقامی بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان را به عنوان «کمک به مدرسه» از خانواده ها دریافت می کنند و پرداخت این رقم شرط ثبت نام دانش آموزان است.

اینهمه هزینه تحصیل یک دانش آموز را به ده ها میلیون تومان در طول سال تحصیلی افزایش می دهد در حالی که حقوق رسمی کارگران، در صورت دریافت همه مزایای شغلی، حدود ۲۵ میلیون تومان در ماه است. بسیاری از خانواده های کارگری نیز با ماه ها حقوق عقب افتاده روبرو هستند که این موضوع توان آنها برای پرداخت هزینه تحصیل فرزندان را محدودتر کرده است. در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده کارگران بخش اینبیه فنی شرکت راه آهن با اشاره به نزدیک شدن زمان بازگشایی مدارس و دانشگاه ها، خواستار پرداخت به موقع حقوق ماه جاری شدند. یکی از این کارگران به خبرگزاری «ایلنا» گفته است: «تهیه

● علی فرهادی، معاون برنامه ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش و سخنگوی این وزارتخانه، به تازگی با ارائه آماری قابل توجه اعلام کرده تعداد کلاس اولی ها حدود ۱۰۰ هزار نفر نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. او این موضوع را به کاهش فرزندآوری مرتبط دانسته است.

● کارشناسان آموزش معتقدند، جدا از روند کاهشی جمعیت در ایران، عوامل دیگری در کاهش تعداد دانش آموزان ورودی به پایه اول نقش داشته است: از ترک تحصیل ناشی از فقر گرفته تا نگرانی خانواده ها به دلیل شرایط جنگی!

● هزینه تحصیل یک دانش آموز به ده ها میلیون تومان در طول سال تحصیلی رسیده است در حالی که حقوق رسمی کارگران، در صورت دریافت همه مزایای شغلی، حدود ۲۵ میلیون تومان در ماه است.

● بسیاری از خانواده های کارگری نیز با ماه ها حقوق عقب افتاده روبرو هستند که این موضوع توان آنها برای پرداخت هزینه تحصیل فرزندان را محدودتر کرده است.

آمارها نشان می دهد در سال تحصیلی جدید تعداد کلاس اولی ها نسبت به سال گذشته با کاهش چشمگیری روبرو شده است. سخنگوی آموزش و پرورش با تأیید این خبر، کاهش نرخ فرزندآوری را دلیل اصلی کاهش آمار کلاس اولی ها دانسته اما کارشناسان معتقدند عوامل دیگری چون فقر خانواده ها و تصمیم به آموزش در خانه بر کاهش تعداد کودکان کلاس اولی ثبت نام کرده در مدارس کشور موثر بوده است.

علی فرهادی، معاون برنامه ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش و سخنگوی این وزارتخانه، به تازگی با ارائه آماری قابل توجه اعلام کرده تعداد کلاس اولی ها حدود ۱۰۰ هزار نفر نسبت به سال گذشته کاهش یافته است.

علی فرهادی گفته این موضوع «نشان دهنده تداوم روند کاهش جمعیت دانش آموزی و ضرورت توجه جدی سیاست گذاران حوزه جمعیت است.»

در مقابل اما کارشناسان آموزش معتقدند جدا از روند کاهشی جمعیت در ایران، عوامل دیگری در کاهش تعداد دانش آموزان ورودی به پایه اول نقش داشته است: از ترک تحصیل ناشی از فقر گرفته تا نگرانی خانواده ها به دلیل شرایط جنگی!

به گفته کارشناسان، در مناطق کم برخوردار کشور در شرایطی که هزینه های تحصیل دانش آموزان به ارقام میلیونی رسیده ممکن است خانواده ای به دلیل ناتوانی در تأمین این هزینه ها فرزند خود را به مدرسه نفرستد. از سوی دیگر شرایط جنگی کشور نیز می تواند بر نگرانی خانواده ها اضافه کرده و برخی والدین را نسبت به فرستادن فرزندان شان به مدرسه مردد کرده باشد.

در همین رابطه محمدرضا نیک نژاد، کارشناس آموزش، در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» گفته: «فشارهای اقتصادی، هزینه لوازم التحریر، لباس، سرویس، رفت و آمد و تغذیه می تواند به ویژه در مناطق نابرخوردار مانعی جدی برای تحصیل کودکان باشد.»

او توضیح داده: «اگر خودتان را یک شهروند متوسط در نظر بگیرید هنوز این امکان وجود دارد که از بخشی از هزینه های زندگی تان بزنید تا بچه تان به مدرسه برود چون

سقوط بی سابقه ارزش پول ملی؛ دلار ۳۳۰ هزار تومانی در راه است!

نرخ ارز می تواند زودتر از تورم واکنش نشان دهد و سپس از مسیر قیمت کالاهای وارداتی، مواد اولیه و هزینه تولید به سطح عمومی قیمت ها منتقل شود.

در مطلب خبرگزاری «ایرنا» آمده: «شاید مهم تر از خود شوک ارزی، واکنش مردم به آن باشد. وقتی خانواده ها انتظار افزایش بیشتر نرخ ارز و قیمت ها را داشته باشند، رفتارشان پیش از آنکه افزایش قیمت واقعاً رخ دهد تغییر می کند: نگهداری سپرده های بلندمدت کاهش می یابد، تقاضا برای دارایی های نقدشونده و ارز افزایش پیدا می کند و بنگاه ها نیز ممکن است قیمت گذاری خود را بر اساس هزینه های مورد انتظار آینده انجام دهند.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز نسبت به خطر بروز ابرتورم هشدار داده و نوشته: «پرسش کلیدی که این روزها افکار عمومی و فعالان اقتصادی را درگیر کرده، این است که این قطار تندرو تا کجا پیش خواهد رفت؟ تحلیل مؤلفه های بنیادی نشان می دهد که تا زمان پایداری شرایط فعلی، تقاضا برای دلار به عنوان یک دارایی امن فروکش نخواهد کرد. بانک مرکزی و دولت با کسری شدید منابع ارزی روبه رو هستند و در سوی دیگر، تقاضای خرد و خانگی برای تبدیل ریال به ارزهای معتبر روز به روز شدیدتر می شود. این دو قیچی هم زمان، عرضه را تنگ تر و تقاضا را گشادتر می کنند.» در ادامه این مطلب آمده: «اگر جریان های تجاری همچنان بسته بمانند و صادرات نفت در وضعیت صفر یا نزدیک به صفر تثبیت شود، کسری بودجه دولت از کنترل خارج شده و موج های تورمی تازه ای در پائیز پیش رو شکل خواهد گرفت. گرفتار شدن اقتصاد در گرداب ابرتورم دیگر یک کابوس و احتمال نیست، بلکه خطری ملموس است که نشانه های آن از همین تغییر کانال های ساعتی دلار هویدا شده است.»

در این میان جریان های حکومتی همچنان «دشمن» و «مردم» را مقصر شرایط موجود معرفی می کنند تا ساختار اقتصاد در حال فروپاشی ایران را «سالم» جلوه دهند! حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گفته: «یکی از دلایل از بین رفتن ارزش پولی به خاطر رفتارهای مردم است که رفتارهای مردم نیز تحت تأثیر سیاست های اقتصادی دولت است. در حال حاضر میدانید چه میزان ارز و طلا توسط خود شرکت های دولتی خریداری می شود؟ وقتی مردم می بینند که دولت هر روز ارز را تضعیف و تورم را تحمیل می کند، چنین رفتاری بروز می دهند.»

همچنین از دو روز پیش که روند افزایش قیمت ارز در بازار ایران شتاب بیشتری گرفت، رسانه هایی همچون خبرگزاری فارس-متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- افزایش قیمت ارز را ناشی از اظهارات مقامات آمریکایی و کانال های تلگرامی اعلام کردند.

کارشناسان اما معتقدند اختلال در گلوگاه های لجستیک و تجاری، فشار را مضاعف کرده است. وقتی تجارت دریایی و هوایی با محاصره و تحریم های بی سابقه فلج می شود و مسیرهای ترانزیت زمینی هم به دلیل محدودیت های منطقه ای با کندی و اختلال شدید روبرو می شوند، جریان ورود حواله های ارزی به کشور به مویی بند می شود. در این میان، رد پیشنهادهای دیپلماتیک جهت بازگشایی یا تسهیل عبور و مرور از تنگه هرمز، این سیگنال را به بازار فرستاد که قرار نیست در کوتاه مدت گره ای از این کلاف سردرگم گشوده شود!



خارجی و عدم تضمین اخبار مثبت از سوی وزارت خارجه کشور، قیمت دلار می تواند به ۳۳۰ هزار تومان برسد. او همچنین پیش بینی کرد قیمت جهانی طلا در زمستان به محدوده ۵ هزار دلار برسد. پیش از صعود حدود ۲۰ هزار تومانی قیمت دلار در روزهای گذشته نیز کارشناسان بر تداوم افزایش قیمت ارز تا پایان سال تأکید کرده بودند. پیام الیاس کردی، تحلیلگر بازارهای مالی، با اشاره به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور گفته بود قیمت دلار تا پایان سال ممکن است به ۳۰۰ هزار تومان افزایش یابد.

علیرضا توکلی کاشی، تحلیلگر اقتصادی، نیز با اشاره به تشدید نااطمینانی های سیاسی و اقتصادی رقیمی تا ۳۲۰ هزار تومان را برای دلار پیش بینی کرده و گفته بود: «دلار آینه تلاطم های اقتصاد ایران است و افزایش نگرانی ها درباره جنگ، بنزین و کسری بودجه دولت، فشار بر بازار ارز را بیشتر کرده است.» همچنین نیما میرزایی، کارشناس بازارهای مالی، با پیش بینی افزایش قیمت ها در بازار ارز و طلا گفته بود: «متناسب با رشد قیمت طلا، سکه نیز افزایش خواهد داشت و احتمالا تا پایان سال شاهد سکه ۳۵۰ تا ۳۶۰ میلیون تومانی خواهیم بود.»

افزایش قیمت ارز اثری دومینویی بر افزایش قیمت ها در دیگر بازارها و همچنین در تولید و صنعت خواهد داشت. اثراتی که در بازارها از جمله بازار اتومبیل سریعتر و در برخی دیگر بازارها دیرتر نمایان می شود. این موضوع، در کنار سقوط عمیق قدرت خرید خانوارها و درآمدهای ناکافی، این پرسش را مطرح می کند که آیا مردم در ایران که اکثر آنها با بحران های انباشته اقتصادی روبرو هستند و سفره های شان هر هفته در حال کوچک شدن است توان گرانی های ناشی از افزایش قیمت ارز را دارند؟

در همین رابطه خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی نوشته: «اثر شوک ارزی نیز یکباره در شاخص قیمت ظاهر نمی شود. در مهر ۱۴۰۴، پس از اسنپ یک، رشد سالانه نرخ ارز حدود ۷۹ درصد بود، در حالی که تورم همچنان حدود ۴۷ درصد قرار داشت. در ماه های بعد، این فاصله کاهش یافت و تورم در بهمن به بیش از ۶۲ درصد رسید. بنابراین

● قیمت دلار در بازار ایران که روز گذشته به مرز ۲۵۰ هزار تومان رسیده بود، تا ظهر روز چهارشنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۵ با بیش از شش هزار تومان افزایش به ۲۵۶ هزار و ۴۰۰ تومان رسید.

● همزمان قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز کشور رکوردهای جدید ثبت کرد. تا ظهر چهارشنبه هر یورو ۲۹۰ هزار و ۵۳۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۳۴۰ هزار تومان، هر درهم امارات ۷۰ هزار و ۵۱۰، هر لیر ترکیه ۵۲۳۰ تومان و هر یوان چین ۳۸ هزار و ۲۵۰ تومان قیمت گذاری شد.

● در بازار طلا نیز قیمت ها متأثر از افزایش قیمت ارز با افزایش روبرو شد. هر سکه کامل طلا در ظهر چهارشنبه ۲۶۲ میلیون تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲۵ میلیون و ۵۷۸ هزار تومان مورد معامله قرار گرفت.

● هومن زنگنه کارشناس بازارهای مالی گفت: «در صورت ادامه سیاست های فعلی در حوزه سیاست خارجی و عدم تضمین اخبار مثبت از سوی وزارت خارجه کشور، قیمت دلار می تواند به ۳۳۰ هزار تومان برسد.» او همچنین پیش بینی کرد که قیمت جهانی طلا در زمستان به محدوده ۵ هزار دلار برسد.

● علیرضا توکلی کاشی تحلیلگر اقتصادی نیز پیشتر با اشاره به تشدید نااطمینانی های سیاسی و اقتصادی رقیمی تا ۳۲۰ هزار تومان را برای دلار پیش بینی کرده و گفته بود: «دلار آینه تلاطم های اقتصاد ایران است و افزایش نگرانی ها درباره جنگ، بنزین و کسری بودجه دولت، فشار بر بازار ارز را بیشتر کرده است.»

قیمت دلار در بازار ایران با افزایش سریع روبروست و در ظهر روز چهارشنبه هشتم مهرماه به مرز ۲۶۰ هزار تومان نزدیک شده است. کارشناسان عبور قیمت دلار از مرز ۳۰۰ هزار تومان را در صورت تداوم شرایط تحریم و محاصره اقتصادی دور از ذهن نمی دانند و نسبت به عواقب افزایش قیمت ارز و سقوط سریع ارزش پول ملی بر اقتصاد و معیشت خانوارها هشدار می دهند. قیمت دلار در بازار ایران که روز گذشته از به مرز ۲۵۰ هزار تومان رسیده بود تا ظهر روز چهارشنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۵ با بیش از شش هزار تومان افزایش به ۲۵۶ هزار و ۴۰۰ تومان رسید.

همزمان دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران رکوردهای جدید قیمت را ثبت کردند. تا ظهر چهارشنبه هر یورو ۲۹۰ هزار و ۵۳۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۳۴۰ هزار تومان، هر درهم امارات ۷۰ هزار و ۵۱۰، هر لیر ترکیه ۵۲۳۰ تومان و هر یوان چین ۳۸ هزار و ۲۵۰ تومان قیمت گذاری شد.

در بازار طلا نیز قیمت ها متأثر از افزایش قیمت ارز با افزایش روبرو شد. هر سکه کامل طلا در ظهر چهارشنبه ۲۶۲ میلیون تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲۵ میلیون و ۵۷۸ هزار تومان معامله شد.

کارشناسان معتقدند در صورت ادامه تحریم ها و محاصره اقتصادی، منابع ارزی حکومت روندی کاهشی را طی و همین موضوع ضمن تشدید انواع بحران های اقتصادی قیمت ارز و طلا در بازار ایران را همچنان افزایش خواهد داد. در همین رابطه هومن زنگنه، رئیس پایانه صادراتی، فرآوری گوهرسنگ ها و فلزات گرانبها در ایران، در گفت و گو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» با اشاره به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، پیش بینی قیمت دلار و طلا پرداخت و گفت: در صورت ادامه سیاست های فعلی در حوزه سیاست



رد درخواست فرجام‌خواهی؛
تأیید حکم شلاق پرستو احمدی و دیگر
اجراکنندگان کنسرت «کاروانسرا»



وال استریت ژورنال: ترامپ پیشنهاد
آتش‌بس هفت روزه رژیم ایران را رد کرد



ارسال قطعات پهباد و موشک از
چین به ایران در روز امضای آتش‌بس



دستورالعمل هشدارآمیز وزارت علوم؛
پوشش دانشجویان باید «متین، آراسته،
ساده» باشد!



پیام بانو یاسمین نهادی به خانواده‌های جاودانگان:
یک ملت به عزیزان شما افتخار می‌کند



نیویورک پست:
علاوه بر محاصره دریایی و هوایی، باید محاصره
زمینی جمهوری اسلامی را افزایش داد



صدور حکم اعدام علیه محمد نادری
به اتهام «جاسوسی»



تعطیلی دفاتر شرکت هواپیمایی
«ترکیش ایرلاینز» در ایران



شوک تحریم آسمان ایران بر
صنعت در آستانه‌ی ورشکستگی
داروسازی



افزایش ۷۰ درصدی قیمت
نان در مشهد طی دو ماه



رسول بذاقی و غفار دیندار،
دو فعال صنفی آموزگاران، بازداشت شدند



گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران ناگهید کرد:
لزوم تعیین مهلت قانونی برای لغو
کامل مجازات اعدام در ایران



محکومیت ۹ وکیل دادگستری
به حبس در استان گیلان



اعلام جرم دادستانی تهران
علیه دست‌اندرکاران یک تئاتر!



افزایش ابتلا به سویه جدید
کرونا در ایران



کمبود جدی سوخت و انرژی؛
از طرح «دورکاری ترکیبی کارمندان دولت»
تا احتمال تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها



احتمال «تروریستی» بودن
حادثه امنیتی در پرواز «فلائی دوی»
تقویت شد



برتری دریایی آمریکا در تنگه هرمز؛
صادرات نفت در خلیج فارس به
۷۲ درصد رسید



توقف کامل فرایند توسعه و
سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران



حقوق ماهانه پرستاران حتی
هزینه‌های ۱۰ روز زندگی را هم پوشش
نمی‌دهد



عراقچی: منتظر پاسخ آمریکا هستیم؛
ترامپ: «من به آنها هیچ پیشنهادی ندادم!»



سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی؛
دلار ۳۳۰ هزار تومانی در راه است!



برای اولین بار یک زن
نخست‌وزیر مراکش شد



نخست‌وزیر بریتانیا نقش
جمهوری اسلامی در توطئه امنیتی
پایگاه «فیرفورد» را تأیید کرد



سه روز پس از سفر نتانیاهو به امارات؛
هواپیمایی «فلائی دوی» به مقصد تل‌آویو با
۱۰۰ مسافر «کد هواپیمایی» ارسال کرد



افزایش ۵۰۰ درصدی قیمت
برخی داروها از ابتدای سال



«جنگ آخرومانی»:
زبان دیپلماتی جمهوری اسلامی
برای توافق با واشنگتن



برگزاری پنجمین دوره «کنفرانس ایران»
توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران»
(نوفدی)



سختگویی وزارت دفاع جمهوری اسلامی:
بخشی از توان نظامی را به زیر زمین
منتقل کرده‌ایم



تائیه‌ها در ساکنان ملل نیز از مردم ایران دفاع کرد
«رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر چیز
از مردم ایران می‌ترسند»



ادعای دروغ بانک مرکزی
درباره کاهش تورم اقتصاد ایران



سنگینی جنگ بر انتخابات میاندوهمای آمریکا:
جمهوری اسلامی می‌بایست پیش از
تأیستان ۲۰۲۶ سرنگون می‌شد
نگاه دیگران



نماینده مجلس شورای اسلامی:
برخی موافقان مذاکره «نفوذی»
هستند



برگزاری مانور قطع گاز
در نانوایی‌های استان گلستان



فرودگاه نجف پروازها از مبدأ
ایران را لغو کرد



مجروح شدن هشت تفنگدار دریایی
آمریکا در پی اصابت موشک جمهوری اسلامی;
این بی‌بی: پنتاگون حتی وقوع حمله را اعلام نکرد!



تهدید جان میلیون‌ها شهروند در اصفهان به
علت فروزشست:
«منطقه خطر» از بافت تاریخی تا فرودگاه
اصفهان گسترده است



شوگ تحریم هوایی ایران
به بازار موبایل



روزنامه تلگراف:
۵۳ «خبرنگار» که بی‌بی‌سی مدعی بود
در غزه کشته شدند، اعضای حماس و
جهاد اسلامی بودند



حاجی‌دلگانی، نماینده مجلس شورای اسلامی:
نگذاریم شیخ‌نشین‌های منطقه در کاخ‌های
مجلل‌شان آرام زندگی کنند



جش قیمت دلار به کانال
۲۴۰ هزار تومان



فقر و گرانی:
کاهش ۶۰ درصدی مصرف
گوشت قرمز در ایران



وزرای کابینه پزشک‌ها زیر تیغ استیضاح:
تشدید شکاف‌ها در بقایای
جمهوری اسلامی



اکسیوس:
تلاش‌های قطر برای توافق میان
جمهوری اسلامی و آمریکا نتیجه
نداشت



شبکه «تراستی»ها سه میلیارد
دلار از منابع ایران را زده‌اند



هشدار درباره کاهش سرانه
غذا در خانواده‌های کارگری



سفر هیئت امنیتی اسرائیل به ابوظبی:
تائیه‌ها و بن‌زاید با یکدیگر
دیدار کردند



قیمت دلار از مرز ۲۵۰ هزار
تومان گذشت



سهم حکومت در بروز تورم
۹۰ درصدی بیش از جنگ و ترامپ
است!



کاهش ۵۰ درصدی سهمیه
سوخت معادن زغال سنگ در ایران



عکس هفته | زنان شجاع ایران

بسیاری از دختران محصل ایران در حالیکه پوشش اجباری بر سر داشتند توسط مادرانی با پوشش اختیاری راهی مدرسه شدند. مبارزه زنان با حجاب اجباری از نخستین هفته‌ها پس از انقلاب ۵۷ آغاز شد و همواره در مسیری پر اُفت و خیز ادامه داشت. از اعتراضات «جنبش مهسا» در سال ۱۴۰۱ زنان روسری‌های خود را آتش زدند و در مبارزه مدنی شجاعانه و درخشانی توانستند گام به گام پوشش اختیاری را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند. این مسیر همچنان ادامه دارد و اول مهرماه جاری مادران دلیر ایران جلوه دیگری از این مبارزه را در تاریخ ایران ثبت کردند.